



فشار قانونگذاران جمهوریخواه به دولت بایدن برای سخت‌تر کردن لغو تحریم‌های رژیم ایران



دامخواست برای اولویت حقوق بشر در مذاکرات غرب با جمهوری اسلامی: نقض حقوق بشر را جزو موضوعات اصلی قرار دهید!

مترسک بمب هسته‌ای



● آمریکا بازگشت خود را به توافق هسته‌ای روندی طولانی می‌داند که پس از مشورت با شرکای اروپایی، متحدین منطقه‌ای و حمایت کنگره، و البته بازگشت جمهوری اسلامی به تعهدات برجامی اش امکانپذیر خواهد بود.

این روزها علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی و حتا حسن روحانی و محمدجواد ظریف نیز زبان تحکم را انتخاب کرده و گمان می‌برند با فشار بر رئیس جمهوری آمریکانه تنها می‌توانند روند بازگشت این کشور به برجام را از این طریق تسریع کنند بلکه وعده جو بایدن برای بازگشت به توافق هسته‌ای را بنا بر اهداف و برنامه‌های خود مدیریت نیز بکنند.

ادامه سرکوب و تبعیض علیه مسیحیان در جمهوری اسلامی؛ گزارش سالیانه سازمان «ماده ۱۸»

بازداشت دیپلمات جمهوری اسلامی در ترکیه به اتهام مشارکت در قتل مسعود مولوی

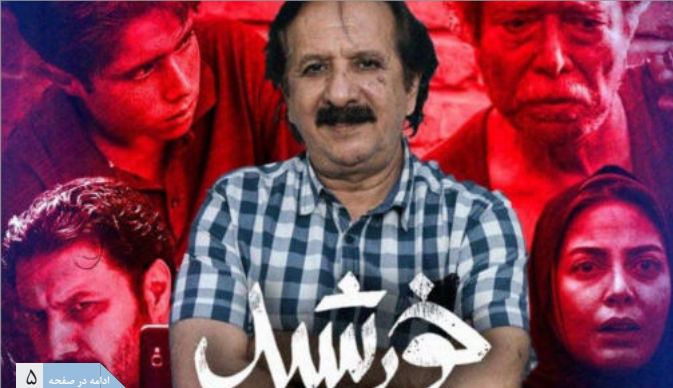
گزارش ویژه؛ پذیرایی از برادر خوانده‌های تروریست با آب پرقال؛ پیام سفر طالبان به تهران برای بایدن چیست؟

مرد روز
عوارضی که داروها برای دهان دارند!

زن روز
عوارض و خطرات آرایش کردن مداوم

دو قرن فراز و نشیب مطبوعات در ایران (۲۰۷) - احمد احرار
حسین دهقان در مصاحبه با گاردین: سیاست‌های بایدن همان ترامپیسم است؛ من فقط نظامی نیستم، دانشگاهیم!

بازگشت سینمای حکومتی ایران به اسکار با «خورشید» مجیدی؟!



کیمهان منتشر کرد: سقوط بهشت

وبسایت کیمهان لندن به زبان انگلیسی
KAYHAN LIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
www.kayhanlife.com

نگرانی از افکار عمومی هزینه همراهی با رژیم‌های تهاکار

مخالفان رژیم‌های تهاکار هزینه‌ی ایستادگی در برابر سرکوبگران را بسیار گران، با معرومیت و ممنوعیت و پیگرد و زندان و شکنجه و گاه با جان و زندگی عزیز خود می‌پردازند. موافقان و همراهان رژیم‌های تهاکار اما معمولاً از مواهب آنها برخوردار شده و پس از ساقط شدن، یا رنگ عوض می‌کنند و چه بسا پیشاپیش.....

افشاکری درباره فساد اقتصادی و حفره‌های نظامی ابزاری علیه رقیب برای تداوم نظام

در هفته‌ای که گذشت عباس آخوندی وزیر پیشین کابینه حسن روحانی با اشاره به اقتصاد زیرزمینی گسترده، از وجود یک «شبکه فساد فراملی» در ایران خبر داد. عباس آخوندی فعال اصلاح‌طلب و باجناق علی‌اکبر جمشیدی معروف به علی‌اکبر ناطق نوری مدعی شده که تحریم‌های آمریکا و ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد سبب ایجاد و فعالیت این «شبکه فساد فراملی» در ۱۵ سال گذشته شده است. آخوندی با بیان اینکه این شبکه فساد ۲۵ میلیارد دلار تجارت سالانه دارد گفته که «وقتی تحریم‌ها جدی‌تر شدند باید تحریم‌ها را دور می‌زدیم، زیرا خرید و فروش عادی از فولاد و پتروشیمی گرفته تا پسته باید غیررسمی می‌شد، لذا همه چیز به سمت غیررسمی شدن می‌رفت و مرتب اندازه اقتصاد غیررسمی در برابر اقتصاد رسمی بزرگتر شد.» او گفته دولت

نگاهی دیگر ...

فروغ فرخزاد در دی آمد و در بهمن رفت. فقط سی و دو سال زندگی کرد و اینک [بهمن ۱۳۷۷] درست به همان اندازه عمر کوتاهش «فارغ از افسانه‌های نام و ننگ» آرمیده است. او زمانی گفته بود: «فکر می‌کنم همه آنها که کار هنری می‌کنند، علتش - یا حداقل یکی از علت‌هایش - یکجور نیاز ناآگاهانه است به مقابله و ایستادگی در برابر زوال. اینها آدم‌هایی هستند که زندگی را بیشتر

آغاز گراند اسلم تنیس استرالیا با حضور روزی ۳۰ هزار تماشاگر در استادیوم رادلیور



در نخستین روز بازی‌های تنیس گراند اسلم استرالیا، شماری از تنیس‌بازان سرشناس جهان با پیروزی بر رقیبان خود به دور دوم این تورنمنت رسیدند. برندگان رقابت‌های دور اول نخستین گراند اسلم ۲۰۲۱ همگی مغلوب کرد.

مترسک بمب هسته‌ای

● **آمریکا بازگشت خود را به توافق هسته‌ای روندی طولانی می‌داند که پس از مشورت با شرکای اروپایی، متحدین منطقه‌ای و حمایت کنگره، و البته بازگشت جمهوری اسلامی به تعهدات برجامی اش امکانپذیر خواهد بود.**

این روزها علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی و حتا حسن روحانی و محمدجواد ظریف نیز زبان تحکم را انتخاب کرده و گمان می‌برند با فشار بر رئیس جمهوری آمریکا نه تنها می‌توانند روند بازگشت این کشور به برجام را از این طریق تسریع کنند بلکه وعده جو بایدن برای بازگشت به توافق هسته‌ای را بنا بر اهداف و برنامه‌های خود مدیریت نیز بکنند.

اگر جمهوری اسلامی برای برداشتن تحریم‌ها، حتا اگر شده فقط بخشی از آن عجله دارد، ولی در واشنگتن چنین به نظر نمی‌رسد و هیچ شتابی در کار نیست. در اولین جلسه‌ای که مشاوران امنیت ملی جو بایدن در کاخ سفید برگزار کردند پرونده اتمی جمهوری اسلامی حتا در دستور کار نیز قرار نداشت!

۲۰۲۱ تا ۲۰۱۵ تفاوت دارد

اگرچه تردیدی نیست که دولت جدید آمریکا قصد بازگشت به توافق هسته‌ای را دارد، ولی همکاران جو بایدن بارها در روزهای گذشته به پیچیدگی اجرای چنین تصمیم و اراده‌ای اشاره کرده‌اند و به خوبی واقف هستند که این بازگشت نمی‌تواند با یک فرمان اجرایی ساده که خط بطلان بر فرمان رئیس‌جمهور پیشین بکشد میسر شود.

در بیش از ۵ سالی که از امضای توافق هسته‌ای می‌گذرد، تحولات بسیار در جهان و به ویژه در منطقه و حتا در خود جمهوری اسلامی روی داده است. همکاری نانوشته برخی از کشورهای عرب منطقه با اسرائیل، امروز در یک پیمان مهم و سرنوشت‌ساز تبلور یافته و دولت جو بایدن نمی‌تواند آن را نادیده بگیرد. همزمان نگرانی‌های کشورهای اروپایی از سیاست موشکی جمهوری اسلامی شدت گرفته و نمی‌توان به آسانی از کنار آن گذشت.

کارشناسان سازمان ملل متحد که بر تحریم‌های کره شمالی نظارت دارند در آخرین گزارش خود می‌نویسند که همکاری بین این کشور و جمهوری اسلامی در زمینه توسعه موشک‌های دوربرد از ابتدای سال ۲۰۲۰ میلادی از سر گرفته شده است. افزایش فعالیت‌های تروریستی گروه‌های وابسته به جمهوری اسلامی در منطقه مانند کشتن لقمان سلیم پژوهشگر لبنانی منتقد حزب‌الله به ضرب چند گلوله و ربودن فعالان مدنی عراق توسط عناصر وابسته به حشدالشعبی، پرونده ماجراجویی‌های جمهوری اسلامی در منطقه را نیز بار دیگر در مرکز توجه شرکا و متحدان آمریکا در اروپا و خاورمیانه قرار داده است.

از سوی دیگر، حکم ۲۰ سال زندان برای یک دیپلمات - تروریست جمهوری اسلامی در دادگاهی در بلژیک به اتهام تروریسم و بازداشت یک تروریست-دیپلمات دیگر در ترکیه نیز نمی‌تواند در

هشدار می‌دهد که «باید بدانند که همه آستانه‌های قدرت هسته‌ای را برخورداریم و آن را در چنگ خود داریم!» همزمان محمود علوی، وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی نیز در اظهارات مشابهی در یک برنامه تلویزیونی هشدار داد «مقام رهبری اعلیٰ خامنه‌ای ا فتوا داده است که سلاح هسته‌ای حرام است اما اگر گریه را در گوشه‌ای گیر بیندازند، ممکن است رفتارش با وقتی که گریه آزاد است فرق کند و اگر ایران را به آن سمت هل بدهند دیگر تقصیر ایران نیست!»

اگر جمهوری اسلامی در تلاش است که دستیابی به اولین بمب هسته‌ای را بسیار نزدیک و در دسترس وانمود کند، ناظران اما نظر دیگری دارند. بدون شک اسرائیل بیش از هر کشور دیگری نسبت به برنامه‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی حساسیت و نگرانی دارد و به گفته خود مقامات جمهوری اسلامی می‌تواند اطلاعات دست اولی نیز در این زمینه در اختیار داشته باشد. نفوذ عوامل وابسته به اسرائیل در رده‌های بالای برنامه اتمی و نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی واقعیتی است که حتا مقامات بالای تهران نیز به آن اذعان دارند. خارج ساختن یک کامیون مدارک در مورد برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی و انتقال آن به اسرائیل، انفجار در سایت‌های اتمی، کشتن محسن فخری‌زاده در روز روشن توسط عواملی که موساد توانسته بود همراه با سلاح‌های پیشرفته به ایران اعزام کند، از جمله شواهد این نفوذ هستند. اما ارتش اسرائیل برخلاف بزرگنمایی‌های مقامات رژیم ایران، در آخرین ارزیابی خود فاصله دستیابی جمهوری اسلامی به اولین بمب هسته‌ای را دو سال اعلام کرده است. به این ترتیب دو سال زمان برای مجبور ساختن جمهوری اسلامی به کاهش فعالیت‌های اتمی و پذیرفتن محدودیت‌های جدید وجود دارد.

سیاست گام‌های کوتاه

شاید همین فاصله زمانی یکی از دلایلی باشد که دولت جدید آمریکا را مصمم ساخته تا سیاست گام‌های کوتاه را برای بازگشت به توافق هسته‌ای اتخاذ کند. خیرگزاری روبریزر به نقل از منابع سیاسی در واشنگتن می‌نویسد که دولت جو بایدن هیچگونه تصمیمی در مورد بازگشت فوری به برجام ندارد و مذاکرات برای اجرای این تصمیمی نیز بسیار طولانی خواهند بود و گام‌های اول باید توسط جمهوری اسلامی برداشته شوند. البته بدون شک کاخ سفید «مشوق»هایی برای تسهیل عقب‌نشینی حکومت ایران در نظر گرفته که از جمله می‌توان به عدم مخالفت با اعطای وام از سوی صندوق بین‌المللی پول و یا پرداخت بدهی حق عضویت تهران به سازمان ملل متحد با استفاده از پول‌های مسدود



روند بازگشت آمریکا به برجام بی‌تأثیر باشد.

توقعات بیجا و هراس افکنی کاذب

در چنین شرایطی برداشته شدن کلیه تحریم‌ها به عنوان شرط که از سوی علی خامنه‌ای مطرح شده، نمی‌تواند به عنوان پیشنهادی جدی روی میز قرار گیرد آنهم زمانی که جمهوری اسلامی هر روز بیش از پیش تعهداتی را که در سال ۲۰۱۵ در چارچوب برجام پذیرفته بود زیر پا گذاشته و نقض می‌کند. در آخرین گزارش بازرسان اژانس بین‌المللی انرژی اتمی، نهاد وابسته به سازمان ملل متحد که هنوز به صورت رسمی انتشار نیافته است، صحبت از یافتن علائم استفاده از مواد رادیواکتیوی می‌شود که نشان از فعالیت‌های تسلیحاتی اتمی دارند.

البته جمهوری اسلامی تلاش دارد با استفاده از مترسک کاهش «فاصله گریز» از دستیابی به بمب اتمی آب را گل آلود ساخته و با هراس افکنی تلاش کند بازگشت آمریکا به توافق هسته‌ای و برداشته شدن تحریم‌ها را تسریع کند. در همین ارتباط علی‌اکبر صالحی رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی در مراسم گشایش دومین نمایشگاه دستاوردهای صنعت هسته‌ای در قزوین

سرمقاله

مخالفان رژیم‌های تباهکار هزینه‌ی ایستادگی در برابر سرکوبگران را بسیار گران، با محرومیت و ممنوعیت و پیگرد و زندان و شکنجه و گاه با جان و زندگی عزیز خود می‌پردازند.

موافقان و همراهان رژیم‌های تباهکار اما معمولاً از مواهب آنها برخوردار شده و پس از ساقط شدن، با رنگ عوض می‌کنند و چه بسا پیشاپیش مخالفان فریاد «ای دزد! آیی دزد!» سر می‌دهند، یا غیب شده و چون آب در زمین فرو می‌روند، و یا خود را بی‌گناه و بی‌نقش در تداوم تباهکاران نشان می‌دهند. یکی از پرسش‌های مهم که پاسخ قطعی برای آن وجود ندارد این است که چگونه در دوران رژیم هیتلری همه می‌دیدند که همسایگان دیرین آنها را می‌برند و افراد جدید ساکن خانه‌های آنها می‌شوند ولی کسی نمی‌رسید: به کجا؟! چرا؟! به کدام جرم؟! چه بر سرشان می‌آید؟!

هزاران هزار افرادی که در تجمعات نازی‌ها «هایل هیتلر» فریاد می‌زدند، گویی در آستانه‌ی «ساعت صفر» نیمه‌شب هشتم ماه مه ۱۹۴۵ و تسلیم بی‌قید و شرط آلمان، دود شدند و به هوا رفتند! پس آن رژیم بر شانه چه کسانی و در سکوت مرگبار کدام مردم مستقر

یسترو

از صفحه ۱

این ترغند نخنما شده در همه دولت‌های جمهوری اسلامی سابقه دارد. آنها معمولاً دخالت‌های مجلس شورای اسلامی، قوه قضاییه، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و سازمان‌های زیر نظر رهبر جمهوری اسلامی را مانعی در مقابل ساماندهی اقتصادی نشان می‌دهند.

دولتی‌ها همیشه در حالی پشت این بهانه پنهان می‌شوند که هیچ‌وقت مطرح نکرده‌اند که این موازی کاری‌ها و نابسامانی‌ها به دلیل ساختار معیوب نظام است که دولت‌آنها نیز حاصل آنست!

اصلاح‌طلبان در دادن «آدرس غلط» استاندند

وزیر دولت‌های اکبر هاشمی رفسنجانی و حسن روحانی در حالی زمین و زمان را بهم دوخته تا بگوید محمود احمدی‌نژاد و آمریکا مقصر بروز فساد اقتصادی سازمان یافته در کشور هستند که به فساد اقتصادی و اداری فرزندان و دیگر اطرافیان خودش اشاره‌ای نکرده است. محمدمهدی آخوندی یکی از فرزندان عباس آخوندی به همراه شهرام اجتهادی مشاور

شد و به چنان باورمندی نسبت به خود رسید که با «جنگ» می‌خواست تمام اروپا و جهان را تسخیر کند؟!

در حالی که همان زمان نیز نمی‌شد خود را به بی‌خبری زد، اکنون سال‌هاست که هرگونه بهانه‌ی «بی‌خبری» فقط سبب مضحکه‌ی مدعیانش می‌شود!

سال‌هاست شمار طرفداران عقیدتی-ایدئولوژیک جمهوری اسلامی چنان اندک شده که خود نظام هم می‌داند نمی‌تواند بر آنها تکیه کند؛ وگرنه اینهمه دستگاه موازی امنیتی و انتظامی برای سرکوب مخالفان و معترضان لازم نمی‌بود! بجای آنها اما افراد وابسته و غیروابسته که از یکسو حاضر به زندگی در جمهوری اسلامی نیستند و از سوی دیگر سبک زندگی آنها با رژیم اسلامی همخوانی ندارد، از راه دور، از آن حمایت می‌کنند و به لابیگری برای آن می‌پردازند! برای چه؟! پول؟! قطعاً نقش دارد اما به نظر نمی‌رسد تنها دلیل باشد. عقاید سیاسی؟! مگر چه جذابیتی در سیاست‌های ویرانگر این رژیم وجود دارد؟! نادانی؟! شاید! ناآگاهی؟! قطعاً! پهلوی‌ستیزی؟! پادشاهی‌ستیزی؟ دفاع از سیستم جمهوری؟ حتا اگر جمهوری اسلامی باشد؟! اینها نیز قطعاً نقش دارند. اما یک ابهام

افشاگری درباره فساد اقتصادی و حفره‌های نظامی ابزاری علیه رقیب برای تداوم نظام

سازمان یافته اقتصادی سال‌هاست در تار و پود نظام گره خورده بطوری که هیچ فرد و جریان پاکدستی را در آن نمی‌توان یافت. این فساد از همان روزی آغاز شد که زمامداران جدید شروع به مصاحره و تصاحب اموال دیگران کرده و در خانه‌های آنها ساکن شدند! در نخستین روزها پس از انقلاب ۵۷، انقلابیون که هیچ فهم و درک درستی از نقشه راه توسعه ایران که در حکومت دو پادشاه فقید پهلوی طراحی و اجرا می‌شد، نداشتند با شعارهای «ضدامپریالیسی» و «اقتصاد اسلامی» و «اقتصاد دولتی» در مقابل سرمایه‌داری ملی و بخش خصوصی و مستقل که یکی از نیروهای محرکه‌ی مهم برای سوق دادن ایران به سوی ترقی و پیشرفت به شمار می‌رفت، ایستادند.

اما مهمترین «ایده» و اقدام آنها «غصب» و ضبط و توقیف اموال کارآفرینان، کارخانه‌داران، مقامات ارشد حکومت و وابستگان خاندان پهلوی به سود زمامداران جدید بود. این اموال مانند غنایم جنگی میان مقامات جمهوری اسلامی تقسیم شد و همچنان بسیاری از مقامات ارشد نظام در املاک غصبی که به افراد ترقی و پیشرفت به شمار می‌رفت، ایستادند. اما مهمترین «ایده» و اقدام آنها «غصب» و ضبط و توقیف اموال کارآفرینان، کارخانه‌داران، مقامات ارشد حکومت و وابستگان خاندان پهلوی به سود زمامداران جدید بود. این اموال مانند غنایم جنگی میان مقامات جمهوری اسلامی تقسیم شد و همچنان بسیاری از مقامات ارشد نظام در املاک غصبی که به افراد

دیگری تعلق دارد ساکن هستند.

این «اقتصاد اسلامی» مبتنی بر «غصب» و «اشغال» و «غارت» سرآغاز فساد و تباهی بود که بعدها ادامه یافت و با ماندگار شدن به یکی از ویژگی‌های تباهکاری جمهوری اسلامی تبدیل شد.

لو دادن هدفمند فسادهای سیاسی و اقتصادی

این روزها با نزدیک شدن به انتخابات ۱۴۰۰، جریان‌های درون حکومت، افشاگری علیه یکدیگر را از سر گرفته‌اند تا هم رقیب را بکوبند و هم نظام را نگهدارند.افشای فساد از سوی جریان وابسته به محمود احمدی‌نژاد و دیگر اصولگرایان نیز علیه اصلاح‌طلبان و دولت تدبیروامید در دست اجراست. اما رقابت آنقدر سنگین شده که تلاش مشترک در لو دادن هدفمند فسادهای سیاسی و اقتصادی اخیراً به افشای حفره‌های امنیتی از جمله در نیروهای نظامی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز رسیده است. همزمان با اینکه عباس آخوندی از «شبکه فساد فراملی» سخن می‌گفت، محمود علوی

کیمهان

نگرانی از افکار عمومی

هزینه همراهی با رژیم‌های تباهکار

در سیستم فکری چنین افرادی وجود دارد که توضیح آن آسان به نظر نمی‌رسد. همان ابهامی که هزاران طرفدار رنگارنگ فاشیسم و نازیسم و کمونیسم راه، هنگام شکست، محو کرد! ابهامی که سرانجام آنها را ناکام و ناکارآمد می‌کند ولی می‌تواند مورد اتکای مخالفان در دوران کامروایی رژیم و لابیگرانش قرار گیرد: می‌بایست هزینه دفاع و همراهی با جمهوری اسلامی را چنان بالا برد که آنها اگر شرم نمی‌کنند (زیرا شرم از آگاهی می‌آید) بلکه در برابر افکار عمومی احساس درماندگی و نگرانی کنند!

قدرت جادویی آزادی بیان نه صرفاً در خود بیان بلکه در داوری افکار عمومی است! افشاگری که حتا از سوی مقامات جمهوری اسلامی نیز علیه رقا به کار برده می‌شود، با هدف بهره‌برداری از همین ویژگی افکار عمومی ست. شبکه‌های اجتماعی این فرصت بی‌همتا را در اختیار مخالفان چنین رژیم‌هایی قرار داده تا امر افشاگری و در معرض افکار عمومی قرار دادن وابستگان و لابیگرانشان را با اتکا به مستندات و حقایق و واقعیات، و با اطمینان از فرا رسیدن «ساعت صفر» برای جمهوری اسلامی، به انجام برسانند.

افشاگری درباره فساد اقتصادی و حفره‌های نظامی ابزاری علیه رقیب برای تداوم نظام

وزیر اطلاعات دولت روحانی نیز در سخنانی درباره ترور محسن فخری‌زاده عضو سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و مدیر ارشد برنامه هسته‌ای و موشکی جمهوری اسلامی گفت که نخستین تدارک ترور محسن فخری‌زاده از سوی فردی در نیروهای مسلح دیده شد.

وزیر اطلاعات دولت روحانی با ادعای آگاهی اطلاعاتی کامل این وزارتخانه از این ترور، گفته که از دو ماه پیش از حذف محسن فخری‌زاده وزارت اطلاعات نسبت به رصد و جمع‌آوری اطلاعات درباره او هشدار داده و پنج روز پیش از کشته شدن محسن فخری‌زاده خبر داده بود که «دشمن» قصد انجام عملیات را دارد.

محمود علوی دقیقاً نگفته چه کسی و به چه کسانی یا نهادهای گفته که «دشمن» قصد ترور فخری‌زاده را دارد! اما از آنجا که فخری‌زاده عضو سپاه پاسداران بوده و حفاظت «انصارالمهدی» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی وظیفه مراقبت از او را بر عهده داشته، روشن است که وزیر اطلاعات از وجود حفره امنیتی در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سخن گفته است. یکسال پیش در ترور قاسم سلیمانی فرمانده نیروهای برون‌مرزی سپاه پاسداران (سپاه قدس) نیز موضوع وجود حفره امنیتی در این نیروی موازی و نامتعارف نظامی مطرح شده بود. اکنون در کنار برچسب‌ها و افشاگری‌های جناحین نظام درباره فساد اقتصادی و مالی، نهادهای نظامی و امنیتی موازی نیز در مورد وجود حفره‌های امنیتی و لو دادن اطلاعات سری امنیتی-نظامی یکدیگر را متهم می‌کنند. پس از ترور محسن فخری‌زاده محسن رضایی سردار سپاه و عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و از نامزدهای انتخابات دوره‌های گذشته ریاست جمهوری با نوشتن نامه‌ای به حسن روحانی نسبت به «ضعف دستگاه‌های اطلاعاتی کشور» هشدار داد. همزمان مقامات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی تلاش کرده بودند وجود ضعف‌ها و حفره‌های امنیتی در این نهاد موازی نظامی-ایدئولوژیک را انکار کنند.

با اینهمه با احتمال حضور دست‌کم دو سردار سپاه پاسداران، حسین دهقان و سعیدمحمد، در انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ و زمزمه‌هایی از تمایل حکومت به تشکیل دولت نظامی، ادعاهای محمود علوی که به بخش اعتدالگرا و اصلاح‌طلب نظام نزدیک است قابل تأمل است. در این میان، توافق احتمالی میان جمهوری اسلامی و آمریکا و برداشته شدن تحریم‌ها به معنای گشایش یک رانت بزرگ اقتصادی است که هر جناح در تلاش است این سفره را نصیب خود کند.

در عین حال، وضعیت جمهوری اسلامی به حدی شکننده شده که به نظر می‌رسد حفظ نظام از سوی جناح‌ها و جریان‌های مختلف دیگر مطرح نیست و نگاه‌های آنها بیشتر به منافع جناحی و گروهی و حتی فردی کاهش یافته است. اما با توجه به اینکه هویت و حیات همه آنها از تندر و اصولگرا و عدالتخواه تا اعتدالگرا و اصلاح‌طلب و تحولخواه به تداوم نظام گره خورده، هر فرد و جریانی که در ریاست دولت را به دست بگیرد، بدون شک به ماندگاری و تداوم نظام که تا کنون با «دو بال» معروف به «اصولگرا و اصلاح‌طلب» خود را حفظ کرده، توجه جدی خواهد داشت

روشنگ استرکی

فشار قانونگذاران جمهوریخواه کنگره و سنا به دولت بایدن برای سخت تر کردن لغو تحریم‌های رژیم ایران



چنین مجوزها و معافیت‌هایی برای لغو تحریم‌های دوران ترامپ جلوگیری کند. استیبل به واشنگتن فری بیکن می‌گوید «به شدت از اینکه دولت بایدن بخواهد به اسم معافیت‌های حقوق بشری استفاده کند تا تحریم‌ها را بدون توجه به فعالیت‌های تروریستی ایران لغو کند نگران است. او می‌گوید در صورت تصویب این لایحه «معامله‌هایی که منجر به تشدید فعالیت‌های تروریستی رژیم ایران می‌شود سخت خواهد شد و روزنه‌هایی را که دولت ممکن است از طریق آنها چنین اقدامی کند را خواهد بست.»

سومین لایحه را دان بیکن از ایالت نبراسکا ژنرال بازنشسته نیروی هوایی ارتش آمریکا ارائه داده است. لایحه‌ای که او ارائه داده اگر تصویب شود دولت بایدن را مجبور خواهد کرد لغو تحریم محدودیت‌های تسلیحاتی علیه جمهوری اسلامی را متوقف کند.

تحریم‌های تسلیحاتی شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه جمهوری اسلامی اکتبر ۲۰۲۰ به پایان رسید اما اگر لایحه دان بیکن تصویب شود انجام این کار برای ایالات متحده تقریباً غیرممکن است.

او با اشاره به اینکه هر دو حزب در مورد لزوم محدود شدن فروش سلاح‌های متعارف به ایران همسو هستند به واشنگتن فری بیکن می‌گوید «یک چیز که همه ما می‌توانیم در مورد آن توافق کنیم این است که کشورهایی مانند روسیه و چین نباید به بزرگترین صادر کننده تروریسم در جهان سلاح بفروشند.»

این لایحه هر کدام به امضای ۵۰ عضو کنگره رسیده که در واقع برای دولت بایدن اگر قصد لغو تحریم‌های ایران را داشته باشد یک هشدار خواهد بود.

لایحه اصلاحی تد کروز

پایگاه «واشنگتن فری بیکن» ۴ فوریه گزارش داد سناتور تد کروز طرحی برای اصلاح لایحه بودجه پیشنهاد داده که بر اساس آن حدود ۱۰ میلیون دلار که قرار است به وزارت خارجه آمریکا و وزارت خزانه‌داری برای اجرای توافق اتمی ۲۰۱۵ اختصاص داده شود صرف آموزش و مراقبت‌های پزشکی از سگ‌های نظامی، از جمله سگ‌های ویژه که در مناطق جنگی مستقر شده‌اند شود.

این سگ‌ها که نقش کمکی و حیاتی در جنگ‌ها ایفا می‌کنند عموماً توسط اسکادران ۴۴۱ نیروی هوایی آمریکا واقع در لاکلند تگزاس آموزش می‌بینند. این متمم در واقع می‌خواهد جلوی دولت بایدن را برای خرج کردن پول مالیات دهندگان آمریکایی برای بازگشت به برجام را بگیرد.

یک منبع نزدیک به کروز گفته وی معتقد است «بسیاری از سگ‌هایی که در تگزاس زخمی شده و تحت مراقبت قرار گرفتند در عراق خدمت کردند. آنها در مکان‌هایی مواد منفجره‌ای که توسط رژیم ایران در اختیار گروه‌های شبه‌نظامی تروریست قرار گرفت، نقش مهمی داشتند.»

تهران است. هر چند دولت بایدن می‌گوید تنها در صورتی به توافق اتمی بازمی‌گردد که تهران به تعادش پایبند باشد. ۱۶۰ عضو کمیته مطالعات جمهوریخواهان می‌گویند تا وقتی که برنامه‌های اتمی و حمایت از گروه‌های تروریستی منطقه‌ای توسط رژیم ایران متوقف نشود بدون هیچ تخفیفی باید در مقابل جمهوری اسلامی ایران ایستادگی کرد. آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا اخیراً اعلام کرد که تهران فقط چند هفته با تولید ماده شکافا مورد نیاز برای تولید سلاح اتمی فاصله دارد. جمهوریخواهان کنگره می‌گویند در تلاشند تا همکاران دموکرات خود را مجبور کنند تا به کاهش تحریم‌های ایران رای ندهند.

جیم ادوارد بنکر عضو کمیته نیروهای مسلح مجلس نمایندگان آمریکا به «واشنگتن فری بیکن» می‌گوید «پیوستن به توافق اتمی ناموفق ایران به معنای تأمین بودجه تروریست‌هاست که به ما آسیب می‌رساند. یعنی لغو تحریم‌های پرزیدنت ترامپ که مانع فروش تسلیحات چین و روسیه به ایران می‌شود. این نه تنها یک ایده خطرناک است، بلکه با عقل سلیم در تضاد است.»

بنکر گفت که بایدن و بلینکن «قول داده‌اند که این مسیر را با سرعت طی کنند» و این ضروری است که رهبران جمهوریخواه برای «کارزار فشار حداکثری» دولت پیشین علیه ایران بایستند.

اولین لایحه را تونی گونزالس نماینده تگزاس ارائه داده است که در آن آمده دولت بایدن تا زمانی که بتواند بطور قانونی تضمین کند هیچ دارایی نقدی برای ایرانی‌های مرتبط با تروریسم فراهم نمی‌کند از بازگشت مجدد به برجام منع می‌شود. همچنین طبق این لایحه تحریم مقامات ایرانی که مرتکب نقض فاحش حقوق بشر از جمله سرکوب شدید معترضان و مخالفان که به صورت مدنی دست به اعتراض زدند بر داشته نخواهد شد.

دومین لایحه توسط برایان استیل نماینده ویسکانسین ارائه شده طبق آن اعطای هرگونه مجوز و چشم‌پوشی از مجازات افرادی که به دلیل مشارکت در اقدامات تروریستی بین‌المللی جمهوری اسلامی مجازات و تحریم شده‌اند ممنوع خواهد شد. در این لایحه آمده دولت بایدن فقط در صورتی می‌تواند این مقررات را تغییر دهد که بتواند بطور قانونی به کنگره ثابت کند که رژیم ایران دیگر از تروریسم حمایت نمی‌کند که با توجه به حمایت دائمی تهران از حماس، حزب‌الله و نیروهای تروریستی در یمن و سایر مناطق تقریباً غیرممکن است.

این لایحه به دولت بایدن پیام روشنی می‌دهد که تحریم‌های علیه جمهوری اسلامی ایران را نمی‌توان با دستورات اجرایی یا معافیت از مجازات، که نهادها راز تحریم‌های فعلی ایالات متحده معاف می‌کند دور زد. چنین مجوزی در مورد معامله با شورشیان حوثی در اواخر ژانویه صادر شد و استیبل می‌گوید لایحه‌ای که او ارائه داده از استفاده دولت بایدن از

جیم ادوارد بنکر عضو کمیته نیروهای مسلح مجلس نمایندگان: پیوستن به توافق اتمی ایران و لغو تحریم‌های ترامپ که مانع فروش تسلیحات چین و روسیه به ایران می‌شود نه تنها یک ایده خطرناک است، بلکه با عقل سلیم در تضاد است.

تونی گونزالس نماینده تگزاس لایحه‌ای ارائه کرده که بر اساس آن دولت بایدن نمی‌تواند تحریم مقامات ایرانی را که مرتکب نقض فاحش حقوق بشر از جمله سرکوب شدید معترضان شده‌اند لغو کند.

برایان استیل نماینده ویسکانسین لایحه‌ای ارائه داده که طبق آن اعطای هرگونه مجوز و چشم‌پوشی از مجازات افرادی که به دلیل مشارکت در اقدامات تروریستی بین‌المللی جمهوری اسلامی تحریم شده‌اند ممنوع خواهد شد.

سناتور تد کروز طرحی برای اصلاح لایحه بودجه پیشنهاد داده که مطابق آن حدود ۱۰ میلیون دلار که قرار است به وزارت خارجه آمریکا و وزارت خزانه‌داری برای اجرای توافق اتمی ۲۰۱۵ اختصاص داده شود صرف مراقبت‌های پزشکی از سگ‌های نظامی شود.

در دولت دونالد ترامپ طیف وسیعی از تحریم‌های اقتصادی علیه فعالیت‌های تروریستی جمهوری اسلامی اعمال شد. شماری از قانونگذاران در آمریکا که اغلبشان جمهوریخواه هستند در تلاشند تا از طریق قانونی کار دولت جو بایدن برای بازگشت به برجام و لغو احتمالی تحریم‌های جمهوری اسلامی را سخت‌تر کنند.

پایگاه خبری - تحلیلی «واشنگتن فری بیکن» ۵ فوریه (۱۷ بهمن) در گزارشی می‌نویسد «کمیته مطالعات جمهوریخواهان» (RSC) که بزرگترین کمیته جمهوریخواهان کنگره است به دنبال آن است تا با ارائه سه لایحه و تصویب احتمالی آنها لغو یکجانبه تحریم‌های ایران را به عنوان بخشی از هرگونه تلاش برای ترغیب تهران برای بازگشت به میز مذاکرات اتمی را برای دولت بایدن دشوار کند.

این لایحه نشان دهنده تلاش جمهوریخواهان برای جلوگیری از پیوستن مجدد بایدن به توافق اتمی و تأمین احتمالی میلیارد دلار پول نقد به

هشدار ۵۲ نماینده کنگره به بایدن در مورد احیای توافق اتمی:

«اشتباه مهلك» را دوباره تکرار نکنید!



دیدار ظریف و کری در اسلو: خرداد ۱۳۹۵

این نمایندگان تأکید کرده‌اند همه ما باید از گذشته درس بگیریم و مطمئن شویم هرگونه توافق اتمی در آینده پایدار و در جهت مهار فعالیت‌های بدخیم جمهوری اسلامی است. «کمیته مطالعات جمهوریخواهان» (RSC) که مهم‌ترین کمیته جمهوریخواهان کنگره به شمار می‌رود به دنبال آن است تا با فشار به دولت بایدن برداشتن تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی را دشوارتر کند.

پیش از این ۱۶۰ عضو کمیته مطالعات جمهوریخواهان اعلام کرده بودند تا وقتی برنامه‌های اتمی و حمایت از گروه‌های تروریستی منطقه‌ای توسط رژیم ایران متوقف نشود بدون هیچ کوتاهی باید در مقابل جمهوری اسلامی ایران ایستادگی کرد.

تونی گونزالس نماینده تگزاس اخیراً لایحه‌ای را ارائه داده که در آن آمده دولت بایدن تا زمانی که بتواند بطور قانونی تضمین دهد هیچ دارایی نقدی برای ایرانی‌های مرتبط با تروریسم فراهم نمی‌کند از بازگشت مجدد به برجام منع می‌شود. همچنین طبق این لایحه تحریم مقامات جمهوری اسلامی که مرتکب نقض فاحش حقوق بشر از جمله سرکوب شدید معترضان و مخالفان که به صورت مدنی دست به اعتراض زدند لغو نخواهد شد.

جمهوری اسلامی ایران و لایبگرن همسو با تهران تلاش می‌کنند دولت بایدن هرچه سریع‌تر مذاکرات اتمی را آغاز کند به این امید که تحریم‌ها کاهش یابد و رژیم ایران از زیر فشارهای بین‌المللی و داخلی خارج شود. اما به نظر می‌رسد برخلاف میل دولت بایدن و اطرافیان او برای بازگشت به توافق اتمی که اعلام هم شده است، شرایط نسبت به سال ۲۰۱۵ تغییر بسیار کرده و بازگشت به برجام آنگونه که بوده و هست نه تنها آسان نیست بلکه چه بسا ناممکن باشد.

و جانبی توافق اتمی با رژیم ایران را نخوانده است! پرزیدنت اواما نیز گفته بود توافق اتمی با ایران بر اساس اعتماد منعقد نشده بلکه بر اساس راستی‌آزمایی امضا شد. آمریکا چگونه می‌تواند توافقی را که بر اساس راستی‌آزمایی بوده و هرگز تأیید نشده به رسمیت بشناسد؟

همچنین در این نامه که ۵۲ عضو کنگره آن را امضا کرده‌اند آمده در زمان امضای برجام وعده داده شد که این معامله رفتار آیت‌الله‌ها را تعدیل می‌کند اما در عمل آنها حمایت خود از تروریسم و فعالیت‌هایشان برای توسعه موشک‌های بالستیک دوربرد را افزایش دادند و همچنان در حال گروگان گرفتن شهروندان آمریکایی هستند.

این نمایندگان تأکید کرده‌اند جمهوری اسلامی فقط زبان زور می‌فهمد هر چند که استفاده از زور و اقدام نظامی باید همیشه آخرین گزینه باشد اما باید آن را روی میز نگه داریم نه به این معنا که ما خواهان جنگ هستیم بلکه برای اینکه نشان دهیم می‌توانیم مانع آنها شویم و ابزارهای دیگر مثل دیپلماسی و فشار اقتصادی می‌تواند به ابزارهای دیگری از جمله گزینه نظامی تبدیل شود که روی میز است و کاملاً واقعی است.

یکی از موضوعاتی که در این نامه خطاب به بایدن بر آن تأکید شده تغییر شرایط منطقه نسبت به سال ۲۰۱۵ است. این نمایندگان تأکید کرده‌اند پس از «پیمان ابراهیم» آرایش جدید در خاورمیانه میان اسرائیل و کشورهای عربی شکل گرفته و آنها در حال متحد شدن و تقویت روابط خود برای مقابله با دشمن مشترک یعنی جمهوری اسلامی در ایران هستند و ما نباید ساده‌لوحانه از تحولاتی که در منطقه شکل گرفته چشم‌پوشی کنیم زیرا توافق اتمی پاسخگوی تغییرات مهم ژئوپلیتیک در منطقه نیست و دوباره وارد شدن به آن اشتباه است.

● امضاکنندگان تأکید کرده‌اند جمهوری اسلامی فقط زبان زور می‌فهمد هر چند که استفاده از زور و اقدام نظامی باید همیشه آخرین گزینه باشد اما باید آن را روی میز نگه داریم. ● در این نامه که ۵۲ عضو کنگره آن را امضا کرده‌اند آمده در زمان امضای برجام وعده داده شد که این معامله رفتار آیت‌الله‌ها را تعدیل می‌کند اما در عمل آنها حمایت خود از تروریسم و فعالیت‌هایشان برای توسعه موشک‌های بالستیک دوربرد را افزایش دادند و همچنان در حال گروگان گرفتن شهروندان آمریکایی هستند.

بیش از ۵۰ عضو کنگره آمریکا در نامه‌ای به جو بایدن رئیس جمهوری آمریکا خواسته‌اند از تجربه شکست خورده برجام که نتوانست تهدیدات اتمی جمهوری اسلامی را مهار کند درس بگیرد و با بازگشت به توافق اتمی ۲۰۱۵ اشتباهات فاحش گذشته را دوباره تکرار نکند.

امضاکنندگان این نامه با انتقاد از مفاد توافق اتمی سال ۲۰۱۵ از جمله بند موسوم به «غروب آفتاب» برجام را یک معامله پر از نقص و مهلك دانستند و از بایدن خواسته‌اند اجازه ندهد این معامله که یک «خطای استراتژیک و خطرناک» بود دوباره تکرار شود.

آنها اشاره کرده‌اند پس از این معامله مبالغ هنگفتی پول به رژیم ایران رسید که آن را صرف دست یافتن به سلاح اتمی و فعالیت‌های بی‌ثبات کننده و حمایت از تروریسم و توسعه موشک‌های بالستیک کرد.

امضاکنندگان این نامه نوشته‌اند «دموکرات‌های کنگره به دروغ ادعا می‌کنند خروج آمریکا از برجام اهرم فشار در پرداختن به سایر مسائل امنیت ملی با ایران را از بین برد. اما واقعیت این است که توافق اتمی خودش با فراهم کردن شرایط مذاکره با ایران اثر تحریم‌ها و هرگونه اهرم فشار علیه تهدیدات رژیم ایران را از بین برده بود.» در بخشی از این نامه یادآوری شده در جریان جلسه کمیته روابط خارجی جان کری وزیر پیشین خارجه آمریکا پذیرفت که حتی بخش‌های پنهان

هشدار وزیر دفاع بریتانیا در مورد استفاده از تسلیحات نامتعارف توسط رژیم‌های بدخیم و گروه‌های تروریستی



و رژیم‌های متخاصم مقررات حوزه تسلیحات شیمیایی و بیولوژیک مثل گازهای اعصاب و عوامل بیماری‌زا و مرگبار را نادیده می‌گیرند این مقام بریتانیایی همچنین هشدار داده است «اینترنت به کانونی برای انتشار اطلاعات مربوط به تسلیحات شیمیایی و بیولوژیک از جمله نحوه تولید و استفاده از آنها تبدیل شده است.» حملات شیمیایی رژیم بشار اسد در سوریه علیه غیرنظامیان در شهر «خان شیخون» در آوریل ۲۰۱۷ که صدها کشته برجای گذاشت و استفاده از گاز کلر در حمله به شهر دوما در آوریل ۲۰۱۸ که ده‌ها تن تلفات داشت نمونه‌هایی از به کار بستن تسلیحات

● والاس وزیر دفاع انگلیس: در سطح جهان حملات شیمیایی و بیولوژیک رو به افزایش است. متأسفانه این اتفاقاتی است که در سایه فروپاشی نظم جهانی رخ می‌دهد.

● هامیش د برتون - گوردون فرمانده پیشین نیروهای ضد ترور شیمیایی و بیولوژیک ارتش بریتانیا: اسد هنوز در قدرت است زیرا از تسلیحات شیمیایی استفاده کرده! دنیا دیده است که این تسلیحات چقدر مؤثر عمل می‌کنند!

بن والاس وزیر دفاع بریتانیا در مصاحبه با روزنامه «تایمز» نسبت به دست یافتن گروه‌های تروریستی به تسلیحات نامتعارف و به کار گرفته شدن آنها در جنگ‌ها و درگیری‌ها هشدار داد.

والاس در این مصاحبه که روز سه‌شنبه ۹ فوریه (۲۱ بهمن) منتشر شد می‌گوید «ناکارآمدی نظم جهانی» به افزایش خطر وقوع حمله‌های شیمیایی و بیولوژیک منجر شده

کیهان شما، کیهان لندن

@KayhanLondon

@kayhanlondon

@kayhanlondon

https://t.me/kayhan_london

KAYHANLIFE

SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

@KayhanLife

@kayhanlife

@KayhanLife

https://kayhanlife.com/newsletters-subscription



سازگار را تشکیل بدهد» گفته است: «اینکه یک روز بگوید من طرفدار بخش خصوصی هستم و روز دیگر بگوید می‌خواهم تعزیرات حکومتی راه بیندازم و افراد را نقره‌داغ کنم این دو با هم سازگار نیست.»

عباس آخوندی در این سخنان سعی می‌کند «کل نظام» و دولت‌های محمد خاتمی و حسن روحانی را جدا از چرخه تهاجمی جمهوری اسلامی نشان دهد. او با بیان اینکه محمود احمدی‌نژاد نهاد‌های مدنی در ایران را حذف کرد و «اساسا گفتگوی اجتماعی را با بن‌بست روبرو می‌کرد» گفت: «تهایتا با عبور از قانون، شاهد بی‌انضباطی مطلق سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و مالی بودیم و نتیجه آن نیز انفعال مطلق تمام نهاد‌های مدنی بود. در دولت‌های نهم و دهم، نهاد‌های مدنی در حالت استیصال بودند، نه فقط نهاد‌های مدنی سیاسی بلکه نهاد‌های حرفه‌ای هم چون کانون وکلا، مهندسان مشاور و سندیکای شرکت‌های ساختمانی، اتاق بازرگانی، تشکل‌های صنعتی و نهاد‌هایی از این دست هم مستاصل و گرفتار بودند، زیرا کار مختل بود.»

قابل توجه اینکه عباس آخوندی تلاش کرده تمام فساد ساختاری اقتصاد در جمهوری اسلامی را نیز به دو دولت محمود احمدی‌نژاد محدود کند: «در آن دوره حدود معادل ۱۰۰ میلیارد دلار سهام بخش‌های دولتی واگذار شد که عمده‌ی آن بین همین نوع نهادها توزیع شد و گروهی از بازیگران اقتصادی در ایران تشکیل شدند که نمی‌توان آنها را بخش خصوصی دانست که یک صنعتگر، تاجر، پیمانکار یا مهندس از آنها مراقبت کند یا حتی نمی‌توان آنها را نهاد دولتی دانست که باید به مجلس یا جای دیگر پاسخ دهند. به ظاهر توده‌گرایی، در واقع انهدام کل نهاد‌های مدنی بود.» عباس آخوندی در حالی فساد در جمهوری اسلامی را ظاهراً از زاویه انتقادی مطرح می‌کند که پسر خودش، مهدی آخوندی ازادما ۱۳۹۸ در یک پرونده فساد مالی بازداشت شد.

در این پرونده همچنین شهرام اجتهادی نیز بازداشت شد که با مهدی آخوندی و یکی دیگر از مسئولان ارشد دولتی نیز نسبت فامیلی دارد و مدت‌ها به عنوان مشاور وزیر سابق و دست راست وی فعالیت می‌کرده است.

شهرام اجتهادی و مهدی آخوندی متهم هستند که با دریافت مبالغی از بعضی پیمانکاران برای آنها در وزارتخانه دستور گرفته و کارچاق کنی کرده‌اند.

همچنین خبرهایی درباره دست داشتن شبکه عباس آخوندی در بورس ایران و کسب صدها میلیارد تومان سود نیز منتشر شده است. پیشتر وبسایت بولتن‌نیوز خبری با تیترا «سود ۱۲۰۰ میلیاردی عباس آخوندی از بورس» منتشر کرده بود اما عباس آخوندی در پاسخی کتبی این موضوع را انکار کرد و آن را بی‌پایه و اساس خواند.

عباس آخوندی هدف اصلی از این سخنان را نیز فراموش نکرد و نگرانی خود از عدم تمایل مردم به شرکت در انتخابات نظام را به این شکل توضیح داده است: «مشکلی که وجود دارد این است که به تدریج در این ۴۰ سال فرآیندهای انتخاباتی به گونه‌ای پیش رفته که موانع ورود آزاد چه برای انتخاب‌شونده و چه برای انتخاب‌کننده بیشتر می‌شود و این مستقیماً روی کارایی و کارآمدی دولت در جهت خلق سرمایه سیاسی و خلق سرمایه اجتماعی برای توسعه ایران اثر می‌گذارد.» همچنین ابراز نگرانی کرده است که «تهاد جامعه در حوزه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به شدت نازل است. خیلی مهم است کسی که می‌آید چگونه خواهد این نازل‌امی را آرام کند و وضعیت ثبات امنیت در کشور ایجاد کند و یا اینکه بر تنش‌ها بیفزاید و مشکلات را چندچندان کند.»

«شبکه فساد فراملی»؛ نبرد انتخاباتی زودرس «دوستان» مافیایی جمهوری اسلامی

عباس آخوندی که به جریان اصلاح طلب جمهوری اسلامی تعلق دارد و هم در دولت رفسنجانی و هم دولت روحانی وزیر راه و مسکن و شهرسازی بوده، تلاش می‌کند گسترش اعتراضات عمومی و ناراضی‌تبی مردم و از دست رفتن مشروعیت نظام طی سال‌های گذشته را به گردن محمود احمدی‌نژاد بیاندازد! وزیر پیشین دولت روحانی ایجاد «بستر زایش فساد» را نیز به گردن تحریم‌ها انداخته و گفته ناگزیر برای دور زدن تحریم‌ها شبکه‌های فساد شکل گرفتند!

عباس آخوندی در بخش دیگری از سخنانش به وجود اقتصاد زیرزمینی و غیررسمی در کشور اشاره کرده و گفته که «در نتیجه این فرایند یک شبکه فساد فراملی تشکیل شده که منافع آنها ادامه این وضع ایران است. برآوردهای من نشان می‌دهد بازار غیررسمی که حول تجارت خارجی ایران وجود دارد سالانه ۲۰ تا ۲۵ میلیارد دلار است که بیش از ۱۵ سال به طول انجامیده و هیچ نشانی هم وجود ندارد که دارد تمام می‌شود. این کار فقط در یک صورت قابل حل است آنهم اینکه آگاهی اجتماعی نسبت به شبکه فساد که ۱۵، ۱۰ سال است ایجاد شده وجود داشته باشد!»

او با اشاره به اینکه «برای فساد بستر زایش ایجاد» شده گفته است سیستمی درست شده که فساد تولید می‌کند و «مشکل ما در ایران این است که زمانی که اقتصاد زیرزمینی شد دوستان متوجه نشدند چکار دارند می‌کنند.»

وزیر پیشین دولت روحانی بخشی از بستر زایش فساد را گردن تحریم‌ها انداخته و گفته که «وقتی ما به تدریج جلو رفتیم و تحریم‌ها جدی‌تر شدند باید تحریم‌ها را دور می‌زدیم، زیرا خرید و فروش عادی از فولاد و پتروشیمی گرفته تا باید غیررسمی می‌شد، لذا همه چیز به سمت غیررسمی شدن می‌رفت و مرتب اندازه اقتصاد غیررسمی در برابر اقتصاد رسمی بزرگتر شد.»

وی افزوده که دور زدن تحریم‌ها سبب شده که نقش آفرینان حوزه تجارت و «حمل‌ونقل چی»‌ها برای تبادل کالا تغییر کنند و «کم‌کم بازیگران و قاعده قرارداد عوض می‌شود و نمی‌توانند قرارداد شفاف ببندند و ال‌سی باز کنند، همه چیز نقدی می‌شود و به تدریج شبکه‌هایی از عوامل مختلف از مبدأ تا مقصد ایجاد می‌شوند. نتیجه این می‌شود که شما یک اقتصاد غیررسمی دارید که به تدریج بر کل اقتصاد شما حاکم می‌شود و این دو طرف پیدا می‌کند و یک طرف ذی‌نفع می‌شوند.» عباس آخوندی که پیشتر هم در دولت رفسنجانی و هم در کابینه دولت «تدبیروامید» وزیر راه و مسکن و شهرسازی بوده گفته است که حسن روحانی توان همراه کردن جامعه با خود را ندارد و آنچه را درباره برجام یا FATF درست تشخیص داده رانمی‌تواند با جامعه در میان بگذارد و برای همین فکر می‌کند مسئله را باید جای دیگر حل کند. آخوندی به علی خامنه‌ای و دیگر زمامداران رژیم که در نهاد‌های مختلف حکومتی هستند و نمی‌توانند از این «شبکه فساد فراملی» بی‌خبر بوده و در آن مشارکتی نداشته باشند، هیچ اشاره‌ای نکرده است. عباس آخوندی مخالفان برجام و لوایح FATF را نیز جزئی از این شبکه فساد خوانده و گفته است: «شبکه‌های بین‌المللی حول و حوش این بازار در این مدت تحکیم یافته و در هم تنیده شده‌اند و همه جاد را پی منافع خوشان هستند. از این رو هیچ نشانی هم برای گذاشتن یک نقطه پایانی بر این بازار نمی‌بینید و اگر برجام ایجاد می‌شود، بلافاصله با آن مخالفت می‌شود و مسیر الحاق به FATF هم کور می‌شود.»

وزیر پیشین راه و شهرسازی با اشاره به اینکه «مجموعه اقدامات یک سیستم حکمرانی کارآمد باید با هم یک کل

دادخواست برای اولویت حقوق بشر در مذاکرات غرب با جمهوری اسلامی: نقض حقوق بشر را جزو موضوعات اصلی قرار دهید!



کمیسیون در خواست درج حقوق بشر در مذاکرات با جمهوری اسلامی

گرفته شده بود نیز در تویتر اعلام کرد که به این دادخواست پیوسته است. این پژوهشگر ازادما ۹۸ با مسعود سلیمانی متهم به نقض تحریم‌های آمریکا علیه جمهوری اسلامی، مبادله شد. در متن این دادخواست بین‌المللی آمده است: «دولت آمریکا و کشورهای اروپایی قصد تجدید مذاکرات با ایران برای جایگزینی موافقتنامه هسته‌ای (برجام) را داشته و اعلام تمایل کرده‌اند که برنامه موشکی و فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده منطقه‌ای ایران را به موضوعات مذاکرات اضافه کنند.»

در ادامه آمده: «ما امضاکنندگان این نامه مصرانه از دولت‌های مذاکره‌کننده غربی می‌خواهیم که مسئله نقض حقوق بشر را به عنوان یکی از ۴ موضوع اصلی در مذاکرات قرار دهند و از جمهوری اسلامی بخواهند که کشتار و نقض حقوق اساسی شهروندان را متوقف نموده و زیر پا گذاشتن این موارد را مورد مجازات قرار دهند.» این دادخواست همچنین یادآوری می‌کند: «حقوق بشر به عنوان حقی جهانشمول حق همه انسان‌ها و نه فقط شهروندان غربی است و باید پیش‌فرض هر مذاکره‌ای با رژیم جمهوری اسلامی باشد. فراموش نکنیم که رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی هرگز تبعیض‌نژادی را تا قبل از فشار جهانی متوقف نکرد.»

امضاکنندگان به این نکته نیز اشاره کرده‌اند که «رژیم جمهوری اسلامی در ایران سابقه طولانی در نقض حقوق بشر و ظلم، بی‌عدالتی و سوء استفاده صاحبان قدرت علیه مردم دارد.»

در این دادخواستی به موارد متعدد نقض حقوق بشر در ایران از جمله کشتار ۱۵۰۰ نفر از معترضان در آبان‌ماه ۱۳۹۸ و بازداشت هزاران نفر

در بخش دیگری از این دادخواست به موج گسترده‌ی پناهندگی ایرانیان به کشورهای غربی نیز پرداخته شده و آمده است: «شرایط وخیم حقوق بشر در ایران امروز، امکان کار و زندگی عادی را برای بخش بزرگی از جمعیت کشور از بین برده است. سیر پناهندگی چند سال اخیر نشان از آن دارد که در آینده نه چندان دور سیل عظیمی از پناهندگان به سوی کشورهای غربی گسیل خواهند شد.»

برای امضای این دادخواست می‌توانید به وبسایت change.org که سال‌هاست برای دادخواست‌های شهروندی راه‌اندازی شده مراجعه کنید.

امضاکنندگان دادخواست قرار دادن حقوق بشر در مذاکرات غرب با جمهوری اسلامی می‌کنند: «شبکه فساد فراملی»؛ نبرد انتخاباتی زودرس «دوستان» مافیایی جمهوری اسلامی

دادخواست اینترنیتی برای قرار دادن نقض حقوق بشر در مذاکرات با جمهوری اسلامی، انگلیسی، فرانسه، آلمانی، اسپانیایی و پرتغالی برای گردآوری امضا راه‌اندازی شده است.

امضاکنندگان دولت‌های مذاکره‌کننده غربی با جمهوری اسلامی می‌خواهند تا مسئله نقض حقوق بشر را به عنوان یکی از ۴ موضوع اصلی در مذاکرات خود با رژیم ایران مد نظر قرار دهند.

آنان همچنین خواستار این شده‌اند که غرب از جمهوری اسلامی بخواهد کشتار و نقض حقوق اساسی شهروندان را متوقف کند و زیر پا گذاشتن حقوق بشر از سوی حکومت ایران را مورد مجازات قرار دهد. ژیانو وانگ پژوهشگر چینی-آمریکایی که به مدت سه سال و نیم توسط جمهوری اسلامی به گروگان

به تازگی دادخواستی (پتیشن) برای گردآوری امضا جهت قرار دادن نقض حقوق بشر در مذاکرات کشورهای غربی با جمهوری اسلامی به عنوان یکی از ۴ موضوع اصلی مذاکره کشورهای است. ژیانو وانگ پژوهشگر چینی-آمریکایی که به مدت سه سال و نیم توسط جمهوری اسلامی به عنوان یکی از ۴ موضوع اصلی مذاکره کشورهای غربی با رژیم ایران راه‌اندازی شده است. ژیانو وانگ پژوهشگر چینی-آمریکایی که به مدت سه سال و نیم توسط جمهوری اسلامی به گروگان

آنان همچنین خواستار این شده‌اند که غرب از جمهوری اسلامی بخواهد کشتار و نقض حقوق اساسی شهروندان را متوقف کند و زیر پا گذاشتن حقوق بشر از سوی حکومت ایران را مورد مجازات قرار دهد. ژیانو وانگ پژوهشگر چینی-آمریکایی که به مدت سه سال و نیم توسط جمهوری اسلامی به گروگان

آنان همچنین خواستار این شده‌اند که غرب از جمهوری اسلامی بخواهد کشتار و نقض حقوق اساسی شهروندان را متوقف کند و زیر پا گذاشتن حقوق بشر از سوی حکومت ایران را مورد مجازات قرار دهد. ژیانو وانگ پژوهشگر چینی-آمریکایی که به مدت سه سال و نیم توسط جمهوری اسلامی به گروگان

آنان همچنین خواستار این شده‌اند که غرب از جمهوری اسلامی بخواهد کشتار و نقض حقوق اساسی شهروندان را متوقف کند و زیر پا گذاشتن حقوق بشر از سوی حکومت ایران را مورد مجازات قرار دهد. ژیانو وانگ پژوهشگر چینی-آمریکایی که به مدت سه سال و نیم توسط جمهوری اسلامی به گروگان

سردار احمد وحیدی: جمهوری اسلامی در جنگ قفقاز به جمهوری آذربایجان کمک نظامی کرد



احمد وحیدی رئیس دانشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی

حتاز نظر نظامی به جمهوری آذربایجان کمک کرد. برخی کشورها مانند رژیم صهیونیستی به دنبال این هستند که آذربایجان را واردار خود نشان بدهند که از این قضیه استفاده کنند. خوشحالیم که سرزمین‌ها به صاحبان اصلی خود رسید ولی باید مراقب سوءاستفاده برخی کشورها از این قضیه بود.»

با شروع جنگ در قره‌باغ میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان، مقامات جمهوری اسلامی در تهران ادعا کردند

موضع بی‌طرفانه دارند. از نخستین روزهای درگیری در جنوب قفقاز گزارش‌هایی حاکی از ارسال تسلیحات نظامی از سوی جمهوری اسلامی هم برای ارمنستان و هم جمهوری آذربایجان منتشر شده به نظر می‌رسد رژیم ایران در این بحران برخلاف ادعاهایی که مقاماتش داشتند به هر دو طرف جنگ تسلیحات ارسال می‌کرد اما هم‌زمان منکر آن می‌شد!

همان زمان رسانه‌ها و شماری از

سیاستمداران در جمهوری آذربایجان و ترکیه جمهوری اسلامی را متهم کردند که از ارمنستان حمایت تسلیحاتی می‌کند اما ۸ مهر ۱۳۹۹ سفارت جمهوری اسلامی در باکو ادعای انتقال سلاح از خاک ایران به ارمنستان را تکذیب کرد.

حسن روحانی نهم مهرماه ۱۳۹۹ در گفتگوی تلفنی با نیکول پاشینیان نخست‌وزیر ارمنستان ادعا کرد «هرگونه دخالت خارجی در این ماجرا نه تنها به حل و فصل مشکل کمک نخواهد کرد بلکه درگیری‌ها و تنش‌ها را طولانی‌تر و اوضاع را پیچیده‌تر می‌کند.»

در حالی که جنگ میان ارمنستان و جمهوری آذربایجان فروکش کرده اما درگیری‌های سیاسی و حقوقی آنها همچنان ادامه دارد و در دادگاه‌های اروپایی چندین شکایت علیه یکدیگر مطرح کرده‌اند.

مشخص نیست کمک نظامی جمهوری اسلامی به جمهوری آذربایجان به چه شکل انجام شده اما ۲۶ ازادما امیر حاتمی وزیر دفاع گفته بود ایران بعد از اتمام تحریم‌های تسلیحاتی در حوزه صادرات تسلیحات به برخی کشورها به جاهای خوبی رسیده و قراردادهایی هم در این زمینه منعقد شده است!

«سقوط به وقت کرونا» داستان کار تونی از مانا نیستانی



ویدئو

«سقوط به وقت کرونا» تازه‌ترین داستان کار تونی مانا نیستانی است که در این روزها منتشر شده است. یک نویسنده، یک روزنامه‌نگار، یک معلم قرآن در قم و یک پرستار جوان، شخصیت‌هایی هستند که این کارتون‌بست برای روایت یکسال لاپوشانی حقیقت در جمهوری اسلامی در مورد سرنگونی پرواز ۷۵۲ شرکت هواپیمایی اوکراین اینترنشنال و بحران ناشی از گسترش کووید ۱۹ خلق کرده است. از مانا نیستانی در این سال‌ها پنج مجموعه کار تونی به زبان فرانسوی انتشار یافته است.

«سقوط به وقت کرونا» آخرین کتاب مانا نیستانی است که در این روزها توسط وبسایت خبری «ایران وایر» منتشر شده است. در این کتاب چهار شخصیت، یک نویسنده، یک روزنامه‌نگار، یک معلم قرآن در قم و یک پرستار جوان فاجعه سرنگونی

پرواز ۷۵۲ شرکت هواپیمایی اوکراین اینترنشنال و فاجعه ناشی از گسترش بیماری کرونا در ایران و لاپوشانی و سوء مدیریت جمهوری اسلامی در مقابله با این بحران‌ها را روایت می‌کنند. این کتاب به صورت رایگان در وبسایت کیهان لندن و «ایران وایر» در دسترس همگان است. احمد رأفت با مانا نیستانی گفتگویی انجام داده است.

محمود کوشان فیلمبردار و کارگردان قدیمی سینما درگذشت



کارش را شروع کرد و فیلمبرداری اثر بلند سینمایی را برعهده گرفت. کوشان بین سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۶۴ کارگردان ۱۷ فیلم سینمایی بود. پس از انقلاب او در فهرست فیلمسازان و اهالی سینما از جمله محمدعلی فردین، نصرت‌الله وحدت، بهروز وثوقی و پرویز صیاد قرار گرفت که دادستان کل انقلاب اسلامی علیه آنان اعلام جرم کرد و وی پس از مدتی مجبور به مهاجرت از ایران شد.

را در این استودیوها گذراند. او سپس به ایران بازگشت و در کنار برادرش اسماعیل کوشان شروع به کار کرد و ابتدا در سال ۱۳۲۹ به عنوان عکاس در فیلم «شرمسار» با بازی ناصر ملک‌مطیعی و دلکش به کارگردانی اسماعیل کوشان کار کرد. وی پس از مدتی دستیار فیلمبردار فیلم معروف «امیراسلان نامدار» شد. محمود کوشان از سال ۱۳۴۱ با فیلم «کلاه مخملی» به عنوان فیلمبردار

● محمود کوشان در سال ۱۳۱۱ در تهران متولد شد. او پس از تحصیلات اولیه و گرفتن دیپلم در رشته برق از هنرستان صنعتی تهران، راهی اروپا شد و مدتی در استودیوهای «فرابنا» و «اگفا» در آلمان کار کرد و دوره‌های فیلمبرداری را در این استودیوها گذراند.

● پس از انقلاب او در فهرست فیلمسازان و اهالی سینما از جمله محمدعلی فردین، نصرت‌الله وحدت، بهروز وثوقی و پرویز صیاد قرار گرفت که دادستان کل انقلاب اسلامی علیه آنان اعلام جرم کرد. وی پس از مدتی مجبور به مهاجرت شد.

محمود کوشان اولین فیلمبردار سینما که فیلمی را با روش اسکوپ رنگی در تاریخ سینمای ایران فیلمبرداری کرد، روز پنجشنبه ۱۶ بهمن‌ماه در سن ۸۸سالگی در آمریکا درگذشت. محمود کوشان اولین فیلمبردار سینمای ایران به روش اسکوپ رنگی پنجشنبه ۱۶ بهمن در سن ۸۸سالگی در کالیفرنیا آمریکا درگذشت. او برادر اسماعیل کوشان بنیانگذار مؤسسه معروف «پارس فیلم» بود و پدر صنعت سینمای ایران به شمار می‌رود. محمود کوشان در سال ۱۳۱۱ در تهران متولد شد. او پس از تحصیلات اولیه و گرفتن دیپلم در رشته برق از هنرستان صنعتی تهران، راهی اروپا شد و مدتی در استودیوهای فرابنا و «اگفا» در آلمان کار کرد و دوره‌های فیلمبرداری

بهمن بیدادگر!

(رضا مقصدی)

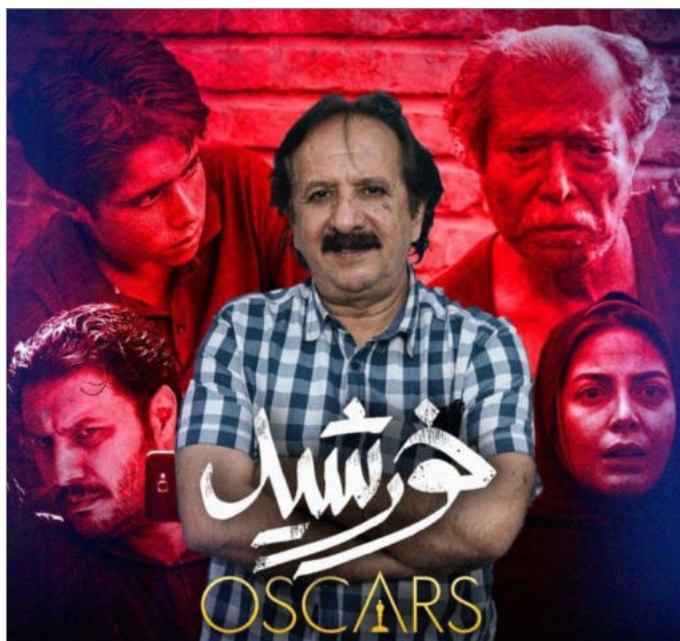


باز، تو باز آمدی
غم، به سراپردهام
خیمه زد و ریشه بست.
کینه‌ی دیرینه‌ای
سنگِ هر آینه‌ای

باز، نمی‌خواهمت
بهمنِ خونین‌سُرشت!
حرفِ تو از برف بود.
با من و نیلوفر
حرفِ تو از برف بود.

با نفسِ سردِ تو
شاخه‌ی شادم شکست.
با دل‌گُلرنگِ من
گفتگو از برف بود.
بهمنِ بیدادگر!

بازگشت سینمای حکومتی ایران به اسکار با «خورشید» مجیدی؟!



فیلم «خورشید» در فهرست کوتاه فیلم‌های خارجی اسکار ۲۰۲۱ قرار گرفت

● اعضای آکادمی علوم و هنر سینمایی اسکار از جمله نرگس آبیاری فیلمساز حکومتی تازه پیوسته به این آکادمی، باید از بین ۱۵ فیلم پذیرفته شده در فهرست کوتاه از جمله «خورشید»، به پنج اثر نهایی برسند.

● مجیدی در نشست مطبوعاتی «خورشید» به بیان ادعاهای علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی و تکرار ادعای تحریم دارو و تجهیزات پزشکی از سوی ایالات متحده آمریکا پرداخت.

● تناقض آشکار در نظام فرهنگی جمهوری اسلامی در رویارویی با مراسم اسکار چنان است که از تریبون‌هایش شعارهای ضدآمریکایی سر داده می‌شود اما فیلمساز سابق سازمان تبلیغات اسلامی که زیر نظر رهبر جمهوری اسلامی فعالیت می‌کند، در آرزوی شرکت در عرصه رقابت هنری همین کشور است.

فیلم سینمایی «خورشید» ساخته مجید مجیدی فیلمساز محبوب رهبر جمهوری اسلامی به فهرست کوتاه فیلم‌های بین‌المللی اسکار ۲۰۲۱ قرار گرفت. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی یک روز پس از اعلام پیروزی جو بایدن توسط رسانه‌های آمریکا، این اثر را برای شرکت در اسکار معرفی کرده بود.

آکادمی علوم و هنر سینمایی اسکار فهرست کوتاه ۹ رشته‌ای از جمله گروه بهترین فیلم بین‌المللی را برای نامزدی اسکار اعلام کرد. در این بین، پانزده فیلم به مرحله بعدی رای‌گیری در گروه فیلم‌های بین‌المللی برای دریافت جایزه نود و سومین دوره مراسم راه پیدا کردند که فیلم سینمایی «خورشید» ساخته مجید مجیدی فیلمساز محبوب رهبر جمهوری اسلامی نیز قرار دارد.

فیلم مجید مجیدی به نام «خورشید» داستان پسرپنجاهی ۱۲ ساله به نام علی را روایت می‌کند که همراه سه دوست خردسال دیگر خود برای گذران زندگی به دزدی و خلاف‌های خرد می‌پردازند. وقتی داستان یک گنج بزرگ زیرزمینی پیش می‌آید، علی برای نجات جان مادر خود می‌پذیرد وارد مدرسه خورشید شود و زیرزمین آنجا را به امید یافتن گنج حفاری کند. اعضای آکادمی علوم و هنر سینمایی اسکار از جمله «نرگس آبیاری» فیلمساز حکومتی تازه پیوسته به این آکادمی، باید این آثار را دیده و از میان این ۱۵ اثر، به پنج اثر نهایی برسند. مراسم اسکار ۲۰۲۱، با ۲ ماه تاخیر، در ۵ اردیبهشت ۱۴۰۰ برگزار می‌شود. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی یک روز پس از اعلام پیروزی جو بایدن رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا توسط رسانه‌ها، فیلم سینمایی «خورشید» را به عنوان نماینده سینمای «ایران» به اسکار معرفی کردند.

این فیلم در هفتاد و هفتمین دوره فستیوال فیلم «ونیز» جایزه بهترین بازیگر جوان را دریافت کرد و مجیدی در نشست مطبوعاتی «خورشید» به بیان ادعاهای علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی و تکرار ادعای تحریم دارو و تجهیزات پزشکی از سوی ایالات متحده آمریکا پرداخت.

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: جاله عنکبوت» به قلم حامد محمدی (اسیر خلیان) برای نخستین بار ابجد کرده حضور نظامی و تاکتیک‌های دخال رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد. علاقمندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق آدرس یا کیهان لندن ads@kayhan.london و با انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایران در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.
Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk
Super Hormuz, Finchley Road, Golden Green, NW11 0AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruissseau, 75018 Paris, FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

افزایش قیمت نفت به بیش از ۶۰ دلار؛ پیش‌بینی روند مثبت بازار نفت در ماه‌های آینده



عرضه و تقاضای جهانی نفت خام در حال تداوم روند متعادل شدن است. آژانس بین‌المللی انرژی بر خلاف پیش‌بینی قبلی که اعلام کرده بود تولید نفت جهان در سال ۲۰۲۱ افزایش یافته و تقاضای بیشتر خواهد بود، در گزارش جدید از بازار نفت اعلام کرده که در نیمه دوم سال جاری میلادی تقاضای بیشتری برای نفت پیدا کرده و حتی از تولید پیشی می‌گیرد.

آژانس همچنین رقم پیش‌بینی خود را برای تولید کشورهای غیرعضو اوپک و متحدان مانند روسیه افزایش داده و اعلام کرده که انتظار می‌رود عرضه کشورهای غیر عضو اوپک نسبت به حجم کنونی تا روزانه ۸۲۰ هزار بشکه افزایش یابد.

همچنین آژانس بین‌المللی انرژی پیش‌بینی خود را برای تقاضای جهانی نفت ۲۰۰ هزار بشکه در روز کاهش داد و به ۹۶.۴ میلیون بشکه رسانده که حدود ۳ درصد کمتر از سال ۲۰۱۹ و قبل از همه‌گیری ویروس کرونا است.

آژانس بین‌المللی انرژی همچنین پیش‌بینی کرده که هند بیشترین سهم از رشد تقاضای انرژی طی دو دهه آینده را به خود اختصاص خواهد داد. با افزایش تولید ناخالص داخلی هند به ۸.۶ تریلیون دلار تا سال ۲۰۴۰، مصرف انرژی اولیه در این کشور تقریباً دو برابر یعنی معادل ۱۱۲۳ میلیون تن نفت خواهد شد. هم‌اکنون هند پس از چین، ایالات متحده و اتحادیه اروپا، چهارمین مصرف‌کننده بزرگ انرژی در جهان است.

قیمت جهانی نفت در حالی رو به افزایش است که ایران را به عنوان دارنده ۱۰ درصد از منابع نفت خام جهان، به دلیل سیاست‌های جمهوری اسلامی و تحریم‌های ایالات متحده نمی‌توان در پیش‌بینی‌های سازمان‌های جهانی درباره بازار نفت جای داد.

صادرات نفت ایران که پیشتر تا روزانه دو و نیم میلیون بشکه رسیده بود، اکنون به زیر ۳۰۰ هزار بشکه سقوط کرده و از سوی دیگر به دلیل اینکه نفت خام در شرایط تحریم به صورت قاچاقی فروخته می‌شود بخش زیادی از درآمد نفت به دلالت و قاچاقچیان و واسطه‌ها تعلق می‌گیرد و سهم ایران از این درآمد ناچیز است.

● قیمت نفت خام برنت و وست تگزاس اینترمدیت (WTI) افزایش یافته و به ترتیب به ۶۱ دلار و ۳ سنت و ۵۸ دلار و ۳۸ سنت به ازای هر بشکه رسیده است.

● آژانس بین‌المللی انرژی اعلام کرده پس از آشفته‌گی بازار نفت در سال ۲۰۲۰ میلادی به دلیل همه‌گیری ویروس کرونا، اکنون در سال جاری میلادی عرضه و تقاضای جهانی نفت خام در حال تداوم روند متعادل شدن است.

قیمت سبب نفتی اوپک در روزهای گذشته افزایش یافته و از ۶۰ دلار برای هر بشکه عبور کرده است. در حالی که بازار نفت طی سال گذشته میلادی به دلیل شیوع کرونا در رکود بسر می‌برد، اکنون آژانس بین‌المللی انرژی از متعادل شدن این بازار طی ماه‌های آینده خبر داده است.

قیمت سبب نفتی اوپک در روزهای گذشته به بیش از ۶۰ دلار رسیده است. سبب نفتی اوپک شامل ۱۳ نوع نفت خام اعضای این سازمان از جمله مخلوط (الجزایر)، گیراسول (انگولا)، سبک رابی (گابن)، میناس اندونزی، سنکین (ایران)، سبک بصره (عراق)، صادراتی کویت، السدر (یمن)، سبک بونی (نیجریه)، سبک عربی (عربستان)، موریان (امارات)، میری (ونزوئلا) و جنو (کنگو) است.

قیمت نفت خام برنت و وست تگزاس اینترمدیت (WTI) نیز افزایش پیدا کرده و به ترتیب به ۶۱ دلار و ۳ سنت و ۵۸ دلار و ۳۸ سنت به ازای هر بشکه رسیده است.

کشورهای صادرکننده نفت طی سال گذشته میلادی به دلیل شیوع بیماری کرونا و تعطیلی و رکود در کشورهای درگیر با این بیماری، با کاهش شدید سفارش روبرو شده و قیمت جهانی نفت نیز روندی نزولی را طی کرده است. اکنون با توجه به آغاز واکسیناسیون کرونا در بسیاری از کشورهای پیشرفته و از سر گرفته شدن فعالیت کارخانه‌ها و تولیدی‌ها، سفارش نفت نیز رو به افزایش است و پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۲۱ میلادی کشورهای صادرکننده نفت بتوانند بخشی از زیان سال گذشته را جبران کنند.

آژانس بین‌المللی انرژی (IEA) امروز پنجشنبه ۲۳ بهمن ۱۳۹۹ با انتشار گزارشی اعلام کرد که توازن محتاطانه بازار نفت در حال انجام است.

آژانس بین‌المللی انرژی نوشته که پس از آشفته‌گی بازار نفت در سال ۲۰۲۰ میلادی به دلیل همه‌گیری ویروس کرونا، اکنون در سال جاری میلادی

صبح روز بعد با هواپیمای دولت به تهران مراجعت کردم و یکرست به نخست‌وزیری رفتم و آقای هویدا را در جریان گذاشتم. یک هفته بعد، آقای دکتر ناصر یگانه که از دوستان بسیار نزدیک من بود تلفناً خواست به منزلشان بروم و با هم قهوه‌ای بخوریم و در آنجا شنیدم که تغییری در دولت اتفاق خواهد افتاد و از من خواستند که استعفا بدهم. بدین صورت از کار برکنار شدم بدون این که از دلیل آن اطلاعی داشته باشم. در این ترمیم دولت، آقای عطاءالله خسروانی دبیر کل حزب ایران نوین به سمت وزیر کشور معرفی شد و از اولین اقدامات ایشان تشکیل اتاق اصناف بود.

نکته‌ای که نمی‌توانستم برای آن جوابی پیدا کنم این بود که در آن زمان کسانی را که از کار برکنار می‌کردند دیگران برای حفظ موقعیت خود از او دوری می‌جستند و بطور کلی از دستگاه طرد می‌شدند ولی در مورد من، آقای علم وزیر دربار و کسانی که از نزدیکان اعلیحضرت بودند تغییری در رفتار و برخوردشان با من اتفاق نیفتاد و من و همسر مرا کماکان در میهمانی‌های خصوصی دربار که شاهنشاه و شهبانو تشریف داشتند دعوت می‌کردند. بنابراین متوجه شدم که علت برکناری من مربوط به نظر اعلیحضرت نیست. بلکه ارتباط با نخست‌وزیر دارد و این حدس درست بود زیرا پس از مدتی یکی از آجدانهای کشوری که با من نزدیک بود اظهار داشت قبل از برکناری شما نخست‌وزیر شرفیاب بود و من وقتی سینی چای را به داخل دفتر بردم شنیدم مشغول سعایت و بدگوی از شماست. بدین ترتیب به نظر رسید باید مطلب این باشد که آقای هویدا با کنار گذاشتن من و انتصاب آقای خسروانی دو موضوع را در نظر داشتند: یکی خلاص شدن از مزاحمت‌های روزانه دبیر کل حزب ایران نوین که دائماً به ایشان مراجعه کرده و از عدم همکاری وزارت کشور با حزب شکایت می‌کرد و او را تحت فشار قرار می‌داد؛ دوم این که من را که به‌اشتباه رقیب احتمالی خودشم تصور کرده بود از صحنه خارج کرد. البته دیری نپایید که آقای هویدا متوجه شد پخش شایعات و تلقینات خبیثانه و بی‌پایه عوامل ناپاک و آلوده حزب در مورد رقابت من با او کاملاً واهی و از روی غرض‌ورزی و دودبمیزی بوده است و بدین جهت در تمام ده سال قبل از انقلاب بدون این که موضوع را عنوان کند با اظهارات محبت‌آمیز و اقدامات دوستانه در صدد جبران این اشتباه بود.

وزارت کشور آقای خسروانی دبیر کل حزب نیز پس از مدت کوتاهی به‌پایان رسید و ایشان برای همیشه از صحنه خارج شد. اتاق اصناف نیز به‌صورت کانون فساد و زورگویی و لگدمال کردن حقوق اولیه کاسبکاران درآمده بود و مدیر عامل آن که سالها به داشتن پشتیبانی مقامات امنیتی تظاهر کرده و از گرداندگان اصلی فعالیت‌های اجتماعی حزب ایران نوین در تهران بود با اتهامات بزرگ از طرف دادگستری تحت تعقیب درآمد و برکنار شد.

این شخص در محافل مختلف حضور پیدا می‌کرد و با صراحت اظهار می‌داشت که در زمان تصدی خود در اتاق اصناف، بیش از پنجاه میلیون تومان که حدود پنجاه درصد بودجه شهرداری تهران بود از اصناف مختلف پول گرفته و در سه مرحله برای راه انداختن تظاهرات خیابانی حزب ایران نوین در تهران هزینه کرده است. البته این شخص یکی از گرداندگان این تظاهرات بود و تعداد زیادی افراد و شهروستان‌ها هم‌راهی اجتماعی حزب را به‌دست گرفته بودند.

دوران بعد از وزارت

● حالا بفرمایید بعد از این که کنار گذاشته شدید چه اتفاقاتی افتاد و شما چه اقدامی انجام دادید؟

- آقای خسروانی بلافاصله تمام معاونین وزارت کشور را که هرکدام از لایق‌ترین کارکنان دولت بودند و در کار خود تبحر داشتند، برکنار



تاریخ شفاهی ایران ناظر: عبدالرضا نصاری

(۵۷)

کرد و به‌جای آنها افرادی را که برای کسب مقام به حزب ایران نوین پیوسته بودند به کار گمارد. و یکی از این افراد را که کارمند وزارت دارایی بوده و در خیانت و پرونده‌سازی نظیر نداشت به سمت معاون امور شهرداری‌ها منصوب نمود و این شخص علناً اعلام می‌کرد که به دنبال جمع‌آوری مدارک علیه من و دکتر شه‌میرزادی است که قبلاً سمت معاون امور شهرداری‌ها را داشت و از طرف من منصوب شده بود. منتها خوشبختانه هر چه جستجو کردند مورد جرمی پیدا نکردند. و از این بابت تیرشان به سنگ خورد. ولی من که از نحوه پرونده‌سازی علیه اشخاص اطلاع داشتم تا مدت زیادی نگران پرونده‌سازی علیه خودم و کسانی بودم که در چند سال گذشته با صداقت و امانت خدمت کرده و حالا فقط به علت همکاری با من مورد سوء ظن وزیر جدید و دشمنی پادوهای ایشان در حزب ایران نوین قرار گرفته بودند و پیش‌بینی می‌کردم که هرگاه در تهران باشم خواهی‌نخواهی عده‌ای از کارکنان و همکاران من در وزارت کشور برای حفظ دوستی و احوالپرسی و یا به‌دلیل



مختلف به من مراجعه خواهند کرد و احتمال دارد عده‌ای این تماس‌ها را حمل بر دسیسه‌های علیه مسؤولین جدید وزارتخانه تلقی کنند و مزاحم آنها شوند. لذا پس از چند روز از تهران خارج شدم و به منزل یکی از بستگانم در رامسر رفتم و برای سرگرمی، ساختمان خانه کوچکی را در قطعه زمینی که به‌قرار متری سی ریال از اداره املاک خریداری کرده بودم، شروع کردم و فقط چند روز یک بار برای دیدن خانواده و امور شخصی به تهران می‌آمدم. البته در این مدت دوستان چندین‌ساله من چه در تمام شئون دولتی در تهران و شهرستانها و چه در بخش خصوصی از هیچ گونه اظهار محبت به من و خانواده‌ام کوتاهی نکردند و در اینجا وظیفه خود می‌دانم که از تمام آنها صمیمانه سپاسگزاری کنم. و بخصوص از دوست عزیز و بزرگوارم شادروان مهندس خلیل طالقانی که چندین سال به‌عنوان معاون، افتخار خدمت در زیر دست او را داشتم باید نام ببرم زیرا این مرد شریف و پاکدامن به‌محض برکنار شدن من، به منزل ما آمد و پس از اظهار محبت و عنایت با اصرار زیاد به من قبولاند که تا زمانی که مصدر کار دیگری نشده‌ام همه ماهه به‌عنوان وام کلیه حقوق و مزایایی را که برای وزرا تعیین کرده بودند به حساب من واریز نماید تا تغییری در زندگی شخصی من اتفاق نیفتد و این قرار تا نه ماه بعد که من به‌عنوان قائم مقام والا‌حضرت اشرف در امور اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی منصوب شدم، ادامه یافت. این بزرگواری و محبت تا لحظه آخر عمر در نظرم باقی خواهد ماند. به هر حال چون زمان بیکاری من به‌درازا کشید تصمیم داشتم چنانچه این وضع بیش از یک سال به‌طول انجامید فعالیتی را در بخش خصوصی شروع کنم. چندین پیشنهاد نیز در ظرف این مدت از طرف کسانی که با آنها آشنایی داشتم به من شده بود حتی یکی از این افراد پیشنهاد کرد که کلیه فعالیت‌های ساختمانی و تجارتي خود را که در حجم بزرگی بود در اختیار من بگذارد و حقوقی معادل سه‌برابر حقوق وزرا و ده درصد از سود فعالیت‌ها را به من بپردازد ولی من تمام این پیشنهادات را با اظهار تشکر

بگیرید و اضافه کردند که فردا بعد از ظهر در منزل منتظر تلفن باشید چون والا‌حضرت شخصاً دستورات لازم را به شما خواهند داد. از ایشان تشکر کردم و خداحافظی کردیم. روز بعد، والا‌حضرت اشرف تلفن کردند و پس از احوالپرسی فرمودند می‌خواهم تمام سازمان‌هایی را که من در دستم کرده‌ام تحت نظر بگیرد و هر اقدامی که لازم است انجام دهید. محل کار شما دفتر خود من در سازمان شاهنشاهی است و اتومبیل من هم که آنجاست در اختیار شما خواهد بود. فرمان انتصاب خودتان را هم با نظر آقای علم آماده کنید و چند روز دیگر که من در راه رفتن به هندوستان هستم، و در فرودگاه مهرآباد توقف مختصری خواهم داشت، به داخل هواپیما بیایید که فرمان را امضا کنم؛ و خداحافظی فرمودند.

در روز بعد، متن فرمان انتصاب تهیه و به‌توصیف اعلیحضرت رسید و به دست من رساندند و هنگامی که هواپیمای والا‌حضرت به فرودگاه رسید، من را به داخل هواپیما احضار کردند و پس از امضای فرمان، قرار شد ظرف مدت یک ماه کلیه سازمان‌های تحت نظر ایشان را بازدید کامل کرده و پس از یک ماه برای گزارش و اظهار نظر، به پاریس بروم.

سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی مهمترین سازمان تحت سرپرستی والا‌حضرت اشرف، سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی بود. این سازمان پس از پایان جنگ بین‌الملل دوم و خارج شدن نیروهای متفقین از کشور که فقر و مسکنت، بیکاری و گرسنگی تمام فرا گرفته و خیابانهای تهران پر از مردم فقیر و گرسنه و اطفال ولگرد بود. به دستور پادشاه جوان محمدرضا شاه تأسیس یافته بود و مأموریت داشت با کمک دولت و مردم نیکوکار، اقدامی برای غذا رساندن به مردم گرسنه و کمک و جمع‌آوری اطفال بی‌سرپرست و آموزش آنها بنماید.

ریاست عالی سازمان با پادشاه و سرپرستی و نظارت آن به‌عهده والا‌حضرت اشرف خواهر توأمان معظم‌له

واگذار شده بود. هیأت مدیره سازمان از رئیس مجلس شورای ملی و عده‌ای از وزرا و رجال کشور تشکیل می‌شد که بعداً پس از به‌وجود آمدن مجلس سنا، رئیس این مجلس نیز به‌عضویت آن درآمده بود.

رئیس بانک ملی ایران عضو هیأت مدیره بود و سمت خزانه‌داری سازمان را داشت و حسابرسی امور مالی نیز تحت نظر دیوان محاسبات وزارت دارایی انجام می‌گرفت. سمت مدیریت عامل نیز به‌عهده آقای دکتر جواد آشتیانی که از رجال خوشنام و سرشناس و پزشکی عالیقدر بود، واگذار گردیده بود.

هیأت مدیره و مدیر عامل هر چند یک بار به حضور پادشاه شرفیاب می‌شدند و گزارش پیشرفت کارهای انجام‌شده را به‌عرض می‌رساندند. این رویه تا سال ۱۳۵۷ که انقلاب اسلامی پیش آمد یعنی طی دورانی متناوب از سال سال ادامه داشت و آخرین شرفیابی در ششم اردیبهشت که روز تأسیس سازمان بود، انجام گرفت. فعالیت‌های سازمان در ابتدا با برقراری مراکز برای پخش غذای گرم در جنوب شهر تهران و همچنین محل ثابتی برای ایجاد سالن‌های غذاخوری و خوابگاه و کارگاه‌های آموزشی و حرفه‌ای از قبیل لوله‌کشی، نجاری، آهنگری و غیره جهت اطفال فقیر و بی‌سرپرست شروع شده بود و هزینه این عملیات از محل دارایی شخص پادشاه تأمین می‌شد.

فعالیت‌های این سازمان به‌تدریج گسترش یافته و در قسمت امور درمانی با تأسیس یک درمانگاه رایگان در تهران و سی درمانگاه در روستاهای دور دست آغاز شده بود و نظر به این که در آن زمان پزشکان مجرب ایرانی حاضر نبودند به نقاط دور افتاده بروند بنابراین تعداد سی نفر پزشک اتریشی که به‌علت خرابیهای جنگ و فقر اقتصادی اروپا جویای کار بودند توسط شادروان دکتر آشتیانی استخدام شده و در درمانگاه‌های سازمان به کار درمان روستائیان پرداخته بودند. تعداد این نوع درمانگاهها بعداً به دویست و پنجاه رسیده بود که هر سال بیش از پنج میلیون بار به آنها مراجعه می‌شد. روستائیانی که وضع مالی مناسبی داشتند فقط پنج ریال برای ورود و درمان می‌پرداختند و برای کسانی که استطاعت مالی نداشتند رایگان بود. ده عدد از این درمانگاهها نیز دارای چند تخت بیمارستانی بودند که می‌توانستند بیماران را بستری کنند. در تهران یک بیمارستان مجهز یکصد تخت‌خوابی به‌نام رضا پهلوی در تجریش ایجاد شده بود که به‌طور رایگان در اختیار مراجعه‌کنندگان قرار داشت و در شهر قم نیز از طرف یکی از نیکوکاران به‌نام نکویی، ساختمانی جهت تأسیس یک بیمارستان در اختیار سازمان گذاشته شده بود که به‌طور کامل از نظر وسائل بیمارستانی و کادر فنی تجهیز گردیده و تنها بیمارستان مجهز شهر قم بود.

اولین درمانگاه مربوط به معالجه کچلی با برق در ایران توسط سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی دائر شده و بطور رایگان بیماران را درمان کرده بود و همچنین طرح مبارزه با تراخم در شهر دزفول که به‌علت مبتلا بودن اکثریت ساکنین شهر به این بیماری وحشتناک، شهر کوران نامیده می‌شد، با همکاری بنیاد خاور نزدیک آمریکا به مرحله اجرا درآمده بود.

همزمان با گسترش فعالیت‌های بهداشتی و درمانی، یک آموزشگاه عالی پرستاری نیز به‌نام اشرف پهلوی تأسیس گردیده بود که هر ساله پنجاه پرستار با مهارت درجه بالا از این آموزشگاه فارغ‌التحصیل می‌شدند و در بیمارستانهای کشور خدمت می‌کردند. تحصیل در این آموزشگاه که به‌طور شبانه‌روزی اداره می‌شد، رایگان بود و فقط فارغ‌التحصیلان تعهد می‌کردند که پس از پایان دوره تحصیل، معادل سالیانی که آموزش دیده بودند طبق نظر سازمان در ایران خدمت کنند. در سال ۱۳۴۶ اغلب پرستارانی که در بیمارستانهای کشور کادر پرستاری را اداره می‌کردند فارغ‌التحصیل این آموزشگاه بودند.

ادامه دارد

کیمیا منتشر کرد
سقوط بهشت
خاندان پهلوی و روزهای پایانی ایران پادشاهی
اندرو اسکات کوپر ترجمه رضاتی زاده
کتاب سقوط بهشت را تنها از کیمیا لندن می‌توان خریداری کرد
قیمت: ۳۵ پوند + هزینه بسته بندی و پست

«قصیده گاو سفید» با موضوع

اعدام به فستیوال برلین راه یافت؛

واکنش کارگردان: شاید مرهمی بر تبعیض، تهدید و کج فهمی باشد



آمد. او همچنین مستند «دیپلماسی شکستناپذیر آقای نادری» را درباره یک شهروند عادی ایرانی ساخت که می‌خواهد به تنهایی بین ایران و آمریکا صلح برقرار کند این فیلم سینمایی پیشتر در سری و هشتمین دوره جشنواره فیلم «فجر» به نمایش در آمده بود و باتوجه به مضمون حساسیت‌برانگیزش احتمال توقیف این اثر نیز مطرح شد. غلامرضا موسوی تهیه‌کنندگی فیلم «قصیده گاو سفید» را بر عهده دارد و مریم مقدم، علیرضا ثانی‌فر، آوین پورنوفی و پوریا رحیمی‌سام بازیگران نقش‌های اصلی این فیلم هستند. مریم مقدم، بهتاش صناعی‌ها و مهرداد کوروش‌نیا نیز نگارش فیلمنامه را بر عهده داشته‌اند.

هفتاد و یکمین جشنواره فیلم برلین به دلیل بیماری کووید ۱۹ و همه‌گیری ویروس کرونا در دو بخش مجزای تجاری و هنری برگزار می‌شود. بخش نخست از اول تا پنجم ماه مارس (۱۱ تا ۱۵ اسفندماه) شامل بازار فیلم اروپا و نمایش آثار برای کمپانی‌هاست. بخش دوم از ۹ تا ۲۰ ژوئن (۹ تا ۱۹ خردادماه) با نمایش آثار به صورت حضوری برای تماشاگران برگزار می‌شود. «کانتاز» شرکت می‌کند. این اثر محصول دو کشور ایران و آلمان است. همچنین در این دوره از فستیوال برلیناله محمد رسول‌اف فیلمساز برنده خرس طلایی برلیناله با فیلم «شیطان وجود ندارد» و منع شده از فعالیت فیلمسازی و خروج از کشور، کار داری فیلم‌های بخش مسابقه این دوره را بر عهده دارد. دیگر اعضای هیئت داری «جیانفرانکو ززی»، «پاسمیلا ژانچ»، «پلدیکو انیدی»، «آدینا پینتیل» و «نداف لاپید» فیلمسازان برنده خرس طلای برلیناله هستند.

فیلم‌های پذیرفته شده در بخش مسابقه برلیناله ۲۰۲۱ به شرح زیر است: رانده‌شده کارگردان زاویه او از فرانسه، Bad Luck Banging or Loony Porn، کارگردان رادو جود، فابیان - اوضاع بهم ریخته (Class of Mr. Bachmann and His Going to the Dogs) - کارگردان دومینیک گراف، قصیده گاو سفید به کارگردانی بهتاش صناعی‌ها و مریم مقدم از ایران، گردونه شانس و خیال‌پردازی (Wheel of Fortune and Fantasy) کارگردان ریوسوکی هامکوچی، آقای باخمان و کلاس او (Mr. Bachmann and His Class) کارگردان ماریا شپیت، من مرد تو هستم (I'm Your Man)، کارگردان ماریا شریدر، مقدمه (Introduction) هونگ سانگ‌سو، جعبه خاطره (Memory Box) کارگردان جوانا حاجی‌توما و خلیل جریج، همسایه بغلی (Next Door) کارگردان دانیل برول، مامان کوچولو (Petite Maman) به کارگردانی سلین سیاما، وقتی به آسمان نگاه می‌کنیم چه می‌بینیم؟ (What Do We See When We Look at the Sky) کارگردان الکساندر کوبیرنزه، جنگل - همه جا می‌بینمت (Forest - I See You Everywhere) کارگردان بنسه فلیگوف، نور طبیعی (Natural Light) کارگردان دنیش نای، یک فیلم پلیسی (A Cop Movie) کارگردان: الونسور روئیس‌پالاسیوش.

شهر من و تو طفلک شیرینم
دیربست کاشیانه شیطانست
روزی رسد که چشم تو با حیرت
لغزد بر این ترانه دردآلود
جویی مرا درون سخن‌هایم
گویی به خود که مادر من او بود
فرهنگ مرده‌پرست که فروغ فرخزاد را بدنام و دیوانه می‌خواند تنها پس از خاموشی اوست که ناگهان به ارزش‌های او پی می‌برد!
در کتابی که به نام «دیوان اشعار فروغ فرخزاد» در سال ۱۳۷۶ در جمهوری اسلامی به چاپ رسیده است، بیست شعر از مجموعه اشعار فروغ تماماً حذف شده‌اند که سیزده شعر از کتاب «اسیر» است. حتی خود شعر «اسیر» و شعرهای بلند «عصیان» که نام‌های دو مجموعه‌اند سانسور شده‌اند! بندها و کلمات بسیاری نیز در این «دیوان اشعار» حذف گشته‌اند.

کاش فروغ هنوز بود و می‌دید که بزرگترین هنر او، بیان زنانه‌اش در شعر بود که دریچه دیگری به روی ادبیات فارسی گشود و کاش می‌دانست که او بار قرن‌ها خاموشی سیاه و اجباری زنان را در هنر و ادبیات فارسی یکه بر دوش کشیده است.
«چرا توقف کنم؟»
زیباترین تعابیر و استعاره‌ها، عمیق‌ترین مضامین و معروف‌ترین شعرهای فروغ در دو مجموعه «تولد» دیگر» که در ۱۳۴۳ و «ایمان بیابوریم» به آغاز فصل سرد» که پس از مرگ وی چاپ شدند، گرد آمده‌اند. اسارت و محدودیت‌ات شعرهای فروغ گم می‌شود. در عین حال استعاره‌های معمول مانند: شب، زمستان، تاریکی، ستاره سرخ و... در شعرهای او راه می‌یابند. او با حفظ «من» خویش به مضامین اجتماعی و همگانی نزدیک می‌شود و در جستجوی پرسش‌های مرموز، ارزش‌های رایج را به پرسش می‌کشد: می‌توان با زیرکی تحقیر کرد هر معمای شگفتی را می‌توان چون صفر در تفریق و جمع و ضرب حاصلی پیوسته یکسان داشت می‌توان چون آب در گودال خود خشکید می‌توان با هر فشار هرزه دستی بی‌سبب فریاد کرد و گفت «آه» من بسیار خوشبختم جنبه‌های بوجی و تردید مایوسانه پرنگ‌تر می‌شوند: کدام قله، کدام اوج؟ مگر تمامی این راه‌های بیچاپ‌بچ در آن دهان سرد مکنده

به نقطه تلاقی و پایان نمی‌رسند؟ به من چه دادید، ای واژه‌های ساده فریب و ای ریاضت اندام‌ها و خواهش‌ها فروغ در آستانه فصل سرد، جهان را آلودتر از آن می‌یابد که دستان ناتوان او بتوانند در آن تغییری به وجود آورند. جهان بی‌ایمان او مجموعه‌قتل‌ساز است از تردید، بی‌تفاوتی، پلیدی، دورویی و دروغ: چه می‌تواند باشد مرداب حشرات فساد افکار سردخانه را جنازه‌های بادکرده رقم می‌زنند او به گیاه و ماه و کودک روی می‌آورد، به بی‌گناهی: من از سلاله درختانم تنفس هوای مانده ملوم می‌کند چرا توقف کنم؟ من خوشه‌های نارسی گندم را به زیر پستان می‌گیرم و شیر می‌دهم فروغ در این روند به نوعی عرفان «مردن» می‌رسد که در آن نه گوینده و پرنده، بلکه صدا و پرواز، نه فاعل، بلکه فعل و عمل، نه انسان، بلکه انسانیت در امتداد تاریخ باقی می‌مانند. اندیشیدن به آنچه فروغ می‌توانست بشود و امروز می‌توانست باشد، وسوسه‌ای است بی‌سرانجام. یکسال پیش از مرگ فروغ یونسکو یک فیلم نیم‌ساعته از زندگی او تهیه کرد و برناردو برتولوچی که بعدها نام‌آور شد، فیلمی پانزده دقیقه‌ای درباره فروغ ساخت. فروغ در نامه‌ای نوشت: «من به دنیا فکر می‌کنم، هر چند امید دنیایی شدن خیلی کم و تقریباً صفر است. اما خوبیش این است که آدم را از محدودیت این محیط سه در چهار و این حوض کرم‌ها نجات می‌دهد و دیگر از اینکه در مراکز حقیر هنری این مملکت مورد قضاوت قرار گرفته است - و بدبختانه رد شده است - وحشی نخواهد کرد، حتی خنده‌اش خواهد گرفت.»

نگاهی دیگر ...



فروغ فرخزاد

هنرمند پرسیده نمی‌شود که جنسیت و مردانگی او در آثارش چه تأثیری داشته، حال آنکه یکی از پرسش‌هایی که با هر زن هنرمند و ادیبی مطرح می‌شود، همانا نقش زن بودن او در آثارش است! چرا؟ به این دلیل که اولی هزاران سال عمر دارد و مسلم و بدیهی است و دومی عمرش به دو بیست سال نمی‌رسد و نه تنها روشن و بدیهی نیست، بلکه در آغاز می‌بایست چون جرج الیوت (آن ماری اوانس) و ژرژ ساند (روره دوپن) نام مردانه بر خود بگذارد تا در جامعه امکان انتشار یابد. فروغ فرخزاد در این زمینه در مورد خودش واقع‌بینانه‌تر نظر داده است تا آن کسانی که هم چون داستان دوستی خاله خرسه خواسته‌اند برای بالا بردن ارزش شعری او جنبه‌های زنانه را چون گناهی از آثارش محو سازند. همین کسان مستقیم و غیرمستقیم اندرز می‌دهند که باید از پبله تنگ زنانه بیرون آمد و جهانی و بشری شد. چرا؟ دلیل آن کاملاً روشن است: جهانی بودن و بشری بودن مترادف پنهان تاریخ و فرهنگ مردسالار است!

فروغ در پاسخ همان پرسش کلیشه‌ای می‌گوید: «اگر شعر من یک مقدار حالت زنانه دارد، خوب، این خیلی طبیعی است که به علت زن بودنم است. من خوشبختانه یک زنم، اما اگر پای سنجش ارزش‌های هنری پیش بیاید فکر می‌کنم دیگر جنسیت نمی‌تواند مطرح باشد. طبیعی است که زن به علت شرایط جسمانی، حسی و روحی‌اش به مسائلی توجه می‌کند که شاید مورد توجه یک مرد نباشد و یک «دید» زنانه نسبت به مسائلی بدهد که با مال مرد فرق می‌کند.»
فروغ هنوز در دوره‌ای زندگی می‌کرد که زنان می‌بایست تلاش می‌کردند تا از جانب دیگران پذیرفته شوند و نه آنکه خودشان را به منزله جنس دیگر بپذیرانند. از همین رو اضافه می‌کند: «اصل، کار آدم است، زن و مرد مطرح نیست.» اما به این توجه نمی‌کند که اگر در واقعیت، یک جنس فقط آدم (انسان) محسوب می‌شود، بنابراین اصل، جنسیت خواهد بود و نه انسانیت یا کار آدم!

فروغ گزند چنین واقعیتی را با پوست و گوشت لمس کرد. در شرایطی که مردان شاعر از می و معشوقه و غوش و لذت سخن می‌گفتند بدون آنکه به بدکاری متهم شوند، فروغ فرخزاد به دلیل بیانی مشابه «بدنام» خوانده شد. شعر فروغ به این دلیل بی‌پروا می‌نماید که سراینده‌اش یک زن است و شرم عاشقانه و جنسی در فرهنگ مذکر ویژه زنان است. اندیشه و تأمل فروغ فرخزاد در زمینه محدودیت‌های موجود و آزادی اندیشه و بیان برای زنان بسی عمیق‌تر از زمان خود یعنی دهه سی خورشیدی در جامعه ایران بود. چرا آزادی اندیشه و بیان برای زنان؟ جامعه اگرچه پذیرفته بود که اشعار عاشقانه و تمناهای جنسی را از دیرباز از زبان مردان بشنود، لیکن بیان آزادانه آنها از قلم یک زن اصلاً خوشایند و «آبرومندانه» نبود. فرهنگی که اشعار اخلاقی و پندآمیز پروین اعتصامی را در کنار گل‌های سرسید ادبیات مذکر قرار می‌داد (زبان گشودن پروین اعتصامی به شعر خود ستودنی است) به ناگاه با انتشار «اسیر» در یک جهش سرسام‌آور از «تخ و سوزن» و «دارا و ندار» و میدان دشمنی و عشق زن و مرد پرتاب شد.

● فروغ هنوز در دورهای زندگی می‌کرد که زنان می‌بایست تلاش می‌کردند تا از جانب دیگران پذیرفته شوند و نه آنکه خودشان را به منزله جنس دیگر بپذیرانند. از همین رو اضافه می‌کند: «اصل، کار آدم است، زن و مرد مطرح نیست.» اما به این توجه نمی‌کند که اگر در واقعیت، یک جنس فقط آدم (انسان) محسوب می‌شود، بنابراین اصل، جنسیت خواهد بود و نه انسانیت یا کار آدم!

● فروغ در گیر و دار تصمیم میان شاعر بودن آنگونه که خود می‌خواهد و یا خاموشی گزیدن آنگونه که دیگران می‌خواهند به تدریج فضیلت بی‌اعتنایی را می‌آموزد و با رهایی از شکوه‌های اسارت در اندوه می‌شکوفد.

● در کتابی که به نام «دیوان اشعار فروغ فرخزاد» در سال ۱۳۷۶ در جمهوری اسلامی به چاپ رسیده است، بیست شعر از مجموعه اشعار فروغ تماماً حذف شده‌اند که سیزده شعر از کتاب «اسیر» است. حتی خود شعر «اسیر» و شعرهای بلند «عصیان» که نام‌های دو مجموعه‌اند سانسور شده‌اند! بندها و کلمات بسیاری نیز در این «دیوان اشعار» حذف گشته‌اند.

الاهه بقرات (بهمن ۱۳۷۷) - فروغ فرخزاد در دی آمد و در بهمین رفت. فقط سی و دو سال زندگی کرد و اینک ایهمن ۱۳۷۷ درست به همان اندازه عمر کوتاهش «فارغ از افسانه‌های نام و ننگ» آرمیده است.

او زمانی گفته بود: «فکر می‌کنم همه آنها که کار هنری می‌کنند، علتش - یا حداقل یکی از علت‌هایش - یکجور نیاز ناآگاهانه است به مقابله و ایستادگی در برابر زوال. اینها آدم‌هایی هستند که زندگی را بیشتر دوست دارند و می‌فهمند و همینطور مرگ را. کار هنری یکجور تلاش است برای باقی ماندن و یا باقی گذاشتن «خود» و نفی مرگ.»
بیش از بیست سال پس از این سخنان، در دهه هشتاد است که میلان کوندرا نویسنده چک با طنزی ژرف به کند و کاو در تلاش انسان‌های ریز و درشت برای دستیابی به جاودانگی بزرگ یا کوچک، بلندمدت یا کوتاه‌مدت در کتاب «نامیرایی» (یا جاودانگی) می‌پردازد و مقابله با مرگ را انگیزه این تلاش می‌داند. با این تفاوت که وی دولت‌مردان را نیز به هنرمندان می‌افزاید و این تلاش را نه تنها آگاهانه، بلکه در مواردی کامل حسابگرانه و حتی همراه با دست‌یازی به ریا، فریب و جعل واقعیت ارزیابی می‌کند. اگرچه میلان کوندرا به روی خود نمی‌آورد که به خودش نیز با داستان نویسی، آنهم به شیوه‌ای کاملاً ویژه (که به نظر من هم خودمانی و هم خودنمایانه است) دست به تلاش برای جاودانه شدن زده است، ولی فروغ پنهان نمی‌کند که تلاش او برای کشف و آفرینش ادبی در عین حال نفی مرگ است.

نقش جنسیت در آزادی بیان
می‌گویند حافظ شاعر زن و مرد است. شاعر و منتقد ارزنده شفعی کدکنی در ستایش حافظ می‌سراید:
هر کس درون شعر تو جویای شعر خویش و تو
آیینه‌دار خاطر هر مرد و هر زنی
لیکن این دلیل نمی‌شود که نگرش و بیان حافظ مردانه نبوده باشد. حافظ مانند هر شاعر - مرد دیگری جهان و پدیده‌های آن را از دید یک مرد می‌نگرد و این البته نه یک گناه یا جرم، بلکه کاملاً طبیعی است. اگر حافظ زن می‌بود آیا تغییری در دیوان اشعار او پیدا نمی‌شد؟ بدون تردید. ولی چنین فرضی به دلیل شرایط تاریخی زندگی زنان تصویری محال است. بر همین اساس است که هرگز از یک مرد

● نامیرایی پیشنهاد هوشنگ وزیری برای immortality
● کیهان لندن شماره ۷۴۴/۱۱ فوریه ۱۹۹۹/۲۲ بهمین ۱۳۷۷

زنان شاخص

نازنین آقاخانی

(۱۹۸۰ - وین)



نازنین آقاخانی رهبر ارکستر و آهنگساز اتریشی ایرانی‌الصل است. نازنین آقاخانی در سال ۱۳۵۹ در خانواده‌ای با نسب ایرانی متولد شد. از هشت‌سالگی درس‌هایی از پیانو گرفت. از دوازده‌سالگی نواختن پیانو کلاسیک را در کنسرواتوار وین با کارل بارت و سپس با میرا فارکاس آموخت. در همان سن، هارمونی، کنترپوان، و رهبری ارکستر را نزد توماس کریستیان داوید فراگرفت و سپس در جوانی، در همین رشته‌ها در دانشگاه موسیقی و هنرهای نمایشی وین و زیر نظر اروین آتسل و لئوولد هاگر به تحصیل پرداخت. پس از آن، در کالج سلطنتی موسیقی در استکهلم، نزد یورما پائولای فنلاندی شاگردی کرد. آقاخانی در استکهلم نزد بیل برونسون و فردریک هدلین با موسیقی الکترواکوستیک آشنا شد. او در سال ۲۰۰۸ تحصیلات کارشناسی ارشد را در رشته رهبری ارکستر و اپرا، با امتیاز بالا، در آکادمی سیبلیوس و به راهنمایی لیف

سیرستام به پایان رساند. آقاخانی در سال ۱۳۸۹، در حالی که باردار بود به‌عنوان رهبر ارکستر چند جلسه با ارکستر سمفونیک تهران تمرین کرد؛ اما ارکستر سمفونیک تهران به رهبری وی اجازه اجرای عمومی نگرفت. از ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۲، او نخستین رهبر ارکستر زن در ارکستر سمفونیک آکادمیک مونیخ آلمان بود. نازنین آقاخانی، افزون بر رهبری و نوشتن، چندین آلبوم موسیقی از آهنگ‌های خود را، به‌عنوان پیانیست تک‌نواز، به‌صورت باده‌نوازی ضبط کرده‌است.



زن روز



نهفت چهره گلی زیر برگ و بلبل گفت
میپوش روی، بروی تو شادمان شده‌ایم
مسوز زانتش هجران، هزار دستان را
بکوی عشق تو عمری است داستان شده‌ایم
جواب داد، کازین گوشه‌گیری و برهیز
عجب مدار، که از چشم تو بد نپهان شده‌ایم
ز دستبرد حوادث، وجود ایمن نیست
نشسته‌ایم و بر این گنج، یاسبان شده‌ایم
تو گریه می‌کنی و خنده میکند گلزار
ازین گریستن و خنده، بد گمان شده‌ایم
مجال بستن عهدی بماند سپهر
سحر، شکفته و هنگام شب خزان شده‌ایم
مباش فتنه زیبائی و لطافت ما
چرا که نامزد باد مهرگان شده‌ایم ...

پروین اعتصامی



هوش مصنوعی مانند یک انسان شطرنج بازی می‌کند

محققان موتور هوش مصنوعی ابداع کرده اند که می‌تواند مانند انسان در سطوح مختلف مهارتی شطرنج بازی کند. به گزارش انگجت، از آخرین باری که یک بازیکن شطرنج توانست در یک تورنمنت، رایانه‌ای را شکست دهد ۱۵ سال گذشته است. این در حالی است که گروهی از محققان یک موتور هوش مصنوعی ابداع کرده‌اند که مانند انسان شطرنج بازی می‌کند. این موتور که «مایا» نام گرفته لزوماً بهترین حرکت را انجام نمی‌دهد. در عوض سعی می‌کند فعالیت‌های یک انسان را تقلید کند. موتور مذکور نتیجه پژوهشی محققان دانشگاه کرنل، دانشگاه تورنتو و مایکروسافت است. محققان با استفاده از سیستم منبع باز لیل (مبتنی بر سیستم آلفا زیرو) مایا را توسعه دادند و در مرحله بعد آن را با کمک حرکات بازی شطرنج برگرفته از میلیون‌ها بازی در فضای آنلاین آموزش دادند. این روش به محققان اجازه داده تا مایا را برای سطوح مختلف مهارتی آماده کنند. سپس ۹ ربات طراحی شدند تا در سطوح اولیه تا پیشرفته با بازیکن‌های انسانی روبرو شوند. در ماه دسامبر ۲۰۲۰ میلادی محققان اعلام کردند مایا در وب سایت شطرنج lichess.org موجود است. افراد در هفته نخست بیش از ۴۰ هزار بازی در مقابل این موتور هوش مصنوعی انجام دادند و محققان دریافتند این موتور می‌تواند در هر سطح مهارتی در نیمه از مواقع حرکت انسان را پاسخ دهد و در نتیجه میزان دقت موتور در هر سطح افزایش یافت. آنها اعلام کردند این سیستم هوش مصنوعی توانست انواع مختلف اشتباهات بازیکنان انسانی در سطوح مختلف اگر تا به حال پارابن موجود در مواد آرایشی ریشه عفونت و آلرژی است حتی مواد عطری بطور منفی با نورخورشید واکنش نشان میدهد و لکه‌های تیره ای روی پوست ایجاد می‌کند.

آلرژی پوستی:

سردرد: از لحاظ علمی ثابت شده که مواد شیمیایی موجود در محصولات شیمیایی سردرد ایجاد می‌کنند پوشاندن صورت بخصوص پیشانی با کرم بطور ناگهانی احتمال میگرن، گیجی، حالت تهوع و استفراغ را بالا میبرد که خستگی و ضعف را در پی دارد در واقع بوی لوازم آرایشی باعث سردرد می‌شود.

سنگینی پلک و راه‌های درمان آن

توان تمرکز کنید و آن را به آرامی به بینی تان نزدیک کنید. نباید چشم از این انگشت بردارید. سپس بدون حرکت دادن نگاهتان، انگشت تان را به آرامی تا حد ممکن عقب ببرید. این کار را ۲۵ مرتبه تکرار کنید. **دستگاه رطوبت ساز:** برای پیشگیری از خشکی چشم از دستگاه رطوبت ساز استفاده نمایید. تنظیم رطوبت هوای منزل می‌تواند راهی مناسب برای درمان خشکی و سنگینی چشم باشد. **استفاده از عینک:** در هنگام کار با کامپیوتر یا مطالعه از عینک‌ها و لنزهای استفاده کنید که مخصوص این کار هستند. **روغن درخت چای:** اعمال ترکیب دو قطره روغن درخت چای و نصف قاشق چای خوری روغن نارگیل، یک عامل طبیعی برای بهبود خشکی چشم است. روغن درخت چای همچنین دارای خواص ضدالتهابی و ضدباکتریایی است. **پلک زدن:** در مطالب قبلی مرتبط با سلامت چشم در نمناک کامل توضیح دادیم که پلک زدن اشک ترشح می‌کند و سبب مرطوب و تازه شدن چشم‌های ما می‌شود. بنابراین بهتر است از خیره شدن طولانی مدت به مانیتور خودداری کرده و پلک زدن در این حالت را در خود تبدیل به یک عادت کنید.

احتمال ورم و سنگینی پلک وجود دارد. همچنین ممکن است با خارش و قرمزی هم همراه باشد. **خشکی چشم:** اگر کیفیت یا کمیت اشک‌ها برای نرم کردن چشم کافی نباشد، احتمالاً شما از خشکی چشم رنج می‌برید. خشکی چشم باعث سنگینی پلک می‌شود و همچنین علائم دیگر مثل سوزش و قرمزی هم به همراه دارد. برای درمان این وضعیت می‌توانید از داروهای بدون نسخه استفاده کنید. همچنین گزینه‌های جراحی هم موجود هست. **بلفاریتیس:** بلفاریتیس یک نوع التهاب در پلک است که احساس سنگینی به آن می‌دهد. علائم دیگر آن شامل قرمزی در خط مژه است. اولین مرحله برای درمان بلفاریتیس، استفاده از کمپرس‌های گرم و اسکراب‌های پلک چشم است. گاهی اوقات درمان‌های دیگر همراه با قطره چشم نیز به فرد پیشنهاد می‌شود. **افتادگی پلک:** هنگامی که پلک بالای شما به سمت پایین افتاده باشد و پایین

استراحت دادن به چشم‌ها: برای کاهش سنگینی چشم و تقویت آن به چشم‌ها استراحت دهید و قانون ۲۰-۲۰-۲۰ را به یاد داشته باشید و هر ۲۰ دقیقه به مدت ۲۰ ثانیه، به یک چیز که حداقل در فاصله ۲۰ فوتی (حدود ۶ متری) شمایست نگاه کنید. **استفاده از قاشق سرد:** برای کاهش سنگینی چشم دو قاشق را داخل فریزر بگذارید. بعد از اینکه سرد شدند آنها را روی چشمان خود قرار دهید تا سنگینی چشم‌ها برطرف شود. **چای سیاه:** چای سیاه یک ماده طبیعی دارای خواص ضدالتهابی و ضدباکتریایی است که بلفاریتیس را درمان می‌کند. می‌توانید یک عدد چای سیاه کیسه ای را داخل آب جوش بیندازید و منتظر بمانید تا کمی خنک شود. بعد از گرفتن آب اضافه، چای کیسه ای آن را روی پلک بسته خود به مدت ۱۰ دقیقه قرار دهید. چای سیاه دارای خواص ضدباکتریایی و آنتی‌اکسیدانی است. **برای کاهش سنگینی پلک از انجام این کارها خودداری کنید:** از قرار گرفتن زیر نور مستقیم آفتاب پرهیز کنید و هنگام قرار گرفتن زیر نور خورشید از کرم ضدآفتاب و عینک آفتابی و کلاه لبه دار استفاده کنید. استفاده نکنید. در نور کم مطالعه نکنید. با پیشگیری، محافظت و رسیدگی به چشم‌هایتان آنها را از گزند بیماری‌ها در امان بردارید.



تر از حد طبیعی باشد، یعنی به افتادگی پلک دچار هستید. همچنین ممکن است این افتادگی، در بینایی شما هم مشکل ایجاد کند یا ظاهر چشم‌ها را شما را تحت تاثیر قرار دهد. معمولاً بعضی از پزشکان، جراحی چشم به نام بلفاروپلاستی را پیشنهاد می‌کنند. اگر این مشکل به دلیل بیماری‌های مایه‌چاه اتفاق افتاده باشد، احتمالاً باید اول بیماری زمینه‌ای برطرف گردد. **درمان‌های خانگی گیاهی سنگینی پلک** **اسید چرب امگا ۳:** مطالعات در سال ۲۰۱۳ نشان می‌دهد که اسید چرب امگا ۳ به عنوان یک مکمل رژیمی، سندروم خشکی چشم را بهبود می‌بخشد و همچنین به بهبود بلفاریتیس کمک خواهد کرد. **ورزش‌های چشمی:** برای برطرف نمودن سنگینی پلک ورزش‌های چشمی انجام دهید. ورزش چشم به برطرف کردن پف چشم که می‌تواند باعث سنگینی پلک و فشار به عضلات پلک می‌شود کمک می‌کند. دست‌ان را روبروی چشم‌ها قرار دهید. روی انگشت اشاره

جمله موارد زیر باشد: **خشکی زیاد:** زمانی که خسته باشید، ماهیچه‌های شما هم درگیر می‌شوند و در نتیجه این ماهیچه‌ها نمی‌توانند به راحتی پلک‌ها را باز نگه دارند. سپس پلک سنگین می‌شود و دوست دارید آن را ببندید. احتمالاً بعد از استراحت و خوابیدن این مشکل برطرف خواهد شد. **ژنتیک:** اگر پدر و مادر یا بعضی از اعضای نزدیک خانواده شما دچار افتادگی پلک باشند، احتمال این که شما هم به افتادگی یا سنگینی پلک دچار شوید، بالاست. **سن:** با بالا رفتن سن، انعطاف پذیری پوست کاهش پیدا می‌کند و همچنین شما نیز بیشتر چشم‌ها خود را می‌مالید، بیشتر در معرض آفتاب قرار می‌گیرید و همین باعث کشیدگی پوست پلک چشم می‌شود که ظریف‌ترین پوست بدن است. زمانی که پوست کشیده می‌شود، پلک‌ها نمی‌توانند مانند همیشه قدرتمند عمل کنند. **آلرژی:** اگر از آلرژی‌های فصلی یا دیگر انواع آلرژی‌ها رنج می‌برید،



افسردگی: موادی مثل پارابن و تریکلوسن برای سلامتی مضر هستند و تعادل هورمون‌ها را بهم میریزند اما واقعاً چه کسی فکر میکرد مواد آرایشی تا این حد عوارض داشته باشد. **پف زیر چشم:** اطراف چشم نسبت به مواد شیمیایی زودتر واکنش نشان می‌دهند هیچکسی تیرگی‌های زیر چشم را دوست ندارد، مطالعات نشان داده علاوه بر خواب نامنظم مواد آرایشی نقش مهمی را در پف زیر چشم دارد که پوشاندن آن با آرایش باعث تشدید می‌شود. **اختلال تنفس:** سالیسیلیت موجود در لوازم آرایشی تنفس را دچار مشکل و حتی منجر به آسم می‌کند و روی ریه‌ها تاثیر می‌گذارد. **سرطان:** یکی از نتایج مهلک بدست آمده در استفاده لوازم آرایشی بیماری‌های کشنده ای مثل سرطان است برای اینکه لوازم آرایشی ضد آب درست کنند مجبور به استفاده بیشتری از مواد شیمیایی هستند که سرطان‌سینه، پوست و خون را شدت میدهد.

و نرم کننده‌ها مو بی‌خبر هستند اما وقتی به ریزش مو، شوره و خارش می‌رسیم متوجه می‌شویم باید از مصرف آن خودداری کنیم. **عفونت چشم:** چشم‌ها نسبت به لوازم آرایشی بسیار حساس هستند، درست است که ریمل مژه‌ها را زیاده‌تر می‌کند اما ممکن باعث ریزش آن شود؛ خط چشم و سرمه را هم اگر هر روز استفاده کنید باعث خارش، سوزش، قرمزی، خشکی آب چشم، حساسیت و عفونت می‌شود. سایه هم همین‌طور اگر وارد چشم شود عفونت را تشدید می‌کند. **رنگ و رورفتگی پوست:** ممکن است از کرم و رژگونه بسیار استفاده کنید اما مصرف زیاد آن باعث رنگ و رورفتگی می‌شود و کم‌کم جای رنگ پوست طبیعی را می‌گیرد. **اختلالات پوستی:** اگر بطور منظم از کرم‌ها و پودرها استفاده می‌کنید سدید سولفات موجود در آن دیواره‌های محافظتی پوست را تا ۱۰ درصد کاهش میدهد پس اگر احساس التهاب خارش قرمزی جوش کردید نشانه‌ی واضحی در توقف مصرف لوازم آرایشی است.

پوست را خراب می‌کند بنابراین برای یک زیبایی موقتی بطور دائم بخود صدمه نزنید. **چروکیدگی پوست:** وقتی لوازم آرایشی را بصورت میزید چربی طبیعی، ویتامین و مواد معدنی مورد نیاز پوست شسته می‌شود در نتیجه پوست شل و چروک شده و همین باعث می‌شود پیر بنظر برسید. افراد سالخورده دنبال راهی برای زنده و نرم کردن پوست هستند در صورتیکه برگرداندن خاصیت ارتجاعی پوست دشوار است بنابراین از آرایش روزانه خودداری کنید تا جوانتر به نظر برسید. **جوش:** بدترین چیزی که جوش‌های روی پوست را تغذیه می‌کند لوازم آرایش است، لوازم آرایش برای رشد اکنه و جوش فضا ایجاد می‌کنند و از طرفی درمان جوش‌ها اثراتی را کاهش می‌دهد. **ضعف ناخن‌ها:** کوتاه کردن ناخن‌ها قدیمی شده و لاک زدن ناخن مد است؛ ناخن بدون لاک ساده بنظر میرسد. وقتی ناخن‌ها را برای مدت

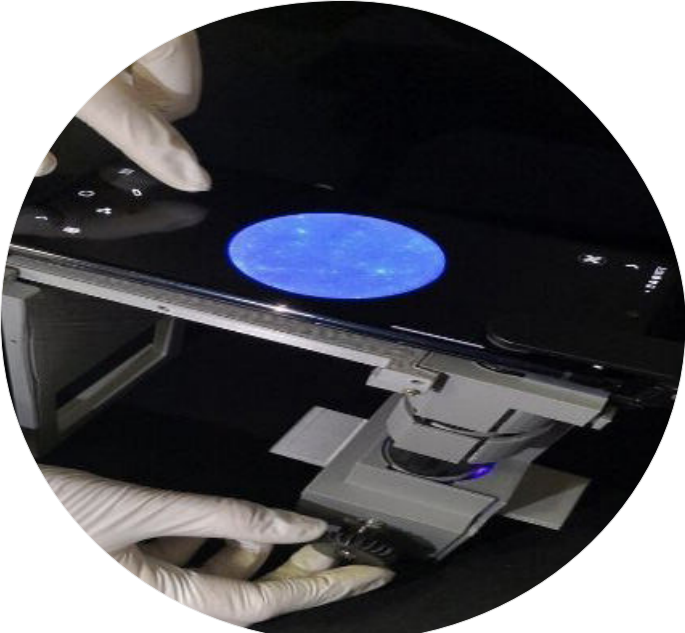
مردان شاخص



ابوالحسن اقبال آذر (۱۳۴۹ - ۱۲۴۲)

ابوالحسن قزوینی فرزند ملا موسی معروف به «اقبال السلطان» و «اقبال آذر» خواننده موسیقی اصیل ایرانی و صاحب یکی از قوی‌ترین صداها در آواز ایرانی بود. تندیس یادبود او در سال ۱۳۸۷، ابتدای جاده سلامت الوند قزوین نصب شد. هنرستان موسیقی تبریز به نام او نامگذاری شده است. وی آموزش ردیف‌های موسیقی را نزد استاد حاج ملا عبدالکریم جناب قزوینی آموخت. خوانندگی را در آیین تعزیه خوانی آغاز نمود. به همراه گروه تعزیه قزوین برای اجرا بارها در تکیه دولت تهران و نیز در تبریز تعزیه خوانی نمود. خوانندگی وی، نمونه‌ای از شیوه آوازی مکتب قزوین است. وی در سال ۱۳۷۷ هجری خورشیدی برای کار در شهرداری، از قزوین به تبریز رفت. وی در دستگاه محمدعلی میرزا ولیعهد مظفرالدین شاه و بعد نزد احمدشاه رفت‌وآمد داشت. ۱۲۹۳ خورشیدی به همراه درویش خان، حسین طاهرزاده و عبدالله دوامی برای پر کردن صفحه به تفلیس خاک خوردن و از بین رفتن است.

سفر کرد که مورد استقبال مردم قرار گرفت. تمامی پولی که از این کنسرت عاید وی شده بود صرف امور خیریه گردید. اقبال به دعوت کمپانی Monarch Record صفحاتی را ضبط کرد که هم‌اکنون تعدادی از آن‌ها موجود است و بسیاری از آن‌ها نیز به دلیل آشوب‌ها در جنگ جهانی اول از میان رفت. تعدادی از صفحات نیز که هم‌اکنون در آرشیو صدا و سیما موجود است به دلیل بی‌اعتنایی مسؤولان شکسته و در حال خاک خوردن و از بین رفتن است.



تست ۱۰ دقیقه‌ای کووید ۱۹ با موبایل

به گزارش دیلی میل، محققان یک اپلیکیشن موبایل ابداع کرده‌اند که طی ۱۰ دقیقه نشانگرهای کووید ۱۹ را در بزاق ردیابی می‌کند. این فناوری توسط محققان دانشگاه آریزونا آمریکا ابداع شده و میکروسکوپی کوچک را با موبایل یکپارچه می‌کند که قابلیت تحلیل نمونه بزاق را دارد. هدف محققان ترکیب سرعت یک تست آنتی ژن با دقت PCR بود. این فناوری در اصل به عنوان یک روش ارزان برای شناسایی نورو ویروس (novovirus) ابداع شده بود اما با توجه به شیوع کووید ۱۹ تغییراتی در آن ایجاد شد. تحقیق انجام شده درباره این تست ساده در ژورنال نیچر پروتکلز منتشر شده است. فرایند تست شامل یک میکروسکوپ و یک ورقه مخصوص به نام کاغذ ریز سیال (microfluidic paper) است که نمونه آزمایشگاهی را به کانال‌های خاصی هدایت می‌کند. پس از قراردادن نمونه بزاق روی کاغذ، آنتی بادی‌هایی با استفاده از مهره‌های فلورسنت به آن اضافه می‌شوند اگر میزان مشخصی از ذرات ویروس کرونا در نمونه موجود باشد، ذرات آنتی ویروس به یکدیگر می‌چسبند. به گفته محققان ذرات پاتوژن زیر میکروسکوپ به شکل توده‌هایی فلورسنت دیده می‌شوند که کاربر قادر به شمارش آنها خواهد بود. به گفته محققان کل این فرایند حدود ۱۰ تا ۱۵ دقیقه طول می‌کشد. کل هزینه اجرای این تست ۴۵ دلار است و اجرای آن به اندازه‌ای ساده است که فرد می‌تواند پس از تماشای یک ویدئوی آزمایشی آن را انجام دهد. البته این فناوری قبل از عرضه تجاری به بازار نیازمند ارتقای بیشتری است اما محققان امیدوارند اجازه آزمایش نمونه‌هایی را دریافت کنند که به دانشجویانی تعلق دارد که در مورد تمام قبلا تست کووید ۱۹ آنها مثبت شده حزن و غم است.

تداخل‌های دارویی از قبل مطالعه کنید.

تأثیرات متفاوت داروها

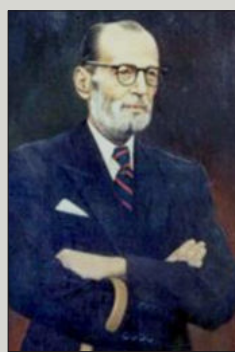
یکی از جنبه‌های جالب داروها این است که تأثیرات آن‌ها برای اشخاص مختلف متفاوت است. مثلاً داروهای مسکن عوارض جانبی متفاوتی را در افراد مختلف نشان می‌دهند. ممکن است که یک فرد هیچ عارضه جانبی را در اثر مصرف این مسکن‌ها احساس نکند اما فرد دیگر به شدت دچار مشکلات شود.

دقت در میزان مصرف دارو

اگر از اطلاعات درج شده روی داروهای مورد نظر استفاده کنید و دقیقاً طبق



مرد روز



ملک الشعراى بهار

وقت آنست که بر سبزه مقامی بکنیم
بزمی آراسته و شرب مدامی بکنیم ...
مغتی شهر خراب از می نایست بیا
کافتدایی ز ارادت به امامی بکنیم
لله الحمد که این عاشقی و شرب مدام
نگذارند که ما فعل حرامی بکنیم
شحنه با شیخ به جنگ است بیا تا من و تو
اندرین فرصت کم عیش تمامی بکنیم
موسم عریده و رقص و نشاط است ولی
چرخ گردان نگذارد که قیامی بکنیم ...
... حالیا مصلحت آنست که اندر همه شهر
هرکرا صورت خوبی‌است سلامی بکنیم
افسر ماه مکلل شود از شعر بهار
گر ز خاک در او کسب مقامی بکنیم

عوارضی که داروها برای دهان دارند!

پیشگیری از این عارضه جانبی بعد از استفاده از اسپری یک لیوان آب را غرغره کرده و دهان خود را بشویید. **التهاب لثه (هایپرپلازی لثه):** برخی از داروها سبب رشد بیش از حد بافت بافت لثه متورم و شروع به رشد می‌کند. رشد بیش از حد لثه سبب افزایش خطر ابتلا به بیماری پریودنتال می‌شود. بافت لثه متورم شده به نسوج اطراف صدمه می‌زند. احتمال ایجاد عوارض جانبی در مردان بیشتر است. پلاک دندانی این خطر ابتلا را افزایش می‌دهد.

التهاب پوشش داخل دهان (موکوژیت): موکوژیت یک عارضه جانبی شایع شیمی درمانی و التهاب بافت نرم و مرطوب پوشش دهان و دستگاه گوارش است. موکوژیت باعث تورم دردها در دهان و زبان شده و می‌تواند به خونریزی و زخم معده، درد و زخم دهان منجر شود و خوردن را دشوار کند.

زخم دهان: به زخم باز که در داخل

داروها ساختار بسیار پیچیده‌ای دارند که از مواد شیمیایی تشکیل شده که باید عملکردهای مختلف بدن را انجام دهند. مولکول‌هایی مثل هورمون‌ها معمولاً این تنظیمات را انجام می‌دهند و اگر چیزی وضعیت را آشفته کند، مخصوصاً هنگام بیماری، باعث می‌شود که این هورمون‌ها دست به کار شوند. گاهی اوقات هورمون‌ها به دلیل مواد شیمیایی به کار رفته در داروها تعادل خود را از دست می‌دهند.

اگرچه که علت عوارض جانبی این داروها به همین سادگی‌ها هم نیست. متأسفانه همیشه دو موضوع پیچیده در این امر وجود دارد. اول این که بدن ما اغلب از مواد شیمیایی یکسانی برای تنظیم پروسه‌های داخل بدن استفاده می‌کند.

به این معنی که یک دارو باید دوباره تنظیمات بدن را برای تعادل به وجود بیاورد که بعد از مصرف دارو اقدام می‌کند. مثلاً داروی پرنیازون که برای از بین بردن التهاب استفاده می‌شود، ممکن است که همزمان فشار خون و قند خون را نیز بالا ببرد که عاملی برای سستی استخوان‌ها می‌باشد.

دوم این که این دارو‌ها همیشه آنگونه که ما می‌خواهیم، عمل نمی‌کنند. به این معنا که ممکن است دارو مولکول‌های غیر مربوط را نیز در زمان مشخص تغییر دهند. مثلاً داروهایی که برای آسیب نخاعی استفاده می‌شود، می‌توانند دردهای عصبی را از طریق به کار انداختن سروتونین فعال کنند. اگرچه این دارو همچنین می‌تواند باعث تازی دید و خشکی دهان و یبوست نیز شود. همچنین با تحت تأثیر قرار دادن نورویی نفرین‌ها باعث می‌شود که بدن ما دچار خواب آلودگی و بی‌حالی شود. افرادی که آسیب دیدگی نخاعی دارند، بیش از بقیه در معرض سختی‌های ثانویه داروها قرار می‌گیرند. این افراد ممکن است مشکلات تنفسی، قلبی، عروقی، مشکلات مربوط به مثانه، روده، پوکی استخوان و درد در قفسه سینه را تجربه کنند.

عوارض داروها روی دهان، لثه و دندان همه داروها چه خوراکی چه تزریقی، چه نسخه‌ای و چه بی نسخه آثار جانبی متعددی دارند. برخی از دارو‌ها تأثیر منفی بر سلامت دهان و دندان می‌گذارند. رایج‌ترین عوارض دهانی داروها عبارتند از:

خشکی دهان: برخی داروها سبب کاهش میزان بزاق در دهان و خشکی دهان می‌شوند. کافی نبودن بزاق سبب تحریک و التهاب بافت‌های دهان و افزایش خطر ابتلا به عفونت، پوسیدگی دندان و بیماری‌های لثه می‌شود.

عفونت‌های قارچی: ترکیبات کورتونی برخی از انواع اسپری‌های دهانی در درمان بیماری اسم موجب عفونت قارچی موسوم به کاندیدیازیس دهانی می‌شوند. برای

کاشت حلزون گوش و چگونگی انجام آن

بیرونی حلزون گوش عبور می‌کنند و به قسمت‌های داخلی می‌رسد و این کار را از طریق سیستم ارتباطی انجام می‌دهد. زمانی که صداها به دریافت کننده می‌رسند، اطلاعات دیجیتالی را وارد سیگنال‌های الکتریکی می‌کنند که گوش داخلی، عصب الکترودها تحریک می‌کند.

هر الکترود فرکانس خاصی را ایجاد می‌کند. به معنای این است که هر الکترود سیگنال خاصی را ایجاد می‌کند که عصب شنوایی را تحریک می‌کند. مغز نیز این سیگنال را از عصب شنوایی دریافت می‌کند و احساس شنوایی در فرد ایجاد می‌شود.

چه کسی می‌تواند کاشت حلزون گوش انجام دهد؟

افرادی که دارای شرایط زیر هستند، می‌توانند این کار را انجام دهند: افرادی که از مشکلات شنوایی شدید در هر دو گوش رنج می‌برند. افرادی که ناشنوایی آن‌ها به قدری شدید است که نمی‌توانند صحبت کنند یا فقط کلمات را به صورت ناهماهنگ بیان می‌کنند و روی شنوایی خود کنترل ندارند. افرادی که روی صدای خود کنترل ندارند و نمی‌توانند اکثر حروف را به خوبی تلفظ کنند.

افرادی که از استفاده از سمعک‌های مختلف خسته شده‌اند و کیفیت زندگی آن‌ها نیز بهبود پیدا نکرده است. افرادی که کمتر از ۵۰ درصد عبارات دیگران را حین صحبت کردن با دیگران تشخیص می‌دهند. افرادی که کمتر از ۶۰ درصد عبارات را حین صحبت کردن تشخیص می‌دهند، در حالی که از سمعک هم استفاده می‌کنند.

فکته: افرادی که هر کدام از شرایط بالا را داشته باشند، می‌توانند گزینه خوبی برای کاشت حلزون باشند که البته متخصص باید آن را برایشان تجویز کند.

عوارض کاشت حلزون

عمل جراحی کاشت حلزون خطر و عوارض زیادی در پی ندارد اما ممکن برخی افراد بعد از انجام عمل دچار عوارض زیر شوند:

- از دست دادن کامل شنوایی به علت جایگذاری دستگاه و آسیب به گوش - ابتلا به بیماری مننژیت و التهاب غشاء‌های اطراف مغز و طناب نخاعی در کودکان

- تعمیر یا جایگذاری دستگاه‌های معیوب با انجام عمل جراحی مجدد عوارض نادر عمل جراحی کاشت حلزون عبارتند از:

- نداشتن تعادل، سرگیجه و گیجی، خونریزی، فلج شدن عصب صورت، عفونت نمودن قسمت جراحی شده، عفونت کردن دستگاه، نشت مایع نخاعی، مختل شدن حس چشایی، احساس صدای وزوز در گوش، سرگیجه.

دستگاه‌ها بخش‌های متفاوتی دارد و این دستگاه نیز به بخش‌های بیرونی و داخلی تقسیم بندی شده که بسته به جایگاه نهایی خود ممکن است بیرون یا داخل بدن قرار بگیرد.

بخش‌های بیرونی شامل موارد زیر هستند

میکروفون: برای دریافت صدا. **پردازشگر:** بین همه صداها که از میکروفون دریافت می‌کند، گروهی از آن‌ها را انتخاب می‌کند که معمولاً برای فهم گفتار دیگران، تا حدودی کاربردی تر است.

انتقال دهنده: صداها را از پردازشگر بخش‌های بیرونی به بخش‌های داخلی انتقال می‌دهد.

بخش‌های داخلی شامل موارد زیر هستند

دریافت کننده: این بخش از طریق جراحی، داخل استخوان جمجمه کاشت می‌شود و دقیقاً پشت گوش قرار می‌گیرد و صداها را از انتقال دهنده



بیرونی دریافت می‌کند و آن‌ها را به الکترود می‌رساند.

الکترودها: داخل گوش کاشت می‌شوند. سلول‌های عصبی را از طریق سیگنال‌ها و اعصاب شنوایی به همان حلزون ارسال می‌کنند.

کاشت حلزون گوش چگونه عمل می‌کند؟

زمانی که میکروفون صداها بیرونی را می‌گیرد، آن‌ها را به پردازشگر ارسال می‌کند و سپس صداها را به همان داخل آن‌ها تفکیک داده می‌شوند. این پردازشگر صدای باقیمانده را دیجیتالی می‌کند. ویژگی‌های صدای دیجیتال با یکدیگر متفاوت هستند و نوع شنیده شدن آن‌ها توسط این افراد و افراد معمولی متفاوت خواهد بود.

افرادی که از کاشت حلزون گوش استفاده می‌کنند، این نوع صداها را دیجیتالی را شبیه به صداها متالیک تفسیر می‌کنند که ممکن است تفکیک کردن آن‌ها بین صداها دیگر کمی برایشان سخت باشد.

جراحی حلزون گوش

صداها دیجیتالی از قسمت‌های

اول یک چیز را روشن کنیم. آیا کاشت حلزون گوش مانند سمعک است؟

کاشت حلزون گوش به این صورت است که این دستگاه را با جراحی داخل بدن قرار می‌دهند اما سمعک همیشه بیرون از بدن است. سمعک‌ها طرز کار متفاوتی با حلزون گوش دارند. این روزها حلزون گوش به شدت رواج پیدا کرده است اما آیا می‌تواند کیفیت زندگی فرد را بهبود ببخشد؟

افرادی که از حلزون گوش استفاده می‌کنند، به سرعت از فواید آن بهره‌مند می‌شوند. البته نتیجه نهایی آن متغیر است و بستگی به عوامل مختلفی دارد. بعضی از افراد سال‌ها به درمان و تریپی نیاز دارند تا بتوانند بیشترین فایده را از این دستگاه ببرند.

خبر خوب این است؛ زمانی که یک بیمار کاشت حلزون انجام می‌دهد، زندگی روزانه او محدود نمی‌شود و قادر خواهد بود اکثر فعالیت خودش را به صورت روتین و معمول انجام دهد. اجزای حلزونی که کاشت می‌شود کاشت حلزون گوش مانند همه



تجویز پزشک و یا اطلاعات موجود روی دارو عمل کنید، قطعاً میزان عوارض جانبی به حداقل خود می‌رسد. باید سعی کنید که اطلاعات درج شده که مربوط به دارو می‌باشد را به دقت بررسی کنید. اگرچه که عوارض جانبی معمولاً ناخواسته و آسیب زا هستند اما گاهی اوقات اثرات مثبتی هم توسط مصرف داروها در فرد دیده می‌شود. مثلاً داروی سیلدنافیل یا ویاگرا که برای درمان انزین به کار می‌رود، ممکن است عوارض جانبی در فرد به وجود بیاورد که گاهی اوقات باعث پیدایش تغییرات مثبت می‌شود. مثلاً یکی از آن‌ها طولانی‌تر شدن زمان نعوظ در مردان می‌باشد. انزین وضعیتی است که در آن، ماهیچه قلب به اندازه کافی خون دریافت نمی‌کند.

کاهش احتمال خطر
ممکن است عوارض جانبی زمانی که دارو را مصرف می‌کنید یا میزان آن را تغییر می‌دهید و یا مصرف آن را قطع می‌کنید، به وجود بیاید پس همیشه باید به دقت طبق اطلاعاتی که روی دارو درج شده، استفاده کنید.

دهان یا روی زبان رخ می‌دهد، زخم دهان گفته می‌شود. زخم‌های دهان اغلب دارای یک سوراخ در وسط هستند. **تغییر چشایی:** برخی داروها حس چشایی را تغییر داده و موجب ایجاد طعم فلز، شور و یا طعم تلخ در دهان می‌شوند. به این تغییر در توانایی بدن «دیسگاسیا یا نارسایی چشایی» گفته می‌شود.

جایگزین‌ها و داروهای گیاهی
بسیاری از بیماران اشتباهاً تصور می‌کنند که داروهای گیاهی بدون ضرر هستند. به همین دلیل برچسب روی آن‌ها را حاوی لیست بلند بالایی از عوارض جانبی می‌باشد را مطالعه نمی‌کنند.

در حقیقت بعضی از این محصولات شامل آلوورا، جینسینگ، سیر، جای سبز و غیره هستند که می‌توانند با داروهای قلبی عروقی تداخل داشته باشند و واکنش‌هایی را ایجاد کنند. با وجود این که این داروها طبیعی هستند، اما باز هم خطرات زیادی در پی آن‌ها وجود خواهد داشت. به همین دلیل بیماران نباید داروهای گیاهی را همراه با داروهای شیمیایی استفاده کنند. در نتیجه بهتر است

بیانیه انجمن خانواده‌های قربانیان پرواز ۷۵۲ در مورد اظهارات محمد جواد ظریف



گرافیک از کیهان لندن

ندارد. خواسته‌های ما از دولت‌های متضرر و دولت کانادا چنین است:

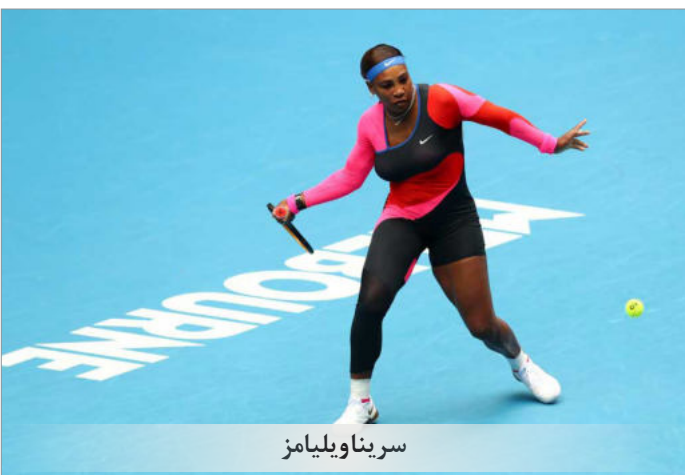
۱. جامعیت و دقت گزارش نهایی جمهوری اسلامی را با استفاده از تمام اطلاعات موجود بررسی کنید.
۲. قبل از آن که سخن از خواسته‌های دیگر به میان بیاید، محور مذاکرات با جمهوری اسلامی را یافتن حقیقت بگذارید.
۳. اگر جمهوری اسلامی از گفتن حقیقت سر باز می‌زند پرونده را به سازمان جهانی هوانوردی غیرنظامی و دیوان بین‌المللی دادگستری ببرید.
۴. برای یافتن حقیقت و بازخواست کامل به بند یازده قطعنامه‌ی مونترآل پایبند باشید.
۵. سپاه پاسداران را در لیست گروه‌های تروریستی بگذارید و قانون مگنستکی را نسبت به آمران و عاملان این جنایت از جمله وزیر خارجه‌ی جمهوری اسلامی فعال کنید.
۶. با خواسته‌ی انجمن خانواده‌های جانب‌باختگان نسبت به تشکیل تیم حقوقی مستقل در کانادا موافقت کنید.

به وزیر خارجه‌ی جمهوری اسلامی ایران گوش دهید. او هیچ علاقه‌ای به یافتن حقیقت ندارد. او نقشش را در تکمیل جنایات سازماندهی‌شده‌ی سپاه پاسداران به خوبی بازی می‌کند. تنها وظیفه‌ی او عادی کردن این جنایت و بیرون کشیدنش از پرونده‌های جنایی بین‌المللی است. متوجه می‌شوید که خود نیز بر عمدی بودن این جنایت باور دارد اما می‌گوید صلاح نیست اما می‌گوید پرونده را ببندید.

او می‌گوید «حقیقت هیچ‌گاه مشخص نخواهد شد». یافتن حقیقت اولین قدم در جبرانی است که کشورهای متضرر، در مذاکرات، دنبال می‌کنند. در مذاکرات جمهوری اسلامی از خطای انسانی حرف می‌زند اما پشت درهای بسته سناریوهایی خلاف آن مطرح می‌کند.

جمهوری اسلامی مکرراً سوء نیت خود را در روند تحقیقات و مذاکرات نشان داده است. ما به صراحت می‌گوییم، در زمان انتشار گزارش نهایی جمهوری اسلامی، حقیقت فاش خواهد شد و این حکومت علاقه‌ای به بازخواست آمران و عاملان

آغاز گراند اسلم تنیس استرالیا با حضور روزی ۳۰ هزار تماشاگر در استادیوم راد لیور



سرینا ویلیامز



نواک جاکوویچ

با حضور سی هزار تماشاگر در روز برگزار می‌گردد و پیش‌بینی می‌شود در سیزده روز باقیمانده، ۳۹۰ هزار نفر در مجموعه تنیس راد لیور به تماشای این مسابقات بنشینند.

روز دوشنبه ساعتی قبل از افتتاح بازی‌ها، بیش از سی هزار تن از مشتاقان تماشای این رقابت‌ها منتظر باز شدن درهای مجموعه تنیس راد لیور در ملبورن پارک شهر ملبورن بودند. این تعداد تماشاگر نزدیک به نیمی از ظرفیت زمین‌های تنیس این ورزشگاه است.

رده‌بندی یا Seed مسابقات اسلم گراند اسلم استرالیا با توجه به امتیازات سالانه هر یک از شرکت‌کنندگان چنین است:

در قسمت مردان:

- ۱- نواک جاکوویچ
- ۲- رافائل نادال
- ۳- دومینیک تیم
- ۴- دانیل مدودو
- ۵- استفانوس تسیتسی پاس
- ۶- الکساندر زورو
- ۷- آندری راب لو
- ۸- دیه گو شوارتزن
- ۹- متیو براه تینی
- ۱۰- گیل مونفیس
- ۱۱- دنیس شاپولوا
- ۱۲- رابرتو بائیستا آگوت

در استادیوم راد لیور ۶ بر یک و ۶ بر یک به آسانی مغلوب کرد.

دنیس شاپولواو تنیس‌باز اهل کانادا، ۳ بر ۶، ۳ بر ۴، ۲ بر ۶ و ۶ بر ۴ در یک دیدار طولانی بر جنیک سینر تنیس‌باز ۱۹ ساله ایتالیایی فائق آمد.

نیک کریوس تنیس‌باز پر حاشیه و جنجالی یونانی تبار استرالیایی ۶ بر ۴، ۶ بر ۴ و ۴ بر ۶ از فریرا سیلوا تنیس‌باز ۲۵ ساله پرتغالی برد. رقیب کریوس در دور بعد، یوگوهامبرت تنیس‌باز ۲۲ ساله فرانسوی خواهد بود.

نواک جاکوویچ تنیس‌باز ۳۴ ساله اهل صربستان، نفر اول رده بندی مردان دنیا و قهرمان ۱۷ گراند اسلم در دوره شروع رقابت‌ها ۶ بر یک، ۶ بر یک و ۶ بر ۲ جرمی چاردی تنیس‌باز فرانسوی را به خانه فرستاد.

فلیکس اوگر الیاسیم تنیس‌باز ۲۰ ساله کانادایی ۶ بر ۲، ۴ بر ۶ و ۶ بر ۲ مارسل استب تنیس‌باز آلمانی را شکست داد.

گریگور دیمیتروف تنیس‌باز اهل بلغارستان و دوست پسر سابق ماریا شاریپوا، ۶ بر ۴، ۶ بر ۲ و ۷ بر ۶ مارین چلیچ تنیس‌باز با سابقه کروات را حذف نمود.

رقابت‌های گراند اسلم استرالیا ۲۰۲۱ تنها تورنمنت بزرگ این ورزش از آغاز یورش ویروس کروناست که

● سرینا ویلیامز و نواک جاکوویچ به آسانی به دور دوم راه یافتند.

در نخستین روز بازی‌های تنیس گراند اسلم استرالیا، شماری از تنیس‌بازان سرشناس جهان با پیروزی بر رقبای خود به دور دوم این تورنمنت رسیدند.

برندگان رقابت‌های دور اول نخستین گراند اسلم ۲۰۲۱ همگی تنیس‌بازان مشهور و حاضر در بالای رده‌بندی تنیس دنیا هستند.

الکساندر زورو تنیس‌باز آلمانی و نفر سوم پیشین رده‌بندی مردان جهان، ۶ بر ۷، ۷ بر ۶، ۶ بر ۳ و ۳ بر ۲ مارکوس گیرون تنیس‌باز آمریکایی را مغلوب کرد.

دومینیک تیم تنیس‌باز اهل اتریش و نفر سوم رده‌بندی جهان، ۷ بر ۶، ۶ بر ۲ و ۳ بر ۳ از میخائیل کاشکین تنیس‌باز اهل استرالیا برد.

کورنتین موت تنیس‌باز ۲۱ ساله فرانسوی، جان میلمن تنیس‌باز استرالیایی را ۴ بر ۶، ۴ بر ۳، ۷ بر ۶ و ۶ بر ۲ و ۶ بر ۳ از دور رقابت‌ها حذف نمود.

سرینا ویلیامز تنیس‌باز ۳۹ ساله آمریکایی و برنده ۲۴ گراند اسلم، لورا زیگموند تنیس‌باز ۳۲ ساله آلمانی را

بین‌المللی است. متوجه می‌شوید که خود نیز بر عمدی بودن این جنایت باور دارد اما می‌گوید صلاح نیست اما می‌گوید پرونده را ببندید.»

در این بیانیه خطاب به دولت کانادا آمده است «با خواسته‌ی انجمن خانواده‌های جانب‌باختگان نسبت به تشکیل تیم حقوقی مستقل در کانادا موافقت کنید.»

یادآوری می‌شود کیهان لندن نخستین رسانه فارسی‌زبان است که موضوع انفجار و سقوط هواپیما را به دلیل «اصابت» مطرح کرد و در یکسال اخیر در چند نوبت اشاره کرد که «برخی شواهد نشان می‌دهد که گویا در کانادا مسئولیت رسیدگی به پرونده سرنگونی هواپیمای اوکراینی به دست فرد یا گروهی سپرده شده که عملکردش یکی از موانع قرار گرفتن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در فهرست سازمان‌های تروریستی کانادا است!»

گرچه رژیم ایران مسئولیت شلیک موشک به این هواپیما را پس از سه روز انکار و دروغ سرانجام به دلیل شواهد انکارناپذیر مجبور شده به عهده بگیرد، اما اینکه صرفاً ادعا شود که این حادثه به علت «خطای انسانی» و «غیرعمدی» بوده کافی نیست. آنهم در حالی که به دلیل ادعای «شرایط جنگی» از سوی مقامات خود جمهوری اسلامی، این سقوط فاجعه و کشته شدن ۱۷۶ سرنشین هواپیمای اوکراینی را می‌توان «جنایت جنگی» به شمار آورد.

در یکسال گذشته همزمان با پیگیری تیم‌های تحقیقاتی، موجی از فضا سازی در داخل و خارج ایران برای انحراف مسیر تحقیقات از جمله توسط صادراتی‌های نظام و دلبستگان مذهبی و چپ‌گرای رژیم اسلامی ایران به راه افتاده است. آنها در ادعاهای عجیب و غریب قصد داشتند از طریق تبلیغات با کمرنگ کردن نقش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و کلیت جمهوری اسلامی در این جنایت آن را یک سناریوی بین‌المللی علیه رژیم ایران معرفی کنند.



تظاهرات مردم در تهران علیه جنایت سپاه در شلیک موشک به هواپیمای اوکراینی و دروغ‌گویی فرماندهان نظامی و مقام‌های دولتی؛ ژانویه ۲۰۲۰

دیگر می‌گوید، متفاوت از چیزی است که ممکن است در یک گفتگوی خصوصی به کسی گفته باشد. او در همه جا، در مذاکرات رسمی درباره خطای انسانی و اشتباه حرف می‌زند؛ اما در این فایل صوتی می‌گوید که هزار جور امکان وجود دارد و عمدی زدنش هم احتمال دارد و اصلاً بعید نیست.»

حامد اسماعیلیون با اشاره به اینکه «در بیان حقیقت هیچ مرزی وجود ندارد» گفته: «به ما مربوط نیست که بعد از گفتن حقیقت سیستم دفاعی شما چه خواهد شد. شما باید حقیقت را بگویید؛ وگرنه مجبور می‌شوید حقیقت را بگویید.»

امروز ۲۲ بهمن ۱۳۹۹ (۱۰ فوریه ۲۰۲۱) انجمن خانواده‌های جانب‌باختگان در واکنش به انتشار گزارش فایلی که گفته می‌شود صدای محمدجواد ظریف وزیر خارجه جمهوری اسلامی است یک بیانیه منتشر کرد که در آن آمده «به وزیر خارجه‌ی جمهوری اسلامی ایران گوش دهید. او هیچ علاقه‌ای به یافتن حقیقت ندارد. او نقشش را در تکمیل جنایات سازماندهی‌شده‌ی سپاه پاسداران به خوبی بازی می‌کند. تنها وظیفه‌ی او عادی کردن این جنایت و بیرون کشیدنش از پرونده‌های جنایی

خواهند داد حقیقت روشن شود.»

در این فایل به فارسی گفته شده «آنها حقیقت را آشکار نمی‌کنند زیرا اگر این کار را انجام دهند برخی درها به سیستم‌های دفاعی کشور باز می‌شود که گفتن آنها به صلاح کشور نخواهد بود.»

شبکه خبری سی بی‌سی گزارش داد به این فایل صوتی گوش داده و محتوای آن را توسط سه نفر از فارسی به انگلیسی ترجمه کرده است.

رالف گودیل مشاور ویژه جاستین ترودو نخست‌وزیر کانادا در پرونده سرنگونی «پرواز ۷۵۲» می‌گوید از وجود این فایل صوتی مطلع است. او افزود «این فایل صوتی حاوی اطلاعات حساس است و اظهار نظر در وسایل ارتباط جمعی و عمومی در خصوص جزئیات آن می‌تواند جان برخی افراد را به مخاطره بیناندازد.»

گودیل می‌گوید سرویس اطلاعات امنیتی کانادا و مؤسسه امنیت ارتباطات در حال بررسی صحت صدای ضبط‌شده هستند. نهادهای امنیتی کانادا در مورد جزئیات این ارزیابی‌ها گفتگو نکردند.

مقامات اوکراینی به سی‌بی‌اس نیوز گفته‌اند برای اولین بار است که از وجود چنین فایلی مطلع می‌شوند و از

کانادا خواسته‌اند با دقت این فایل را بررسی کنند.

شاهین مقدم پدر «راستین مقدم» و همسر «شکیبا فقاهتی» از جانب‌باختگان «پرواز ۷۵۲» اخیر آذر ۱۳۹۹ در مصاحبه با کیهان لندن از وجود این فایل صوتی خبر داده و گفته بود که در اختیار پلیس امنیت کانادا قرار گرفته است.

بعد از این مصاحبه انجمن جانب‌باختگان «پرواز ۷۵۲» در بیانیه‌ای اعلام کرد «انجمن اطلاعاتی در مورد جزئیات فایل صوتی ندارد» و «به نظر می‌رسد رسانه‌ها برخورد حرفه‌ای با این خبر نداشته‌اند!»

یک ماه و نیم از صدور این بیانیه و گزارش کیهان لندن درباره فایل صوتی گذشته است. اکنون حامد اسماعیلیون سخنگوی انجمن خانواده‌های جانب‌باختگان سرنگونی هواپیمای اوکراینی در مصاحبه با «ایران وایر» می‌گوید «این فایل صوتی و گفته‌های ظریف در یک محفل خصوصی دو چیز را روشن می‌کند؛ یکی اینکه این آدم، این تیم و حکومت جمهوری اسلامی حکومت نرمالی نیست که بیاید و حقیقت را بگوید. دوم اینکه ظریف چیزی را که در گفتگوهای رسمی با کشورهای

● نهادهای امنیتی کانادا فایل صوتی منسوب به ظریف درباره احتمال «عمدی بودن» سرنگونی «پرواز ۷۵۲» را بررسی می‌کنند

ندارد» گفته: «به ما مربوط نیست که بعد از گفتن حقیقت سیستم دفاعی شما چه خواهد شد. شما باید حقیقت را بگویید؛ وگرنه مجبور می‌شوید حقیقت را بگویید.»

شبکه خبری سی‌بی‌اس کانادا ۹ فوریه (۲۱ بهمن) گزارش داد دولت و نهادهای امنیتی کانادا در حال بررسی یک فایل صوتی هستند که گفته می‌شود متعلق به محمدجواد ظریف وزیر خارجه جمهوری اسلامی است که در مورد «عمدی بودن» سرنگونی هواپیمای مسافربری اوکراینی «پرواز ۷۵۲» صحبت می‌کند.

فردی که گفته می‌شود محمدجواد ظریف است در این فایل صوتی می‌گوید «هزاران امکان» برای توضیح چگونگی سرنگونی هواپیما وجود دارد از جمله حمله‌ای از طرف دو سه «نفوذی» سناریویی که به گفته‌ی این فرد «اصلاً بعید نیست.»

صاحب صدا که گفته می‌شود وزیر خارجه جمهوری اسلامی است همچنین افزوده است که «در بالاترین رده‌های دولتی و نظامی هرگز اجازه

● یک ماه و نیم پس از آنکه شاهین مقدم از خانواده‌گان جانب‌باختگان «پرواز ۷۵۲» در مصاحبه با کیهان لندن از وجود یک فایل صوتی در مورد «عمدی بودن» شلیک به هواپیمای مسافربری اوکراینی پرده برداشت شبکه سی‌بی‌اس کانادا وجود آن را تایید کرد.

● در این فایل که گفته می‌شود صدا منسوب به ظریف است گفته شده در بالاترین رده‌های دولتی و نظامی هرگز اجازه نخواهند داد حقیقت روشن شود.

● دولت و نهادهای امنیتی کانادا در حال بررسی این فایل هستند و رالف گودیل مشاور ویژه جاستین ترودو گفته حاوی اطلاعات حساس است و اظهار نظر در وسایل ارتباط جمعی و عمومی در خصوص جزئیات آن می‌تواند جان برخی از افراد را به مخاطره بیناندازد.

● اوایل دی‌ماه بعد از انتشار مصاحبه شاهین مقدم با کیهان لندن انجمن جانب‌باختگان «پرواز ۷۵۲» در بیانیه‌ای اعلام کرد «انجمن اطلاعاتی در مورد جزئیات فایل صوتی ندارد» و «به نظر می‌رسد رسانه‌ها برخورد حرفه‌ای با این خبر نداشته‌اند!»

● حامد اسماعیلیون سخنگوی انجمن خانواده‌گان جانب‌باختگان «پرواز ۷۵۲» با اشاره به اینکه «در بیان حقیقت هیچ مرزی وجود

ادامه سرکوب و تبعیض علیه مسیحیان در جمهوری اسلامی؛ گزارش سالیانه سازمان «ماده ۱۸»



ویدئو

در سال ۲۰۲۰ میلادی ۱۱۵ مسیحی در ایران دستگیر شدند که از این تعداد ۳۸ نفر به زندان افتادند. در مجموع مسیحیان مجبور به پرداخت یک میلیون دلار وثیقه شده و دو نوبت تبعیض علیه مسیحیان در ایران منتشر می‌شود. در گزارش امسال این نهاد اشاره شده است که با وجود گسترش بیماری کووید ۱۹، سرکوب مسیحیان نه تنها ادامه داشت بلکه با شدت بیشتری ادامه یافته است. احمد رافت با گزارش عالیپور سخنگوی سازمان «ماده ۱۸» گفتگویی انجام داده است.

در مدت زمان بازداشتش در این کشور توسط مافوق خود که برای ملاقات او از تهران به بلژیک آمده بود دیدار کرده است.

اسدی طی دو سال گذشته که در زندان بوده ملاقات‌های زیادی داشته، از جمله ملاقات با هیئت‌هایی که از تهران آمدند. سفیر رژیم ایران تقریباً همیشه در آن دیدارها حضور داشت و این موضوع بیانگر اهمیت این دیپلمات-تروریست است.

سازمان امنیت بلژیک همچنین دریافت است که همه اعضای هیئتی که به ملاقات اسدی آمده‌اند، نمی‌توانند کارمندان معمولی وزارت خارجه جمهوری اسلامی باشند. اسدی از هرگونه توضیحی در این زمینه خودداری کرده و حتا در مواردی بازرسان بلژیکی را تهدید کرده است. با حکم دادگاه آنتورپ برای نخستین بار در تاریخ حیات جمهوری اسلامی یک دیپلمات مشغول به کار با اسناد و مدارک کافی در دادگاه‌های اروپا به اتهام تروریسم محکوم شده است. حال باید منتظر ادامه واکنش‌های کشورهای اروپایی نسبت به این اتفاق بود.

کلی جین تورنس عضو تحریریه روزنامه «نیویورک پست» در یادداشتی در همین ارتباط می‌نویسد جمهوری اسلامی ایران از هیچ اقدامی برای حفظ قدرت کوتاهی نمی‌کند حتا اگر این اقدامات برای ترور مخالفان منجر به کشته شدن صدها بی‌گناه در خاک اروپا شود.

تورنس خبرنگاری بوده که ژوئن سال ۲۰۱۸ در گردهمایی سازمان مجاهدین در حومه پاریس حضور داشت و اگر نهادهای امنیتی غربی بلژیک و آلمان این عملیات تروریستی را خنثی نمی‌کردند چه بسا او یکی از کشته‌شدگان می‌بود. در آن گردهمایی شمار زیادی از مقامات پیشین غربی نیز شرکت داشتند.

تورنس به عنوان فردی که خودش را «یکی از قربانیان بالقوه گردهمایی مجاهدین» می‌داند می‌نویسد اسدی حدود نیم کیلو ماده منفجره و چاشنی را از ایران به وین آورده و آن را با یک اتومبیل در لوکزامبورگ تحویل یک زوج پناهنده ساکن بلژیک داده است. مصونیت دیپلماتیک او در اتریش معتبر بود اما در آلمان اعتباری نداشت. این خبرنگار با شرح جزئیاتی از پرونده اسدی می‌نویسد «پرزیدنت بایدن و رهبران اروپا چطور می‌خواهند با چنین رژیم جنایتکاری معامله کرده و روابط خود را عادی کنند؟»

*منبع: وی‌آر تی نیوز
*ترجمه و تنظیم: مسعود باباپور



جمهوری اسلامی ایران در ادعایی عجیب و با بزرگنمایی درباره سازمان مجاهدین می‌گوید که حکم اسدالله اسدی تحت تأثیر نفوذ این سازمان صادر شده!

بلژیکی از «وی‌آر تی نیوز» نیز به آنها دسترسی پیدا کرد مشهود است.

این اسناد نشان می‌دهد که اسدی طراح این اقدام تروریستی نه تنها زوج بلژیکی-ایرانی را در بلژیک هدایت می‌کرده بلکه تماس‌های مکرر در سراسر اروپا داشته و اسناد مربوط به این تماس‌ها از پلیس آلمان و هلند دریافت شده است.

بازرسان آلمانی یک دفتر سبز با حدود ۲۰۰ صفحه در ماشین اسدی پیدا کردند که در آن یادداشت‌های دقیق و انواع رسیدهای پرداختی را نگهداری می‌کرد.

از این مدارک می‌توان نتیجه گرفت که اسدی در سال‌های اخیر مبالغ زیادی پول نقد را به صورت اقساط چند هزار یورویی در کشورهای مختلف پرداخت کرده است. این اسناد مربوط به پرداخت‌هایی از چند صد یورو تا چند هزار یورو است و رسیدها فقط شامل نام مستعار «گیرندگان» است.

نکته دیگر این است که اسدی به عنوان یک دیپلمات مرتبط با سفارت جمهوری اسلامی در وین مرتباً به سایر کشورهای اروپایی دیگر سفر می‌کرده و ترجیح وی برای اقامت، هتل‌های شهرهای کوچک در اروپا بوده است. آنهم در حالی که جمهوری اسلامی در این کشورها سفارت دارد و نیازی به سفرهای مکرر وی به عنوان دیپلمات نبوده است! ادامه تحقیقات همچنین مشخص شد که اسدی اغلب از طریق وبسایت Booking.com هتل و محل اقامت خود را رزرو می‌کرده است. بر اساس جدول ثبت این وبسایت معلوم می‌شود که اسدی در سال‌های اخیر سفرهای زیادی داشته و گاه به عنوان پوشش یا خانواده‌اش سفر می‌کرده. وی اغلب قرارهای ملاقاتش را در شهرهای کوچک و نامعروف می‌گذرانده است.

به گفته سازمان امنیت بلژیک، اسدی در ۲۷ نوامبر ۲۰۲۰ به اتهام طرح عملیات تروریستی در اروپا در دادگاه ویژه جرائم تروریستی آنتورپ بلژیک به همراه سه متهم دیگر محاکمه شد. دادگاه کیفری آنتورپ پنجشنبه ۱۶ بهمن ۱۳۹۹ با رد مصونیت دیپلماتیک اسدالله اسدی او را به ۲۰ سال زندان محکوم کرد. همچنین در دادگاه اسدالله اسدی مطرح شد که او مواد منفجره را در سفر با هواپیما و با استفاده از مصونیت دیپلماتیک خود به اتریش آورده و آن را در یک کیسه زباله پنهان کرده و به زوج ایرانی-بلژیکی داده بود. طراحی عملیات تروریستی توسط اسدی از اطلاعات محرمانه‌ای که هفته گذشته ینس فرانسس روزنامه‌نگار

خودخوانده بیان کردند به رسمیت نمی‌شناسیم» جمهوری اسلامی ایران در ادعایی عجیب و با بزرگنمایی درباره سازمان مجاهدین می‌گوید که حکم اسدالله اسدی تحت تأثیر نفوذ این سازمان صادر شده!

اما پرونده اسدالله اسدی دبیر سوم سفارت جمهوری اسلامی آشکارتر از آن است که جمهوری اسلامی ایران بتواند از زیر بار مسئولیت عملیات تروریستی نافرجام در خاک اروپا شانه خالی کند.

اسدی ساکن وین پایتخت اتریش در ژوئیه ۲۰۱۸ در حالی که در اتوبانی در ایالت بایرن در جنوب آلمان در حال بازگشت به محل سکونت خود در اتریش بود، به اتهام دست داشتن در عملیات بمب‌گذاری علیه گردهمایی سازمان مجاهدین خلق در پاریس بازداشت شد.

از نظر سازمان امنیت بلژیک او یک جاسوس زنده است که دیگر جاسوسان ایرانی در سراسر اروپا را هدایت می‌کرده است.

اسدی در ۲۷ نوامبر ۲۰۲۰ به اتهام طرح عملیات تروریستی در اروپا در دادگاه ویژه جرائم تروریستی آنتورپ بلژیک به همراه سه متهم دیگر محاکمه شد. دادگاه کیفری آنتورپ پنجشنبه ۱۶ بهمن ۱۳۹۹ با رد مصونیت دیپلماتیک اسدالله اسدی او را به ۲۰ سال زندان محکوم کرد.

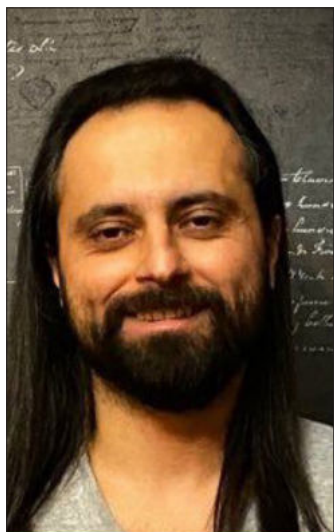
همچنین در دادگاه اسدالله اسدی مطرح شد که او مواد منفجره را در سفر با هواپیما و با استفاده از مصونیت دیپلماتیک خود به اتریش آورده و آن را در یک کیسه زباله پنهان کرده و به زوج ایرانی-بلژیکی داده بود. طراحی عملیات تروریستی توسط اسدی از اطلاعات محرمانه‌ای که هفته گذشته ینس فرانسس روزنامه‌نگار

دیپلمات- تروریست جمهوری اسلامی مواد منفجره را با استفاده از مصونیت دیپلماتیک در سفر با هواپیما از تهران به وین آورده بود

● در دادگاه اسدالله اسدی مطرح شد که او مواد منفجره را در سفر با هواپیما و با استفاده از مصونیت دیپلماتیک خود به اتریش آورده و آن را در یک کیسه زباله پنهان کرده و به زوج ایرانی-بلژیکی داده بود. ● اسدی در سال‌های اخیر سفرهای زیادی به کشورهای مختلف اروپا داشته و گاه به عنوان پوشش با خانواده‌اش سفر می‌کرده. وی اغلب قرارهای خود را در شهرهای کوچک و نامعروف می‌گذرانده است. ● اسدی به عنوان یک دیپلمات مرتبط با سفارت جمهوری اسلامی در وین مرتباً به سایر کشورهای اروپایی دیگر سفر می‌کرده است. ● اسدی در این کشورها سفارت دارد و نیازی به سفرهای مکرر وی به عنوان دیپلمات نبوده است!

در پی محکومیت اسدالله اسدی دیپلمات- تروریست جمهوری اسلامی به ۲۰ سال زندان در دادگاه آنتورپ (Antwerpen) در بلژیک، سعید خطیب‌زاده سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی روز دوشنبه ۲۰ بهمن فرایند محاکمه اسدی را «بیمار و مسموم» خواند و گفت که این دادگاه و حکم آن یک «عملیات فریب» و «نقض آشکار مصونیت دیپلماتیک» بوده است. او افزود «ما نه رای دادگاه را به رسمیت شناختیم، نه خود دادگاه را به رسمیت می‌شناسیم، آنچه را به صورت

نیما قاسمی نویسنده و پژوهشگر فلسفه بازداشت شد



● نیما قاسمی دانش‌آموخته فلسفه، نویسنده و پژوهشگر روز دوشنبه ۲۰ بهمن‌ماه در خانه خود در تهران به دلایل نامعلومی توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد. او به محل نامعلومی منتقل شده و از وضعیت‌اش تا زمان تنظیم این خبر، هیچ اطلاعی در دست نیست و با خانواده خود تماسی نداشته است.

● بازداشت این نویسنده و پژوهشگر واکنش کاربران فضای مجازی را به دنبال داشته. آنها جمهوری اسلامی را مسئول سلامت اعلام وضعیت و محل نگهداری و آزادی او شده‌اند و بازداشت این پژوهشگر را نشانه‌ای دیگر از فشار حکومت بر دگراندیشان و صاحبان فکر در ایران می‌دانند.

نیما قاسمی دانش‌آموخته فلسفه، نویسنده و پژوهشگر روز دوشنبه ۲۰ بهمن‌ماه در خانه خود در تهران به دلایل نامعلومی توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد. او به محل نامعلومی منتقل شده و از وضعیت‌اش تا زمان تنظیم این خبر، هیچ اطلاعی در دست نیست و با خانواده‌اش نیز تماسی نداشته است.

مأموران خانه قاسمی را مورد تفتیش قرار دادند و وسایل شخصی وی از جمله لپ‌تاپ و دست‌نوشته‌هایش را ضبط کرده و با خود برده‌اند. «اتحادیه برای دموکراسی در ایران» (نوفدی) در توییتی خطاب به آنتونی بلینکن وزیر خارجه ایالات متحده و

شناسایی ۱۲۰ ثبت عقد کودک همسری فقط در یک شهرستان!

معاون وزیر کشور: کودک همسری نیست، ازدواج پیش‌پس است!



اردبیل از شناسایی ۱۲۰ متهم به همراه دستگیری یک عاقد به جرم ترویج و ثبت عقد کودک همسری خبر داد که ۱۲۰ دختر بچه را به عقد مردان بزرگسال در آورده‌اند. دادستان می‌گوید در این شهرستان کودک همسری شایع شده است.

عظیم اکبری دادستان شهرستان نمین از توابع استان اردبیل صبح امروز دوشنبه ۲۰ بهمن ۱۳۹۹ از دستگیری ۱۲۰ متهم و یک عاقد خبر داد که ۱۲۰ دختر بچه را به عقد مردان در آورده و آن را ثبت کرده‌اند. آنگونه که اکبری توضیح داده، این تنها بخشی از موارد شناسایی شده کودک همسری است و یا با گذشت زمان و یا به دلیل نبود اسناد و مدارک کافی، متهمان بیشتری قابل شناسایی نیستند. تمام متهمان شناسایی شده، اهلی شهرستان آبی‌بیگلو در ۱۹ کیلومتری

● تمام متهمان شناسایی شده اهل شهرستان آبی‌بیگلو در ۱۹ کیلومتری اردبیل هستند «که به جرم عقد کردن دختران زیر سن قانونی روانه زندان شدند» دادستان شهرستان نمین به منابع محلی گفته که شناسایی این ۱۲۰ متهم و پلمب دو دفتر خانه در این شهرستان نمین مخصوصاً بخش ویلکیج خیلی شایع شده و فرآوانی زیادی داشت» صورت گرفته است.

بر اساس این گزارش، عظیم اکبری گفته است که «همه این ۱۲۰ نفر با تحقیق و بازرجویی تفهیم اتهام شدند و از همه آنها ضمانت اخذ شده است، همچنین ۲ باب دفترخانه که با همکاری عاقد فعالیت غیرقانونی انجام می‌دادند به جرم عقد کردن دختران زیر سن قانونی روانه زندان شدند.»

دادستان شهرستان نمین درباره محکومیت این متهمان می‌گوید: «با توجه به اینکه قانون برای این جرم از

دولت بایدن نوشته است «نیما قاسمی پژوهشگر فلسفه و منتقد اجتماعی ایرانی توسط جمهوری اسلامی ایران دستگیر شده است. رژیم هر روز مخالفان بیشتری را دستگیر و شکنجه کرده و می‌کشد. سرکوب مخالفان رژیم باید در اولویت وزارت خارجه آمریکا باشد. این فیلسوف و منتقد اجتماعی ایرانی نیما قاسمی توسط جمهوری اسلامی در ایران دستگیر شده است. رژیم هر روز مخالفان بیشتری را دستگیر، شکنجه می‌کند و می‌کشد. (وزارت امور خارجه آمریکا) سرکوب مخالفت رژیم باید در اولویت باشد. این موضوعی است که رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا باید در پیش بگیرد.» همچنین حساب توییتری قاسمی از دسترس خارج شده و کاربران توییتر فارسی، اقدام به بازنشر تصاویری از توییت‌های او می‌کنند. بازداشت این نویسنده و پژوهشگر واکنش کاربران فضای مجازی را به دنبال داشته. آنها جمهوری اسلامی را مسئول سلامت او می‌دانند. کاربران همچنین خواستار اعلام وضعیت و محل نگهداری و آزادی او شده‌اند و بازداشت این پژوهشگر را نشانه‌ای دیگر از فشار حکومت بر دگراندیشان و صاحبان فکر در ایران می‌دانند. نیما قاسمی فارغ‌التحصیل مقطع دکتری رشته فلسفه از دانشگاه «شهید بهشتی» (دانشگاه ملی ایران) است. مقالاتی از وی در همین زمینه در نشریات مختلف منتشر شده است. از آثار او می‌توان به «سنخ‌شناسی تفکر فلسفی از منظر آرنست کاسیرر» در مجله «قلمیاران» اشاره کرد.

دو قرن فراز و نشیب مطبوعات در ایران (۲۰۷)

احمد احرار

(کیهان لندن شماره ۱۳۸۸)



یک جوان هفده‌هجده‌ساله خود را به دم مجلس انداخت، و با قوام‌الدوله و جم گلاویز شد، آن دو با کیف‌های بادکرده از خود دفاع می‌کردند و سردار سپه به منازعه آنها می‌خندید... دماغی داشت!

پشت دست آقای جم زخم برداشت. زخم چندان خطرناک نبود، زیرا زخم ناخن پسره بود که به‌قدر نصف ناخن خونین کرده بود! باز خنده کردند! و پسره هم توقیف شد.

بالاخره گلوله داغ بر حرارت مردم بی‌اسلحه که نان و شاه می‌خواستند، غلبه کرد و سر جمعیت برگشت! جماعتی مجروح و عده‌ای مقتول شد! از جمله کشتگان سیدی بود که مردم نعش او را توانسته بودند بردارند، و باقی را پاسبانان فوراً جمع کردند. من که پس از این واقعه بیرون رفتم که نزد مدرس بروم، خون زیادی را که ده قدم مانده به جلوخان مسجد بر زمین ریخته بود، مشاهده کردم! مردم نعش سید را بر گرفته، روی تخته گذاشتند و از خیابان چراغ برق به میدان سپه بردند و گویا می‌خواستند به همان هیأت به سفارت آمریکا بروند، ولی عده‌ای پاسبان و نظامی در میدان سپه به آنها حمله کرد و مردم با سنگ و چوب از خود دفاع می‌کردند. در این حین، مدخل خیابان علاءالدوله و لاله‌زار را پاسبانان و نظامیان مسدود کردند، جمعیت ناچار جنازه را برداشته، به طرف بازار رفتند و از آنجا جنازه را به مسجد حاج سیدعزیزالله نزد حاج آقا جمال مجتهد بردند. ایشان اجازه دفن جنازه را داده، به مردم گفتند با دولت با نهایت آرامش صحبت کنید و متفرق شوید.



سردار معظم (عبدالحسین تیمور تاش)

عصر همان روز عده‌ای پاسبان در بازار و خیابان ناصریه ریخته، در حالی که بازار تعطیل بود هر کس را از اهل بازار و کسبه می‌دیدند دستگیر و توقیف می‌کردند و آن روز متجاوز از ۵۰ نفر زندانی شدند.

جلسه علنی مجلس شورای ملی که قرار بود روز پنجشنبه دوم مهرماه ۱۳۰۴ تشکیل شود، به سبب وقایع تهران برگزار نشد و به روز یکشنبه ششم مهرماه موکول گشت.

در این جلسه که سیدمحمد تدین (نایب رئیس) اداره آن را به عهده داشت، سیدحسن مدرس نطقی ایراد کرد و از جمله گفت:

«بنده قبل از وقوع این وضعیت ناگوار غیرمنتظره کسالت داشتم و حالم بد بود و حال که مقارن شد با این وضعیت، حال من خیلی سخت‌تر است. حال هم به اعانت اعانت‌کنندگان خدمت آقایان رسیدم و خود را مکلف دیدم که عریضی بکنم و از مقام ریاست تقاضا و خواهش کنم که دولت را احضار کنند و کشف حقیقت و هویت این اوضاع که ما هو حقه برای من و سایر آقایانی که شاید مثل من اطلاع ندارند، بشود. البته اینطور نبود که اگر من نیایم صحبتی نشود. بنده هم اگر نباشم البته همه آقایان به وظیفه خود رفتار می‌کنند. ولی از باب اینکه من هم از همقطارها عقب نمانده باشم، بهتر دیدم که ببایم و یک مذاکراتی بکنم. حالا هیأت دولت که نیست و من هم ناخوشم، ولی البته اظهارات من تا جلسه آتیه به گوش آقایان می‌رسد و از طرف مقام ریاست احضار خواهند شد که یا در همین مجلس و یا در مجلس آتیه بیاناتی می‌کنند و توضیح می‌دهند؛ من هم می‌شنوم و آقایان هم می‌شنوند، آنوقت یا قانع می‌شوند و یا نمی‌شوند.»

من گمان می‌کنم همه آقایان با اینکه نظر بدی به دولت نداریم و او را در خط اصلاح مافات می‌بینیم و امیدواریم و البته باید اصلاحات تکمیل شود و مقاصد ماها به عمل آید؛ ولی مع‌ذک ما تمام خدمتگزاران این مملکت هستیم. البته آنچه پریروز، روز اول، بود مسأله مسأله ارزاق بود. مسأله‌ای بود که جای تأسف از برای همه بود و هست، همه تصدیق دارند که امسال آفات بوده، کم آبی بوده، خصوصاً در

اطراف تهران، ولی تمام مکلفند بذل جهد کنند که به قدر میسرور راحتی مردم از حیث معاش اقلاً فراهم شود. پریروز، روز اول، این عنوان شد، بعد در خلال این مطالب یک چیزهایی در مجلس دیده شد، ریختن و زدن و شکستن اتفاق افتاد، بنده هم با حالت تب‌آدمم و برای اینکه جمعیت مجلس کم شود، بیرون در قدری ایستادم و مردم را دل‌داری دادم، یعنی با آنها شریک مصیبت شدم و حق را به طرف آنها می‌دهم.

بعد، مسأله منجر شد به گرفتن‌ها، بستن‌ها و حبس‌های زنها، مردها، کوچک‌ها، بزرگ‌ها و توسل‌اتی که به عقیده من خیلی نامشروع است... علاوه بر این چه فکری برای ارزاق کردند؟ نصایح مرا که در ده شبانه‌روز اطراف تهران گشتم شنیدند؟ امروز که روز سختی نیست. اگر بنا شد سخت باشد پس فردا که سرما شد چه می‌شود؟ اگر طفلی از گرسنگی بمیرد چه خواهد شد؟... حالا از مقام ریاست تقاضای می‌کنم خبر کنند، دولت بیاید و

حقیقتاً کشف حقیقت شود...»
به دنبال نطق مدرس در حالی که مذاکرات مجلس ادامه داشت چند تن از وزرا در جلسه حضور یافتند. سردار معظم (عبدالحسین تیمور تاش) وزیر فوائد عامه اجازه صحبت خواست و گفت «شنیده شد امروز صبح آقای مدرس اظهاراتی فرموده و از دولت توضیحاتی راجع به عملیات دو سه روزه اخیر خواسته‌اند. محتاج به عرض نیست و آقایان مسبوق هستند که به واسطه آفت بزرگی که امسال به محصول رسیده، مردم در زحمت هستند. دولت هم تمام مساعی خود را صرف تهیه آذوقه کرده است و جای نگرانی نیست تا آخر سال آذوقه تأمین شده ولی چون وسایل نقلیه در مملکت ما تکمیل نیست به این جهت گاهی دیرتر می‌رسد. زیرا چند قطار مشترک از زنجان جنس حمل می‌کنند ممکن است یک روز ورودش تأخیر شود و همین‌طور هم شده... آن روز به همین جهت که سی خرور از جنس خبازخانه کسر بوده عده‌ای نگران شده و خواسته‌اند اظهارات خود را از مجرای مجلس بگویند. با این که حکومت نظامی هم هست و ممکن بود روز اول اجتماعات قذغن شود، ولی نظر به این که دولت قصد خاصی ندارد آن روز از اعمال وظایف حکومت نظامی خودداری و مسامحه کرد که مردم آزادتر دردهای خود را به سمع نمایندگان برسانند. به این جهت کنفا به نظارت در حفظ انتظامات صوری شد. عده‌ای به مجلس وارد شدند، بعد شروع کردند به شکستن در و پنجره و درجه خسارت را به جایی رساندند که به نمایندگان هم جسارت کردند و وارد اظهاراتی شدند که ماشاء نمی‌خواهیم، که مورد سوءظن شد که آن اجتماع ایام برای نان است یا یک عده که همیشه آب را گل‌آلود می‌خواهند، مقصودشان این است که اهالی صلح‌طلب را آلت اجرای مقاصد خود قرار دهند و انتظامات را مختل کنند.

با وجودی که این سوءظن حاصل شد و اطلاعی هم رسید که تأیید می‌کرد، می‌خواستند لازم بود توجه دولت صرف تهیه آذوقه شود و شخص رئیس محترم دولت اقدام کردند. به ولایات تلگراف شد و وسایل نقلیه قشون برای حمل جنس تخصیص داده شد و همان روز اطمینان حاصل

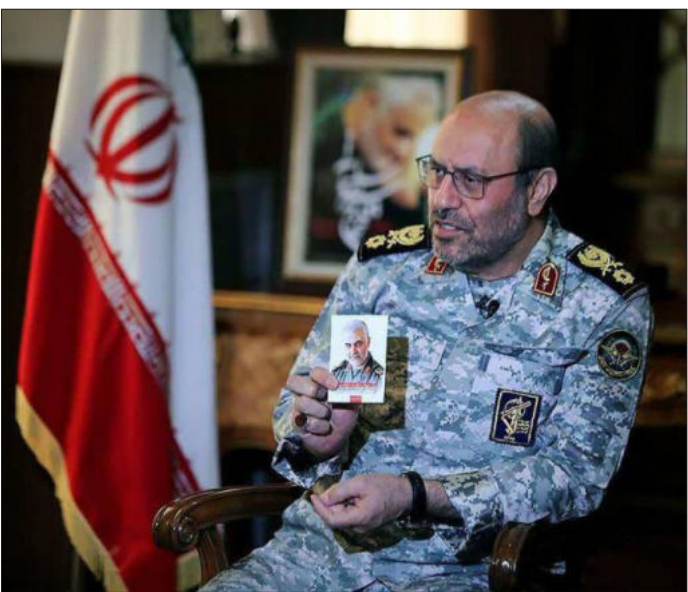
کرد. عده‌ای به مجلس وارد شدند، بعد شروع کردند به شکستن در و پنجره و درجه خسارت را به جایی رساندند که به نمایندگان هم جسارت کردند و وارد اظهاراتی شدند که ماشاء نمی‌خواهیم، که مورد سوءظن شد که آن اجتماع ایام برای نان است یا یک عده که همیشه آب را گل‌آلود می‌خواهند، مقصودشان این است که اهالی صلح‌طلب را آلت اجرای مقاصد خود قرار دهند و انتظامات را مختل کنند.

با وجودی که این سوءظن حاصل شد و اطلاعی هم رسید که تأیید می‌کرد، می‌خواستند لازم بود توجه دولت صرف تهیه آذوقه شود و شخص رئیس محترم دولت اقدام کردند. به ولایات تلگراف شد و وسایل نقلیه قشون برای حمل جنس تخصیص داده شد و همان روز اطمینان حاصل

کرد. عده‌ای به مجلس وارد شدند، بعد شروع کردند به شکستن در و پنجره و درجه خسارت را به جایی رساندند که به نمایندگان هم جسارت کردند و وارد اظهاراتی شدند که ماشاء نمی‌خواهیم، که مورد سوءظن شد که آن اجتماع ایام برای نان است یا یک عده که همیشه آب را گل‌آلود می‌خواهند، مقصودشان این است که اهالی صلح‌طلب را آلت اجرای مقاصد خود قرار دهند و انتظامات را مختل کنند.

تبلیغات انتخاباتی حسین دهقان مشاور نظامی علی خامنه‌ای در مصاحبه با گاردین:

سیاست‌های بایدن همان ترامپیسم است؛ من فقط نظامی نیستم، دانشگاهیم!



سرتیپ پاسدار حسین دهقان

● **دهقان وزیر پیشین دفاع جمهوری اسلامی می‌گوید بایدن مسیر ترامپ را می‌رود و تحریم‌ها هنوز باقی است و این یعنی ترامپیسم در روابط بین‌الملل ادامه دارد.**

● **به تأکید حسین دهقان، جمهوری اسلامی از اول اسفند مسیر دیپلماسی را تغییر می‌دهد و به دنبال اقدام تلافی‌جویانه برای تغییر مسیر دیپلماتیک آمریکا خواهد بود.**

● **«می‌خواهیم تضمین‌هایی را دریافت کنیم که آمریکایی‌ها بار دیگر توافقنامه را نقض نکنند. آمریکایی‌ها در شرایطی نیستند که برای بازگشت به میز مذاکره شرط بگذارند.»**

● **دهقان در مقایسه تلویحی خود با شخصیت‌های معروفی مانند چرچیل، مارشال دوگل و آیزنهاور، نظامیانی که به عنوان رهبران دولت‌های غیرنظامی انتخاب شدند، این موضوع را که نامزد شدن پاسدارانی مانند وی نشان‌دهنده نظامی شدن روزافزون جمهوری اسلامی است رد کرد و همراه با**

تعریف و تمجید از خود به تبلیغات انتخاباتی در این نشریه انگلیسی پرداخت و مدعی شد: «من فقط یک فرد نظامی نیستم. من یک دانشگاهی هستم! من عمدتاً در مراکز غیرنظامی تدریس می‌کردم؛ در بسیاری از مسائل اجتماعی و سیاست بوده‌ام. من مدیر بسیاری از نهادهای اقتصادی بوده‌ام. من تمام خصوصیات یک فرد نظامی راجع به وقت‌شناسی، رهبری، کار گروهی با یک رویکرد هدف‌گرا را دارم!»

حسین دهقان وزیر پیشین دفاع جمهوری اسلامی که برای انتخابات ریاست جمهوری ۱۴۰۰ اعلام نامزدی کرده با متهم کردن جو بایدن رئیس‌جمهوری جدید آمریکا به ادامه سیاست‌های دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری پیشین ایالات متحده در قبال جمهوری اسلامی ایران هشدار داد که تهران در حال آماده ساختن اقدامات تلافی‌جویانه برای وا‌دار کردن ایالات متحده به تغییر مسیر دیپلماتیک خود است!

حسین دهقانی پوده معروف به حسین دهقان، ۶۵ ساله، اهل روستای پوده در نزدیکی شهرهای اصفهان، مشاور علی خامنه‌ای در امور نظامی است. مصاحبه با روزنامه انگلیسی «گاردین» گفت و آشنگتن در موقعیتی نیست که بتواند برای ایران در توافق آتمی پیش‌شرط تعیین کند! وی خواستار تضمین عدم خروج دوباره آمریکا از توافق هسته‌ای شد. به نوشته گاردین، حسین دهقان در این گفتگو از ادامه تحریم‌های ایالات متحده انتقاد می‌کند و می‌گوید در صورت ادامه این سیاست‌ها از سوی آمریکا، رویکرد تهران در موضوع هسته‌ای تغییر خواهد کرد.

او گفت «دولت بایدن در مورد دیپلماسی، چندجانبه‌گرایی و تعامل در صحنه بین‌المللی و همچنین بازگشت به تعهدات بین‌المللی خود صحبت کرد اما همچنان شاهد همان سیاست‌هایی هستیم که در دوران ترامپ اجرا شد: عدم لغو تحریم‌های ظالمانه علیه مردم ایران، ادامه مسدود کردن درآمد نفتی ایران در بانک‌های

خارجی آنهم در حالی که برای مبارزه با بیماری همه‌گیر کرونا به پول احتیاج داریم. در مجموع این به معنای ادامه ترامپیسم در روابط بین‌الملل است.»

وی با اشاره تلویحی به مصوبه مجلس شورای اسلامی و الزام دولت جمهوری اسلامی به در پیش گرفتن برخی اقدامات در ارتباط با توافق آتمی گفت، ایران از ۱۹ فوریه (اول اسفند) - تاریخی که قرار است جمهوری اسلامی بخشی از دسترسی بازرسان سازمان ملل به سایت‌های هسته‌ای خود را مسدود کند - به دنبال تغییر مسیر دیپلماسی است. وی همچنین تأکید کرد که رژیم ایران برای تأثیر تحریم‌ها نیز از آمریکا خسارت می‌خواهد.

گاردین نوشته اظهارات حسین دهقان بیانگر فاصله‌ی عملاً موجود میان آمریکا و جمهوری اسلامی ایران است و اینکه چگونه پایان دوره دومین دولت حسن روحانی ممکن است احیای توافق آتمی را دشوارتر کند. حسین دهقان که خودش به اتهام دست داشتن در عملیات تروریستی در لبنان علیه نیروهای آمریکایی در فهرست تحریم‌های ایالات متحده قرار دارد، پیشنهاداتی مبنی بر بازگشت هر دو طرف به تعهدات خود در جمله برای نشان دادن حسن نیت از جمله برداشته شدن بخشی از تحریم‌ها و پرداخت وام از سوی صندوق بین‌المللی پول را رد کرد. او می‌گوید: «ما قصد داشتیم وام را برای مبارزه با کرونا و خرید دارو و تجهیزات پزشکی استفاده کنیم و این حق ما به عنوان یکی از اعضای صندوق بین‌المللی پول است.»

وی افزود: «رویکرد آمریکایی‌ها باعث شده ملت ما به آنها اعتماد نکند. ما می‌خواهیم تضمین‌هایی را دریافت کنیم که آمریکایی‌ها بار دیگر توافقنامه را نقض نکنند. آمریکایی‌ها در شرایطی نیستند که برای بازگشت به میز مذاکره شرط بگذارند. آنها برجام را نقض کردند، بنابراین برای بازگشت به مذاکره ابتدا باید تحریم‌های یکجانبه و غیرقانونی علیه ایران را بردارند و به تعهداتشان عمل کنند. سپس فرصت خواهیم داشت تا در مورد خسارات و هزینه‌های ناشی از خروج آمریکا از برجام مذاکره کنیم.»

ریاست جمهوری اسلامی بحث‌برانگیز است.

دهقان در مقایسه تلویحی خود با شخصیت‌های معروفی مانند چرچیل، مارشال دوگل و آیزنهاور، نظامیانی که به عنوان رهبران دولت‌های غیرنظامی انتخاب شدند، این موضوع را که نامزد شدن پاسدارانی مانند وی نشان‌دهنده نظامی شدن روزافزون وضعیت جمهوری اسلامی است رد کرد و با تعریف و تمجید از خود به تبلیغات انتخاباتی در این نشریه انگلیسی پرداخت و مدعی شد: «من فقط یک فرد نظامی نیستم. من یک دانشگاهی هستم! من عمدتاً در مراکز غیرنظامی تدریس می‌کردم؛ در بسیاری از مسائل اجتماعی و سیاست خارجی مشاور بوده‌ام. من مدیر بسیاری از نهادهای اقتصادی بوده‌ام. من تمام خصوصیات یک فرد نظامی راجع به وقت‌شناسی، رهبری، کار گروهی با یک رویکرد هدف‌گرا را دارم!»

وی همچنین گفت گزینش وی به معنای روی کار آمدن یک دولت نظامی در ایران نیست. حسین دهقان در پاسخ به این پرسش که آیا جمهوری اسلامی ایران می‌تواند روابط بهتری با عربستان سعودی رقیب منطقه‌ای خود داشته باشد؟ به نقل از برد پالمستون نخست‌نشین وزیر انگلیس در قرن نوزدهم گفت: «ما هیچ متحد ابدی نداریم و هیچ دشمن همیشگی نداریم. منافع ما دائمی و ابدی هستند و وظیفه ما این است که این منافع را دنبال کنیم.»

این سخنان و ادعاها در حالیکست که حسین دهقان پیشتر نیز در مصاحبه با آسوشیتدپرس از غربی‌ها وی افزود: «رویکرد آمریکایی‌ها باعث شده ملت ما به آنها اعتماد نکند. ما می‌خواهیم تضمین‌هایی را دریافت کنیم که آمریکایی‌ها بار دیگر توافقنامه را نقض نکنند. آمریکایی‌ها در شرایطی نیستند که برای بازگشت به میز مذاکره شرط بگذارند. آنها برجام را نقض کردند، بنابراین برای بازگشت به مذاکره ابتدا باید تحریم‌های یکجانبه و غیرقانونی علیه ایران را بردارند و به تعهداتشان عمل کنند. سپس فرصت خواهیم داشت تا در مورد خسارات و هزینه‌های ناشی از خروج آمریکا از برجام مذاکره کنیم.»

وی همچنین نقش اروپا به عنوان میانجی بین تهران و واشنگتن رد کرد و گفت که از زمان خاویر سولانا دیپلمات ارشد اتحادیه اروپا بین سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۹ اتحادیه اروپا هرگونه هویت متمایز از آمریکا را از دست داد و «کاملاً واضح است که اروپایی‌ها دیگر هیچ موضع مستقلی از آمریکا ندارند.»

گاردین در ادامه می‌نویسد، حسین دهقان از فرماندهان پیشین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نقشی اساسی در تشکیل شبه‌نظامیان در لبنان در دهه ۸۰ [میلادی] داشت. وی با سه دولت مختلف در جمهوری اسلامی کار کرده و این شرایط به او اجازه می‌دهد خود را به عنوان یک نامزد غیرجناحی معرفی کند، اما گزینش یک فرد نظامی برای اولین‌بار در مقام

همزمان حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز روز ۲۰ بهمن همزمان با سالگرد چهل و دومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی در ایران از دولت بایدن خواست سیاست «فشار حداکثری» را تکرار نکند زیرا به اعتقاد او این سیاست «شکست خورده» و ایران از «تحریم و نتایج آن» عبور کرده است.

همزمان حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز روز ۲۰ بهمن سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی در ایران از دولت بایدن خواست سیاست «فشار حداکثری» را تکرار نکند زیرا به اعتقاد او این سیاست «شکست خورده» و ایران از «تحریم و نتایج آن» عبور کرده است.

همزمان حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز روز ۲۰ بهمن سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی در ایران از دولت بایدن خواست سیاست «فشار حداکثری» را تکرار نکند زیرا به اعتقاد او این سیاست «شکست خورده» و ایران از «تحریم و نتایج آن» عبور کرده است.

همزمان حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز روز ۲۰ بهمن سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی در ایران از دولت بایدن خواست سیاست «فشار حداکثری» را تکرار نکند زیرا به اعتقاد او این سیاست «شکست خورده» و ایران از «تحریم و نتایج آن» عبور کرده است.

همزمان حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز روز ۲۰ بهمن سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی در ایران از دولت بایدن خواست سیاست «فشار حداکثری» را تکرار نکند زیرا به اعتقاد او این سیاست «شکست خورده» و ایران از «تحریم و نتایج آن» عبور کرده است.

نگاهی به یادداشتهای یک زندانی سیاسی از دو زندان در دو رژیم قبلی و فعلی مهمان پسران شاطر نانو! (۵)

«چریک پیر» در زندان انقلاب «تعزیر» شد!

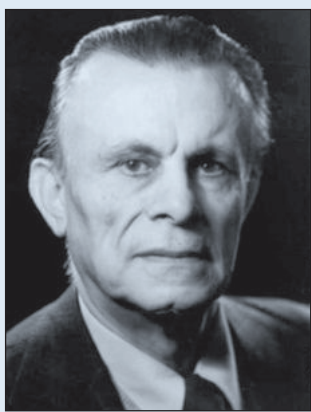
همه جا دشنام بود و تهدید، مشت بود و لگد... و ضربات شلاق که بر کف پایم فرود می آمد
«برادران» به یاری «بازجو» می آمدند و با کوفتن شیلنگ بر کف پای من کسب ثواب می کردند

ایرج هاشمی زاده

«خط امام» مثل تصویر یک جارختی بر دیوار بود که سران حزب توده تلاش می کردند، لباس های خود را به آن آویزان کنند.
شادروان ایرج اسکندری
به نقل از مصاحبه فرهاد فرجاد با رادیو آلمان

تصویر می کند. دفتر خاطرات به آذین از زندان پیش از انقلاب «همان این آقایان» نام دارد و خاطراتش را از زندان بعد از انقلاب «بار دیگر، و این بار...» نام نهاده است. ایرج هاشمی زاده، ازین دو دفتر بخش هایی را در معرض مطالعه شما قرار می دهد و عقیده دارد که در شرایط کنونی ایران یادآوری آن ضروری است.

محمود اعتمادزاده که با نام مستعارش «م.ا. به آذین» شهرت دارد، از چهره های سرشناس ادبی - سیاسی چپ ایران در دوره قبل و بعد از انقلاب به شمار می رود. او که سه سال قبل (۱۰ خرداد ۱۳۸۵) درگذشت، دو دفتر خاطرات از خود بر جای نهاده است و فضای عمومی زندان سیاسی را در هر دو دوره براساس مشاهداتش



به سبب نقشی که در برگزاری شب شعرهای «انستیتو گوته» و نیز فعالیت های جدید کانون نویسندگان ایران داشت، بار دیگر چند روزی زندانی شد و پس از انقلاب هم در سال ۱۳۶۱ در جریان دستگیری گسترده اعضای حزب توده به زندان رفت و تا سال ۱۳۶۹ در زندان ماند.
وی در روز چهارشنبه ۱۰ خرداد ۱۳۸۵ بر اثر ایست قلبی در تهران درگذشت.
از به آذین نوشته ها و ترجمه های متعددی بر جای مانده است.

زندگینامه م.ا. به آذین:
محمود اعتمادزاده (م.ا. به آذین) در سال ۱۲۹۳ شمسی در رشت به دنیا آمد. پس از خاتمه تحصیلات متوسطه، در سال ۱۳۱۱ جزو دانشجویان اعزامی ایران به فرانسه رفت و در رشته مهندسی دریاوردی تحصیل کرد.
در سال ۱۳۱۷ به ایران بازگشت و به نیروی دریایی پیوست. در چهارم شهریور ۱۳۲۰ که نیروهای متفقین به ایران حمله کردند او افسر نیروی دریایی بود و در بمباران بندرپهلوی (انزلی) زخم

درگاهی اش ببرم و بی حرکت بایستم. فرمانش را کار بستم. اما او به این اندک خرسند نشد. مرا؛ رخت پوشیده؛ زیر دوش نگه داشت و شیر را باز کرد؛ از سرد بر سرم می ریخت و پای تا سر خیس می کرد و من می لرزیدم؛ ناچار؛ پس از آن درحالی که آب از همه زیر و بالایی می چکید؛ از حمام بیرونم آورد و گویی برای شادی و تماشای «برادران» این سو آن سو گردشم داد... به سلول بازگردانده شدم و با جامه های تر؛ خودم را در پرتوها پیچیدم. بلا گذشت. آری اما تنها تا پس از شام بند. بازجو آمد و مرا به اتاقک زیرهشت برد... پس از پرسش های کوتاه و تهدیدهای جدیدتر از همیشه دستور داد تا بالای تخت رفته بایستم. درست در چند سانتیمتری لبه آن. سپس آمد و مچ دست راستم را با ریسمان گره بست و سر دیگرش را از قلابی که بر سقف کار گذاشته بودند گذراند و محکم کرد. جوانک؛ چه دقتی در کار داشت! دم به دم؛ چشم بندم را پائین می کشید و تا می توانست خودش را کنار می گرفت تا مباد بینمش. اینک تنها همین مانده بود که با ضربه لگد بر ساق ها؛ پاهایم را از لبه تخت براند. بدین سان؛ من به یک دست از سقف آویخته شدم. این نمایش شوم؛ نمی دانم تا کی بود و چگونه گذشت. یکی دو دقیقه؛ یا بیشتر؛ گمان نمی کنم. یک دم از هوش رفتم. یکبار حس کردم که بازجو مرا به هر دو دست گرفته؛ با دستپاچکی و سخت به زحمت می کوشد تا مرا بالای تخت بیاورد و ریسمان را از مچم باز کند. بی شک ترسیده بود. برای آرامش دل خود همچنان که با گره ریسمان ور می رفت گفت: خالی بندی کردی؟. ولی خالی بندی بوده است یا نه؛ اثر سایش ریسمان بر مچ دستم به رنگ قهوه ای تا پنج سانتی ماه بود...

«اگر چه دین اسلام همچو چیزی تجویز نکرده؛ اما اگر برای گرفتن اقرار از تو لازم باشد؛ زن های خانواده ات را اینجا می آورم و...»
«این گفته تنها یک بارش بود و دیگر تکرار نشد... با این همه؛ تهدید دیگرش که همسر مرا خواهد آورد و زیر هشت؛ او را پیش چشم من و مرا پیش چشم او تعزیر خواهد کرد گویا جدی بود و پس از دو سه بار که تکرار شد؛ در ۱۹ فروردین ۶۲؛ شب پس از شام بند بدان عمل کرد؛ اگر چه نه به تمامی... مرا به سرسرای نیمه تارک بند برد و روبروی درهای باز دخمه آشنای شکنجه برپا نگه داشت. چشمبندم را کمی بالا زد و من از دور؛ بسبب دورتر از آنچه در واقع بود؛ همسرم را از نیمرخ؛ نشسته بر صندلی؛ در روشنایی خیره کننده چراغ اتاقک زیر هشت دیدم؛ اما او نمی توانست مرا در تاریکی ببیند... آن

چندان که کتفم صدا کرد و نزدیک شد که استخوان بازویم بشکند...

«برنامه «نوازش» در اتاق زیر

بار دیگر و این بار...

م.الف. به آذین



هشت هر روز به اجرا در می آمد و من چندان به این ملاحظت ها گوگیر شدم و حتمی اش می دانستم که؛ همین که به درون آن دخمه ام می بردند؛ خودم روی تخت شکنجه دراز می کشیدم و پاهایم را روی میله آهنی بالای دیواره تخت می نهادم تا با ریسمان ببندند... «روز دیگر؛ ساعتی پیش از ظهر مرا باز به حمام برد. حمام که همیشه یا مخزن آب گرمش درست کار نمی کرد؛ یا مجرایش گرفته بود و زیر دوش ها آب آلوده گاه تا فورتز که حساب نمی آمد؛ جای فرود آمدن ضربه را خوب سامان می کرد و سپس به شدت می کوفت... من او را ندیدم؛ حتی کلمه ای از او نشنیدم. اما می دانم که ایمان اسلامی اش - اگر هیچ بویی از آن به مشامش رسیده باشد - نتوانسته او را از خبث طینت ش پاک کند...

«من روز به روز تکیده تر می شدم و بازجوی جوان من سرگشته تر. به روشنی پیدا بود که نمی داند با من چه کند. شاید نمی خواست یا اجازه نداشت در فشار بر من تا جایی پیش برود که زندگی ام را در هم بشکند... بازجو مرا از طبقه بالا می کشاند؛ پائین می آورد؛ کوفت که حمام بازداشتگاه بر کار نبود مرا به آنجا می برد... همه جا دشنام بود و تهدید بود و مشت و لگد بود. یک بار مرا در اتاقی به زمین افکند و بر سینه ام نشست؛ و با همه زور جوانی اش بر ساعد و بازوی تا شده ام فشار آورد و نگه داشت

زخم... تا بیش از دو ماه بهبود نیافت... «سختگیری شدتی روزافزون یافت. نشست ها در سلول و در ساختمان بازجوی پیاپی شد و همچنین نوازش های اتاق زیر هشت... اینک کسانی هم از «برادران» به یاری برکف اطاق پخش شده بود. بازجو بر لبه تخت نشست و مرا هم زیر دست چپ خود نشاند. خم شد و یکی از شیلنگ ها را برداشت... به دستور بازجو - پسرم و همسنگرم که نمی خواست بشناسم - روی تخت برشکم دراز کشیدم؛ چشم بند همچنان پرچشم. او پتوی گندیده را بر سرم کشید؛ پاهایم را با ریسمان به میله افقی بالای دیواره تخت محکم بست. چنان که تنها نیمه بالای تنم می توانست پیچ و تاب بخورد و یک بار سدی شکسته شد. نخستین ضربه ای که برکف یک پایم فرود آمد. دردی انبوه در خطی باریک از پشتم نفوذ داد و من که به خود می گفتم تا آخرب صد تحمل خواهم کرد، فریادم بی اختیار بلند شد: وای! ضربه دوم به فاصله ای اندک با پای دیگرم آشنا شد... و درد آتشین بود و فریاد بلندتر: خدا!

و همین شد. او می زد و فاصله نگه می داشت و من خدا، خدا می گفتم. «به آذین همه چیز رو شده، ایستادگی بی فایده است. بگو! و ناگاهان به اشاره بازجو سیلی جانانه ای بر گونه ام نواخت... و بازجو باز همان کرد که به گمان خود وظیفه انقلابی اش بود و

انتقاد به آذین به حزب توده و رهبران آن و اتحاد جماهیر شوروی را قبول کنیم؛ یا عضویت در کمیته مرکزی و سفر دور دنیا با هزینه های سنگین آن؟ و بعد در زندان جمهوری اسلامی و بیان آنکه «من این را به بانگ بلند؛ آشکارا می گویم و می دانم که از من خواهند پرسید «تو که سرشت و مکانیسم تشکیلات حزب را؛ چفت و بست و کارکرد «پارات» حزبی را چنین می دیدی و از آن کناره گرفتی، چرا پس از بیست و اند سال؛ در پایان ۱۳۵۸ بدان پیوستی و بر خود پسندیدی که عضو کمیته مرکزی همین تشکیلات باشی؟ پرسشی است به جا و پاسخ؛ اگر چه شرح و بسطی می خواهد که تنها در حد گنجایش این نوشته می توانم بدان بپردازم؛ روشن و کوتاه چنین است «اشتباه کردم و از آن چاره مند نبود» به همین سادگی رقیق به آذین؟

قبلاً با زندان شاه آشنا شدیم؛ حال ضروری است با هم سری به زندان های جمهوری اسلامی بزیم و با پسران شاطر نانو در مقام بازجو و بازپرس و تعزیر اسلامی بیشتر آشنا شویم.

در اولین بازجویی بازجوی جوان و پسر شاطر نانو خطاب به آذین می گوید: «دقیق و روشن به پرسش ها جواب بده؛ جوابهای نادرست تعزیر دارد» تعزیر در فرهنگ این آقایان یعنی گوشمالی دادن؛ ادب کردن!

اولین تعزیر مشتی است سنگین بر چانه چپ به آذین.

«پیش از ظهر سه شنبه ۲۶ بهمن (روز پس از دستگیری) مرا به بند ۱ در طبقه همکف انتقال دادند... و هر روز؛ به جز جمعه ها بازجویی داشتیم... بازجو دستور داد از بیرون برایم چلوکیاب آوردند. کسی که هر بار مرا در اتاق تنها می گذاشت و در را نمی بست... اینک جای خود را به خشونت و تهدید و تعزیر می داد... مرا رو به دیوار برپا نگه می داشت و فرمان می داد که دست بالا گرفته؛ ۵۰ بار پیاپی بنشینم و بایستم و اگر در این میان از خستگی و ناتوانی می خواستم نفسی تازه کنم؛ لگد به ساق پایم می زد... دستور داد به سلول من یک صندلی بازجویی بیاورند... مرا چهار زانو بر زمین می نشاند و خود رو به روی من روی صندلی می نشست؛ و پایش را از دو سو بر زانوهایم می نهاد و به وظیفه انقلابی بازجویی اش می پرداخت... به دروغ و راستی که به تخمین خود در نوشته ام کشف می کرد؛ با دو پای خود زانویم را فشار می داد و دردی کور در استخوان ران و دو سوی لنگم منتقل می شد که دشوار می توانستم تاب آورم... «نگهبان پاس؛ حاج رضایی همچنان که مرا همراه خود به دستشویی می برد، نگاه کجش را از بالای شانه چپ به من دوخت و از سرخشم و سوز کین گفت: «بی خواهی بازجو را سر بدوانی... نشانت می دهم. مثل آدم راه بیا و گرنه خودم جانت را می گیرم...»

«با او رفتم و چیزی نگفتم؛ چیزی نداشتم که بگویم. دستشویی خالی بود. سه مستراح در یک ردیف؛ آن رو به رو؛ و دست راست؛ یک روشویی و ظرف شویی از ورقه آهنی جوش داده؛ با شیرهای آب برای استفاده هم زمان دو زندانی. آفتابه را پر کردم و جارو به دست گرفتم؛ و تا جایی که تن ناتوان و قلب رنجور اجازه می داد، صحن دستشویی و یک یک مستراح ها را چنان که باید از آلودگی ها ناگزیر پاک کردم... از کار که فارغ شدم؛ مجال نفس کشیدن به من نداد. آمد و مرا به توالت میانی برد و دستور داد که دستم را تا بالای چارچوب آهنی در ببرم و همچنان به همان حال بایستم. کمترین هوس سرکشی نداشتم. آن گونه که گفته بود ایستادم. حاج رضایی... رفت. من ماندم در تنهایی و خاموشی؛ ... تا نیم زود از دست رفت، آهسته گویی تا شدم؛ بر کف تازه شسته مستراح؛ پاها دراز از دو سوی کاسه چندی نشستم؛ چه آسوده؛ چه بی پروا؛ و یکبار و او سر رسید. همچون تکه های گداخته سنگ از دهانه آتشفشان؛ فریادش همراه ناسزا و تهدید برخاست. فلان فلان شده؛ برای خودت لم داده ای؟

«خسته ام؛ نمی توانم». «چشم کورا زود باش، باشو» و دست زیر بغلم برد و مرا سبک از جا کند. نفس زان ایستادم؛ چاره نبود. او رفت و من زودتر از آن باز تا شدم و نشستم. نه از سر لجاج. در توانم نبود که بایستم و مرد باز آمد. هیچ تکلی به خود ندادم. همه چیز برایم یکسان بود. خشمگین؛ شمشه دراز بنائی را

دیدن می‌کند. هنگام بازگشت به مصر در اروپا مدتی می‌ماند و سپس به مصر باز می‌گردد. سوغات سفر او از غرب برای مصریان مجموعه‌ای از افکار تجدیدستیز است. نگاه او به غرب تماما از چشم‌انداز سنت و احکام اسلامی است. غرب به ماتریالیسم، خشونت و ارتکاب گناه منتهم می‌گردد. او حتا نشستن زنان و مردان مومن مسیحی در کنار هم در کلیسا برای عبادت را نیز بر نمی‌تابد و آن را التقاط می‌خواند. آزادی‌های فردی و اجتماعی در آمریکا و غرب را به باد انتقاد می‌گیرد و درباره موسیقی جاز می‌گوید: آنرا درست کرده‌اند تا به نیازهای جنسی آنان پاسخ دهد! او هرگز ازدواج نکرد و باورش آن بود که قرآن مرد را بر زن مسلط کرده است. او از اینکه نتوانسته زنی از لحاظ اخلاقی پاک و محتاط پیدا کند، پوزش خواسته است!

اندیشه‌های بنیادگرایی «اخوان المسلمین» خیلی سریع در دنیای اسلامی پراکنده شد. در مبین ما نیز بسیاری به اینگونه افکار آلوده شدند. این افکار در کشورهای مسلمان نشین سلاح موثری گردید برای مقابله با پیشرفت، ترقی و مدرنیسم. پس از جنگ اول و دوم جهانی بعضی از جناح‌های سیاسی از موضع اسلامی در مبارزات ضداستعماری و جنبش‌های آزادیبخش شرکت کردند. این جناح‌ها پس از حصول پیروزی بلافاصله در مقابل جنبش دمکراتیک صف‌آرایی کرده و جنبش‌های سخت محافظه‌کار تبدیل گردیدند. از علت‌های مستقر نشدن دمکراسی در کشورهای اسلامی که از بند استعمار رها شدند، عمدتا همین نیروهای ضددمکراسی بوده‌اند. رشد تمایلات کمونیستی در دوران جهان دوقطبی نیز مزید بر علت شده بود و اختیاریه به دست رقیب کمونیست نیفتد، در حمایت از این نیروهای ارتجاعی دریغ نمی‌کردند. حمایت اردوگاه کمونیسم از کمونیست‌ها و پشتیبانی اردوگاه غرب از اسلامگرایان از موانع مهم استقرار دمکراسی در کشورهای کمتر توسعه یافته شد.

ظهور نخستین دولت اسلامی در دوران جدید در ایران
اسلام دینی قدیمی و متعلق به صدها سال پیش است. اما اسلامیسیم یک ایدئولوژی سیاسی متعلق به دوران جدید است. اسلامیسیم ایدئولوژی نیروهای اجتماعی واپسگرایی است که از ارزش‌های تاریخی، فرهنگی و اخلاقی زمان‌های سبزی شده استفاده می‌کند تا با ارزش‌های نو، مدرن و عام امروزی مقابله کند. در دوران ما دفاع اسلامیسیت‌ها از ارزش‌های قرون گذشته و تمرکز بر روی آنها یک سیاست و فریب تمام‌عیار است. هدف نهان در لفافه دین سیاسی، منافع مادی و تصرف قدرت سیاسی است. ریشه جالش‌ها به گفته حافظ شیرینی‌سخن: «بر سر دنیای دون» است (نزاع بر سر دنیای دون مکن حافظ). جنبش‌های اسلامی گرداده‌های ویرانگری هستند که از قعر تاریخ سر بر می‌آورند تا زندگی امروزین مردم را تباہ کنند.

سید قطب و حلقه
شکست‌های ایران از روسیه در سده نوزدهم زنگ ضرورت تغییرات نو را در ایران به صدا درآورد. تحولات نوین در ایران در یک روند ۷۳ ساله در سه مرحله پدیدار گردید:

- ۱- انقلاب مشروطیت که نهادهای سیاسی نوین و قانون اساسی دمکراتیک از آن سر برآورد.
- ۲- اصلاحات ارضی و اجرای برابری حقوقی جنسی در سال ۱۳۴۱ که در آن اساس نظام ارباب رعیتی ملغی شد و نیمی از جمعیت کشور یعنی زنان قادر به اجرای حقوقی گردیدند که قانون اساسی مشروطیت به آنها اعطا کرده بود اما ارتجاع مانع از اجرای آن شده بود. با این اصلاحات راه برای نوسازی های مدرن اقتصادی گشوده شد.
- ۳- آغاز باز شدن فضای سیاسی با هدف برقراری دمکراسی از سال ۱۳۵۶ و واکنش خشونت‌آمیز اسلامگرایان و متحدین آنها علیه گشایش فضای باز سیاسی.

برقراری دمکراسی بزرگترین نگرانی طرفداران استبداد در طول دوران ۷۳ ساله مشروطیت بوده است. در درازای دوران حکومت قانون اساسی مشروطیت توطئه‌های فراوانی برای مسدود نگاه داشتن فضای سیاسی و آزادی احزاب به عمل آمد. اقدام به توره‌های سیاسی از جمله این اقدامات بود.

است که اسلامیسیم در پی تحقق آنست. سه ایسم همزاد اسلامیسیم از قدرت توتالیتاریسم برای تخریب جامعه موجود سود می‌جستند بدون آنکه واقعا بدانند چه چیزی را می‌خواهند جایگزین آن کنند. اما اسلامیسیم آرمان روشنی دارد و می‌داند که بر روی خرابه‌های تمدن موجود، می‌خواهد دنیای اسلامی بیافریند. در این آرمانشهر همه چیز به عصر خلفای راشدین رجعت داده می‌شود و ارزش‌های مغایر سیره انبیا و اولیا و امامان منسوخ و ممنوع می‌گردد. دولت اسلامی از همه ابزار ویرانگر و پیشرفته سده ۲۱ بهره می‌گیرد تا جامعه مدرن هر چه سریع‌تر تخریب گردد و بر ویرانه‌های آن مدینه‌النبی بر پا شود. سه ایسم دیگر ضدانسانی بودند اما داعیه بازگشت به عقب نداشتند. در دکترین اسلامیسیم بازگشت به ۱۴۰۰ سال پیش هدف رسمی اعلام گردیده است.

از معلمان روسغایی مصر تا خرقه‌پوشی مژور حوزة قم

با برچیده شدن خلافت عثمانی در ۱۹۲۴ و استقرار دولت سکولار ترکیه، یک رشته جنبش‌های اسلامی در منصرفات پیشین امپراتوری عثمانی شکل گرفت. یکی از این جنبش‌های اسلامی «اخوان المسلمین» در مصر بود. هدف «اخوان المسلمین» احیای خلافت اسلامی عثمانی نبود. هدف آنها ایجاد حکومت جهانی اسلام بود. بنیانگذار «اخوان المسلمین»، حسن بنا (حسن البنا ۱۹۰۶-۱۹۴۹) و شش نفر از شاگردان او هستند. از نظریه‌پردازان معروف «اخوان المسلمین» سید قطب (۱۹۶۶-۱۹۰۶) است.

آثار و فعالیت‌های این دو اسلامگرا در ترویج بنیادگرایی اسلامی، ترور اسلامی و جهاد اسلامی نقش بزرگی داشت. در عین حال این افراد تفکرشان در بهره‌گیری از اسلام به عنوان ابزاری در سیاست و آرمانگرایی اسلامی، به اندیشه‌های جمال‌الدین اسدآبادی (یا افغانی) مرتبط می‌گردد. کسروی درباره اندیشه‌های جمال‌الدین اسدآبادی می‌گوید: «چیزی که هست از کارهای سید جمال‌الدین در ایران، مصر و عثمانی نتیجه درستی به دست نیامده و شاگردانش در گفتگو از او راه گزافه پیموده‌اند. سید به کار بزرگی برخاسته بود ولی راه آن را نمی‌شناخته. اگر بجای رفتن از این دربار به آن دربار به بیدار ساختن مردم و پیراستن اندیشه کوشیدی نتیجه بهتری رسیدی» (ص ۱۱ تاریخ مشروطه ایران).

منظومه فکری حسن البنا پس از دوره تحصیل در دانشسرای ابتدایی معلمی در مدرسه‌ای شکل گرفت که مؤسس آن محمد عبده، شاگرد و همفکر جمال‌الدین اسدآبادی بود. در ضمن ایمان الطواهری از مشاوران اسامه بن لادن و یکی از رهبران القاعده از شاگردان برادر سید قطب است. سید قطب و حسن البنا چهار سال پس از خمینی (متولد ۱۹۰۲) به دنیا آمده بودند. طبیعی است که ملایان حوزه قم و از جمله بروجردی، کاشانی، شریعتمداری و خمینی ناظر تحولات فکری آنها بوده باشند.

گفته می‌شود که کتاب «حکومت اسلامی» خمینی برداشتی از تفکرات سید قطب بوده است. ثمره اینگونه نظریه‌پردازی‌های بنیادگرایانه در نهایت منتهی به استقرار دولت اسلامی در ایران، حکومت اسلامی طالبان در افغانستان، و ایجاد داعش و ده‌ها گروه جهادی در سراسر کشورهای اسلامی گردید. این نظریه‌پردازان، سیاست را با ایدئولوژی و تفنگ پیوند زدند. ایدئولوژی اسلامی به ترور مشروعیات داد تا به سیاست‌های آنان در ساقط کردن دولت‌های سکولار مشروعیات بخشند. آنها در مبارزه ای خونین هم کشتند و هم کشته شدند.

حسن البنا پس از آنکه «اخوان المسلمین» اقدام به ترور نخست وزیر مصر کرد، سال بعد خودش در خیابان ترور شد. سید قطب و تعدادی از همفکرانش نیز در ۱۹۶۶ به اتهام توطئه براندازی رژیم عبدالناصر در قاهره به دار آویخته شدند. سید قطب آموزش‌های دینی را در کودکی فرا گرفت و در نوجوانی در مدارسی که به شیوه انگلیسی ایجاد شده بود درس خواند و مانند حسن البنا در آموزش و پرورش مصر شغل معلمی داشت. با بورس‌های در سال‌های ۱۹۴۸/۱۹۵۰ به آمریکا رفت. وی در دانشگاه کلرادو شمالی ساکن می‌شود، در آمریکا سیر و سیاحت می‌کند و از مراکز دانشگاهی از جمله استفورد

ایدئولوژی‌های سه بعلاوه یک!



می‌گفت: «کارل مارکس به حد افراطی نظرات دیوانه‌وار درباره ماهیت و هدف دولت بیان کرده است». هیتلر درباره رهبری دولت نظرات روشن و صریحی در «نبرد من» عنوان کرده است. او در اداره دولت همانقدر که به توده‌ها و روش دمکراتیک بی‌باور است، سخت به حکومت نخبران و الیت باورمند است: «در جهان بینی ناسیونال سوسیالیسم نیازی به تفکرات توده‌ای دمکراتیک نیست. تلاش بر آن است که بهترین مغزها رهبری را به دست گیرند و بالاترین قدرت را در دست داشته باشند».

هیتلر در «نبرد من» بارها دمکراسی را مورد انتقاد قرار می‌دهد و در عوض شیفته کیش شخصیت است. ناسیونال سوسیالیسم بنا بر «تفکرات اکثریت برپا نمی‌شود، بلکه بر اساس شخصیت بنا می‌گردد. به عقیده هیتلر شیوه اداره دولت مانند شیوه فرماندهی در ارتش است: «هر فرد مسول نسبت به پایین‌دست اتوریته دارد و نسبت به بالادست موظف است».

در جهان بینی هیتلر انقلاب و انقلابیگری جای مهمی دارد. وی می‌گفت در انقلابی بودن ناسیونال سوسیالیسم کسی نباید تردید به خود راه بدهد. اما هیتلر مشخص نمی‌کرد جامعه‌ای که با انقلابیگری ویران می‌شود چگونه باید ساخته شود. هیتلر از دمکراسی، لیبرالیسم و کمونیسم به شدت انتقاد می‌کرد. درباره اخلاق

جنسی نیز نظرات صریحی داشت و درباره وضع عمومی جامعه از نظر جنسی معتقد بود: «تمامی زندگی عمومی ماشیه شده است به زیستگاه و نمایشگاهی برای جذابیت‌های جنسی». به این ترتیب مطابق با نظریه «پیشوا»، قوه قضاییه و قوه مجریه زیر کنترل کامل حزب نازی درآمد. مبارزه با کمونیسم در رأس سیاست داخلی و نیاز به «فضای حیاتی» در دستور سیاست خارجی قرار گرفت.

اسلامیسیم
اسلام دینی است قدیمی با چهارده سده قدمت. اما اسلامیسیم ایدئولوژی سیاسی جدیدی است که مانند سه ایدئولوژی نام برده شده در بالا پس از جنگ اول جهانی به وجود آمد. بطور معمول اسلامیسیت‌ها بین دین و ایدئولوژی اسلامی تفاوت قائل نمی‌شوند. سخن آیت‌الله کاشانی شهرت دارد که گفته بود: «دین ما عین سیاست ماست و سیاست ما عین دین ماست»! سیاسی بودن دین و دینی بودن سیاست به اشکال مختلف به وسیله روح‌الله خمینی نیز بیان گردیده است. چنین ادعاهایی را نباید چندان جدی تلقی کرد.

اسلامیسیم دکترین سیاسی جدیدی است برای استقرار دولت توتالیتر. دولت توتالیتر اسلامی در جهات اصلی کارکرد سیاسی‌اش با سه «ایسم» یاد شده در بالا نزدیکی‌های زیاد دارد. هدف سیاسی اسلامیسیم نابودی ناسیونالیسم، لیبرالیسم، سوسیالیسم و کمونیسم است. علاوه بر این اسلامیسیم دشمن آشتی‌ناپذیر دمکراسی و سکولاریسم نیز هست. همه اینها محصول تطور و تکامل اندیشه‌های پدیدهای جدید دوران ما هستند. اسلامیسیم پرچم ایدئولوژیک سیاست یا سیاست‌هایی است که برای نابودی دستاوردهای فکری و فرهنگی بشری در کشورهای اسلامی و غیراسلامی به اهتزاز درآمده است. اسلامیسیم یک ویژگی منحصر به فرد دارد که در سه ایدئولوژی دیگر وجود ندارد. این ویژگی در نوع آرمانگرایی

پشت پرده و گردانندگان پنهان در سیاست باور دارند و آن را تبلیغ می‌کنند. به باور آنها دمکراسی این احساس را القاء می‌کند که مردم دولت را اداره می‌کنند. اما در واقعیت، قضیه برعکس است. قدرت واقعی در جاهای دیگری است، در نزد «دیگران و شاید در نزد نیروهای پنهان و بی‌مسئولیت».

فاشیست‌ها از این «نیروی پنهان» نام نمی‌برند اما کاندیدی مطرح آنها فراماسون‌ها هستند. موسولینی در یاداشتی می‌نویسد که فاشیسم از ابتدا علیه دکترین‌های لیبرال، دمکراتیک، سوسیالیستی و فراماسونری مبارزه کرده است. موسولینی در نقد دمکراسی می‌گوید: دمکراسی رژیمی بدون پادشاه است، اما در عوض چندین پادشاه دارد؛ بسیاری از این پادشاهان دمکراسی بسیار خودکام‌تر و خشن‌تر از برخی پادشاهان خودکام‌اند.

برنت‌هاگتوت (Bernt Hagtvet) در کتاب «ایدئولوژی‌های قرن»، عناصر فاشیسم را چنین بر می‌شمارد: «قدرت اراده، دولت توتالیتر، قدرت خشونت، افسانه‌سرایی درباره ملت، جامعه مشارکتی به عنوان رابط بین طبقات».

فازیسیم
نازیسم یا ناسیونال سوسیالیسم، ایدئولوژی سیاسی است که بعد از جنگ اول جهانی در آلمان سر برآورد. مبانی این ایدئولوژی در کتاب «نبرد من» به وسیله آدولف هیتلر (۱۹۴۵-۱۸۸۹) بیان گردیده است. این کتاب در مدت هشت ماه که هیتلر به جرم دست داشتن در کودتای در زندان بسر می‌برد نوشته شد. کتاب در اصل در دو جلد در سال‌های ۱۹۲۵ و ۱۹۲۴ انتشار یافت و نام اصلی کتاب «چهار سال و نیم مبارزه علیه دروغ، حماقت و نامردی» است. ناشر این نام را مناسب ندید و کتاب را با نام «نبرد من» انتشار داد.

پیامدهای شکست آلمان در جنگ اول جهانی، موج عظیم بیکاری و وضع بد اقتصادی، جامعه را مستعد پذیرش نظریه‌های افراطی راست و چپ کرده بود. هیتلر در «نبرد من» راه علاج «دروغ، حماقت و نامردی» را استقرار نظام توتالیتر است و یکپارچه کردن همه اجزای دولت معرفی می‌کرد. کتاب «نبرد من» در آن فضای ملتهب، فروش خوبی داشت و پس از آنکه هیتلر و حزب نازی به قدرت رسیدند خواندن آن فریضه‌ای شد برای فهم افکار بزرگ «پیشوا». نظریه‌های هیتلر از عناصری درست شده‌اند که بتوانند یک دولت توتالیتر را بجای جمهوری دمکراتیک و ایماز بنشانند. برجسته شدن مسائل نژادی در اندیشه هیتلر با هدف پیدا کردن راهی برای همبستگی خدشه‌ناپذیر صورت گرفت.

به باور هیتلر نژاد آلمانی مهمترین عامل همبستگی است که می‌تواند آلمان را دوباره زنده کند. او یهودیان را از نژادی دیگر و موخ همبستگی ملت می‌دانست. او بین فرهنگ و نژاد رابطه‌ای مستقیم می‌دید و فرهنگ برتر را محصول نژاد برتر می‌دانست. او می‌گفت: «دولت به خودی خود هدف نیست، وسیله است». به عقیده هیتلر برتری فرهنگ انسانی «به دلیل کارکرد خوب او نیست بلکه به جهت همبستگی نژادی است» (ص ۳۲۵ «نبرد من»). او می‌گفت که هدف دولت ایده‌آل بایستی آن باشد که «عوامل اصیل نژادی را که توانایی آفرینش فرهنگ برای حیات والای انسان دارند حفاظت کند و به آن زیبایی و ارزشمندی دهد». هیتلر به نظریه مارکس درباره دولت می‌تاخت و

توتالیتاریستی حزب بلشویک منطبق گردد. این تغییر نام بیانگر آن بود که از نام سوسیال دمکراسی برای عوام‌فریبی سوء استفاده شده است.

لنینیسم در درازای عمر خود، استبداد الیت حزبی را جایگزین دمکراسی کرد و جامعه زیر سلطه نظامی توتالیتر به رکود معنوی و مادی دچار گردید.

فاشیسم
فاشیسم ایدئولوژی جنبشی است مبتنی بر توتالیتاریسم، نژادگرا و ناسیونالیسم افراطی در ایتالیا در سال‌های ۱۹۲۲ تا ۱۹۴۳. این ایدئولوژی با نام بنیتو موسولینی (Benito Mussolini) پیوند خورده است. موسولینی سیر زندگی سیاسی‌اش را در جوانی و پیش از جنگ اول جهانی با سوسیالیسم آغاز کرد و سپس به مبارزات سندیکایی دل‌بستگی یافت.

بحران‌های اجتماعی و زلزله‌های سیاسی پس از جنگ، توجه موسولینی را به گذشته‌های دور و به دوران عظمت موسولینی ترکیبی از مجموعه تجربیات سفر زندگی او است. شوق به جنبش درآوردن توده‌ها را از سندیکالیسم، انقلابیگری را از سوسیالیسم، عظمت‌طلبی و کاربرد خشونت و زور در دولت را از باستانگرایی رم وام گرفت و آنها را درهم آمیخت و فاشیسم را به عنوان یک ایدئولوژی ارائه کرد.

فاشیسم واژه‌ای ایتالیایی است که از واژه لاتین fascis مشتق شده. این واژه بیانگر نمادی است که حق دولتمردان رم باستان برای مجازات کردن را به رسمیت می‌شناسد. آرمان‌های این ایدئولوژی را موسولینی خودش در نوشته‌ای بنام «دکترین فاشیسم» بیان کرده است. مطابق این نوشته، فاشیسم یک نظریه کلکتیویست (جمع‌پارو) است. او می‌نویسد: «سده ۱۹ سده سلطه لیبرالیسم و ایندیویدوئالیسم (فردباوری) بود و سده بیستم برعکس سده کلکتیویسم خواهد بود». وی می‌افزاید سده بیستم همچنین سده فاشیسم است.

در نظریه فاشیسم همه چیز در دولت خلاصه می‌شود. اهمیت ویژه دولت در این ایدئولوژی به زبان فلسفی چنین بیان گردیده است: دولت «اراده جهانروای انسان در هستی تاریخی است» و یا «همه چیز در دولت است، هر امر انسانی یا روحانی بیرون از دولت ارزش ناچیزی دارد». مطابق این نظریه‌ها دولت جای همه چیز را می‌گیرد و احزاب سیاسی، سازمان‌های مدنی، سندیکاها و طبقات اجتماعی نهادهایی غیر ضرور و بی‌ارزش به حساب می‌آیند.

از نگاه یک فاشیست، دولت مطلق است و بقیه چیزها نسبی. واژه‌های انقلاب و انقلابی در فاشیسم واژه‌های ارجمندی هستند. موسولینی می‌نویسد: «دولت توتالیتر فاشیسم کاملا چیزی غیر از دولت‌های خودکامه پیشین در سده‌های میانه است» و یا دولت فاشیستی با دولت‌های مطلقه در پیش و پس از انقلاب فرانسه فرق دارد.

به گفته موسولینی، دولت فاشیستی دولتی است که میلیون‌ها نفر آن را تأیید می‌کنند و حاضر به خدمتگزاری آن هستند. جنتیله (Gentile) از نظریه‌پردازان فاشیسم، دمکراسی را یک کلاهدراری ناب توصیف می‌کند و می‌گوید در دمکراسی به عنوان یک سیستم «ملت» به «اکثریت» تقلیل پیدا می‌کند.

نظریه‌پردازان فاشیست به نیروهای

● لنینیسم در درازای عمر خود، استبداد الیت حزبی را جایگزین دمکراسی کرد و جامعه زیر سلطه نظامی توتالیتر به رکود معنوی و مادی دچار گردید.

● در نظریه فاشیسم همه چیز در دولت خلاصه می‌شود. اهمیت ویژه دولت در این ایدئولوژی به زبان فلسفی چنین بیان گردیده است: دولت «اراده جهانروای انسان در هستی تاریخی است» و یا «همه چیز در دولت است، هر امر انسانی یا روحانی بیرون از دولت ارزش ناچیزی دارد». مطابق این نظریه‌ها دولت جای همه چیز را می‌گیرد و احزاب سیاسی، سازمان‌های مدنی، سندیکاها و طبقات اجتماعی نهادهایی غیر ضرور و بی‌ارزش به حساب می‌آیند.

● هیتلر در «نبرد من» بارها دمکراسی را مورد انتقاد قرار می‌دهد و در عوض شیفته کیش شخصیت است. ناسیونال سوسیالیسم بنا بر «تفکرات اکثریت برپا نمی‌شود، بلکه بر اساس شخصیت بنا می‌گردد. به عقیده هیتلر شیوه اداره دولت مانند شیوه فرماندهی در ارتش است: «هر فرد مسول نسبت به پایین‌دست اتوریته دارد و نسبت به بالادست موظف است».

● اسلامیسیم یک ویژگی منحصر به فرد دارد که در سه ایدئولوژی دیگر وجود ندارد. این ویژگی در نوع آرمانگرایی است که اسلامیسیم در پی تحقق آنست. سه ایسم همزاد اسلامیسیم از قدرت توتالیتاریسم برای تخریب جامعه موجود سود می‌جستند بدون آنکه واقعا بدانند چه چیزی را می‌خواهند جایگزین آن کنند. اما اسلامیسیم آرمان روشنی دارد و می‌داند که بر روی خرابه‌های تمدن موجود، می‌خواهد دنیای اسلامی بیافریند.

● اما چه قتل موسولینی با گلوله و چه خودکشی هیتلر و چه جسد مومیایی لنین و چه خمینی در قبر مجلل‌اش، همگی به قعر تاریخ و تاریخ و ننگ ابدی سرازیر شده‌اند.

احمد تاج‌الدینی - سده گذشته (سده بیستم) در هموردی دو نگاه متفاوت به زندگی، جهان، جامعه و فرد، سپری گردید. حاصل این هموردی‌ها به تغییراتی بزرگ در سال‌های پایانی سده بیستم انجامید. این دو نگاه به صورت دو گونه ایدئولوژی خود را سازمان داد: یکی لیبرالیسم و دیگری ایدئولوژی‌هایی که نظام‌های توتالیتر (تأمین‌گرا) از آن برآمد کردند: کمونیسم، فاشیسم، نازیسم و اسلامیسیم.

گموتیسیم
ولادیمیر ایلیچ لنین نظریه کمونیسم کارل مارکس را که با انگیزه ارتقاء خودآگاهی طبقه کارگر سده ۱۹ تدوین شده بود، به ایدئولوژی سیاسی حزب واحد طبقه کارگر مبدل کرد. لنین تنوع دیدگاه در طبقه کارگر را مردود دانست و تسلط حزبی متشکل از گروهی اندک از مارکسیست‌ها را برای استقرار دیکتاتور طبقه کارگر کافی شمرد.

الیت‌گرایی لنین نتیجه‌اش ایجاد تفرقه در جنبش طبقه کارگر و رویگردانی از مبارزه دمکراتیک در جامعه متکثر سیاسی و فرصت‌طلبی در کسب قدرت در جامعه بحران‌زده روسیه پس از انقلاب فوریه بود. انقلاب اکتبر در ماهیت خود کودتای حزب لنینیستی بلشویک (اکثریت) علیه انقلاب دمکراتیک فوریه بود. نام حزب سوسیال دمکرات روسیه پس از کسب قدرت به حزب کمونیست تغییر یافت تا نام حزب با سیاست‌های

گفتگو با پرویز دستمالچی؛

دوران بریز و بیاش تروریست‌های اسلامگرا از جمله جمهوری اسلامی به پایان رسیده



آزاده کریمی، علی اشتیاق - دادگاه آنتورپ بلژیک روز پنجشنبه ۱۳ آذرماه ۹۹ اسدالله اسدی دیپلمات - تروریست جمهوری اسلامی در اتریش را به جرم تلاش برای بمب‌گذاری در شهر ویلپت فرانسه در سال ۲۰۱۸ به ۲۰ سال زندان محکوم کرد. دیگر مجرمین این پرونده نسیمه نعمانی به ۱۸ سال، امیر سعدونی به ۱۵ سال و مهرداد عارفانی به ۱۷ سال زندان محکوم شدند و تابعیت بلژیکی آنان نیز سلب شد.

محکومیت یک دیپلمات جمهوری اسلامی توسط سیستم قضایی یک کشور اروپایی و صدور حکم ۲۰ سال زندان که با رصد و همکاری آلمان و اتریش صورت گرفته، این پرونده را در شمار کم‌سابقه‌ترین از نوع خود قرار می‌دهد.

وقت، علی اکبر ولایتی وزیر امور خارجه وقت و علی فلاحیان وزیر اطلاعات وقت جمهوری اسلامی را به دست داشتن در این ترور متهم کرد.

پس از نزدیک به سه دهه از دادگاه میکنونوس حالا با محکومیت یک دیپلمات جمهوری اسلامی به جرم ترور در غرب، روابط اروپا و جمهوری اسلامی را چگونه باید تعبیر کرد؟ این حکم چه معنایی دارد؟ این حکم چه اثری در سرنوشت برجام و مذاکره با جمهوری اسلامی دارد؟ آیا اروپا برای توقف ماشین ترور حکومت اسلامی ایران در خاک خود، سیاست‌های تازه‌ای در پیش خواهد گرفت؟ اینها پرسش‌هایی است که با پرویز

بازداشت دیپلمات جمهوری اسلامی در ترکیه به اتهام مشارکت در قتل مسعود مولوی؛ وزارت خارجه: «بی‌اساس» است!



وضعیت ملتهب کنسولگری جمهوری اسلامی در استانبول ساعاتی پس از انتشار خبر مشارکت یک دیپلمات رژیم ایران در ترور یکی از مخالفان

اقدامات تروریستی جمهوری اسلامی در خارج کشور امری سابقه‌دار است ولی محاکمه عاملان و اثبات تروریسم دولتی در یک دادگاه اروپایی به ویژه یک دیپلمات جمهوری اسلامی، بی‌سابقه است. مشابه چنین دادگاهی، ۲۸ سال پیش (آبان‌ماه سال ۱۳۷۲) در آلمان، کاظم دارابی مأمور حکومت و متهم ردیف اول ترور ۴ نفر از مخالفان جمهوری اسلامی در استانبول میکنونوس برلین را به حبس ابد محکوم کرد.

دادگاه میکنونوس همچنین علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی، علی اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس دولت

● یک دیپلمات جمهوری اسلامی به نام محمدرضا ناصرزاده به اتهام همدستی در قتل مولوی بازداشت شده است.

● او بی‌شائبه روزنامه‌نگار شاغل در تی‌آرتی در توییتی نوشت «وقتی قصد فیلمبرداری داشتیم، از سوی یکی از اعضای کنسولگری ایران در خارج از کنسولگری به ما حمله شد».

● سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی می‌گوید اتهام مشارکت دیپلمات جمهوری اسلامی در قتل مولوی بی‌پایه و اساس است و چنین فردی اصلاً کارمند سرکنسولگری نبوده.

● دو مقام ارشد ترکیه رویترز گفتند که دو افسر اطلاعاتی در کنسولگری ایران در ترکیه در قتل مولوی دخالت داشتند.

روزنامه «دیلی صباح» چاپ ترکیه ۱۱ فوریه (۲۳ بهمن) گزارش داد یک کارمند کنسولگری جمهوری اسلامی ایران در استانبول به اتهام دست داشتن در قتل مسعود مولوی دستگیر شده است. وزارت خارجه جمهوری اسلامی اما این موضوع را رد می‌کند.

مسعود مولوی وردنجانی مدیر کانال تلگرامی «جعبه سیاه» نوامبر ۲۰۱۹ در استانبول ترور شد.

محمدرضا ناصرزاده دیپلمات ۴۳ ساله ایرانی متهم شده است که برای علی اسفنجانی که عامل اصلی قتل مسعود مولوی است گزاره صادر کرده تا او بتواند پس از قتل به ایران بازگردد.

مسعود مولوی نوامبر سال ۲۰۱۹ در خیابان «شیشلی» در نواحی مرکزی استانبول توسط فردی به نام عبدالوهاب کوچاک به قتل رسید. مولوی پیش از آنکه به ترکیه فرار کند در ایران با نهادهای نظامی و امنیتی همکاری

● فشارهای حزب‌الله بر منتقدین خود در لبنان افزایش پیدا کرده است. بعد از لقمان سلیم روزنامه‌نگاران دیگری نیز تهدید به قتل شده‌اند.

● لقمان سلیم در پیامد تهدیدهایی که دریافت کرده بود در بیانیه‌ای حسن نصرالله و نبیه بری را به عنوان قاتلان احتمالی خود معرفی کرده بود.

● خانواده این پژوهشگر لبنانی می‌گوید به دستگاه قضایی لبنان اطمینان ندارد و خواهان تحقیقات بین‌المللی در ارتباط با قتل لقمان سلیم شده است.

● خانواده لقمان سلیم افشاگری‌های او در رابطه با انفجار در بندر بیروت و انتقاد شدید وی از عملکرد حزب‌الله را از جمله دلایل قتل این پژوهشگر لبنانی می‌دانند.

احمد رأفت - چهارم فوریه ۲۰۲۱
پیکر بی‌جان و گلوله‌خوردی لقمان سلیم پژوهشگر سرشناس شیعه لبنانی و منتقد سرسخت حزب‌الله در منطقه زهران در جنوب لبنان در داخل اتومبیل او پیدا شد.

لقمان سلیم با پنج گلوله به قتل رسید. اگرچه رسماً هنوز مشخص نشده است چه کسی یا کسانی و یا چه گروهی این پژوهشگر لبنانی را به قتل رسانده است، ولی دوستان و خانواده او شکی ندارند که حزب‌الله دستور قتل لقمان سلیم را صادر کرده است.

لقمان سلیم در سال ۲۰۱۹ پس از آنکه بارها به قتل تهدید شده بود و گلوله‌های را با پست دریافت کرده و بر دیوار خانه‌اش در «حاره حریک»، یکی از محلات جنوبی بیروت نیز کلمه «خائن» را خطاب به وی نوشته بودند، بیانیه‌ای منتشر کرد که در آن بدون بازی با کلمات می‌نویسد اگر اتفاقی برای او بیافتد مسئول مستقیم آن حسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله و نبیه بری رئیس پارلمان لبنان و رهبر جنبش امل هستند.

در سال ۲۰۱۹ هواداران حزب‌الله خیمه‌ای که در یکی از میدانی بیروت قرار بود میزبان لقمان سلیم برای یک سخنرانی باشد را نیز به آتش کشیده بودند.

راشا امیر سلیم نویسنده و خواهر لقمان در گفتگو با کیهان لندن می‌گوید «کافی‌ست ببینیم لقمان در کدام منطقه به قتل رسیده و کی آن نواحی را کنترل می‌کند تا دریابیم چه کسی او را به قتل رسانده است و کی دستور قتل او را صادر کرده است.»

لقمان سلیم یکی از پژوهشگران برجسته لبنانی است که مرکز «هم» را تأسیس کرده بود. این مرکز بارها اسناد و مدارکی را منتشر کرده که مواضع حزب‌الله و امل را مورد انتقاد قرار داده و در آنها از این دو سازمان به عنوان «بازوی اجرائی» جمهوری اسلامی نام برده شده است. لقمان سلیم و خواهرش راشا همچنین یک مرکز انتشاراتی با نام «دارالجدید» را پایه‌گذاری کرده بودند که از جمله یکی از کتاب‌های حجت‌الاسلام محمد خاتمی رئیس جمهوری اسلامی

«بشکنید قلم‌ها را!» گفتگوی اختصاصی با راشا امیر سلیم؛

حزب‌الله لبنان مانند جمهوری اسلامی منتقدین خود را به قتل می‌رساند



لقمان سلیم و همسرش مونیکا برگمن



راشا سلیم؛ ۴ فوریه ۲۰۲۱

در فرصت مناسب به سوریه منتقل شود تا در آنجا برای بمباران علیه مردم بی‌گناه مورد استفاده قرار بگیرد. لقمان معتقد بود که انفجار در بندر بیروت مصداق جنایت جنگی است و این پرونده باید در مراجع قضایی بین‌المللی مورد بررسی قرار گیرد.

● شما فکر می‌کنید جمهوری اسلامی نیز در قتل لقمان سلیم نقش داشته؟

من مدارکی مبنی بر نقش مستقیم جمهوری اسلامی در این جنایت ندارم، ولی با توجه به وابستگی کامل حزب‌الله به حکومت ایران، بعید نیست که این تصمیم با اطلاع مقامات تهران و یا اطلاع سفارت آن در بیروت گرفته شده باشد. درخواست تحقیقات بین‌المللی در مورد قتل برادرم برای روشن شدن آمران و عاملان این جنایت است. بدون شک درخواست خلع سلاح حزب‌الله و تبدیل آن به یک حزب لبنانی و نه عامل یک دولت خارجی، می‌تواند یکی دیگر از دلایل قتل برادرم باشد.

اینهمه در حالیست که قتل لقمان سلیم به نگرانی‌های بسیاری در لبنان دامن زده است. آیا اسکندران روزنامه‌نگار و بسایت خبری «ناسیونال» ضمن گزارشی در این زمینه و اشاره به تهدیدهای مکرر سلیم و دیگر روزنامه‌نگاران لبنانی منتقد حزب‌الله همچنین در توییتی نوشت «قتل لقمان سلیم ما را به یاد ترور دیگر نویسندگان و روشنفکران طی دهه‌های می‌اندازد که بیشتر آنها بدون مجازات قاتلان ماند.» «دیلی استار» روزنامه انگلیسی زبان بیروت نیز به نقل از محرم ریاح استاد دانشگاه، می‌نویسد: «این اتفاق یک تراژدی است. همه کسانی که لقمان را می‌شناختند می‌دانند چه کسانی دشمن او بودند.»

اینکه حزب‌الله هیچگونه انتقادی را تحمل نمی‌کند موضوع پوشیده‌ای نیست و به ویژه اگر انتقادات از سوی روزنامه‌نگاران و محافل شیعی باشد. روزنامه‌نگاران و شخصیت‌های شیعه بسیاری چون دیما صادقی، لونا صفوان، محاسن مورسال و دیگران در هفته‌های اخیر به خاطر انتقاد از عملکرد حزب‌الله و رهبرانش تهدید به مرگ شده‌اند.

در ماه ژوئن گذشته لیندا خطیب پژوهشگر منتقد حزب‌الله از سوی این سازمان متهم به «همکاری با اسرائیل» شد و قرار است محاکمه شود.

قاسم قصیر تحلیلگر نزدیک به حزب‌الله پس از نقد این گروه، مجبور به عذرخواهی رسمی شد. او در گفتگویی با شبکه تلویزیونی «NBN» نزدیک به جنبش امل به «دو مشکل عمده حزب‌الله» اشاره کرده بود. مشکل اول، مستندسازی و همسر آلمانی لقمان سلیم هیچ‌اعتمادی به دستگاه قضایی لبنان نداریم و مشخص نیست آنها در خدمت کدام گروه و حزب هستند. آنچه من می‌گویم یک حدس و گمان نیست. تا کنون هیچ‌کدام از تحقیقات دستگاه‌های امنیتی و قضایی لبنان واقعیت‌ها را بیان نکرده و یا اصلاً به نتیجه‌ای نرسیده است. آخرین آنها تحقیقات در مورد انفجار در بندر بیروت است. بعد نیست که لقمان را در پیامد افشاگری‌هایش در همین رابطه کشته باشند.

● لقمان سلیم در این رابطه چه افشاگری‌هایی کرده بود؟
لقمان در آخر یک مناظره تلویزیونی با شبکه «لحده» پای سوریه و روسیه را در انفجار بندر بیروت به میان کشیده و معتقد بود نیت‌ات امنیومی که باعث این انفجار شد با مشارکت روسیه به بیروت رسیده و در بندر انبار شده بود و قرار بود

پیشین در ایران را به عربی ترجمه و منتشر کرده است.

● خانم امیر سلیم، چرا فکر می‌کنید حزب‌الله تصمیم به کشتن برادر شما گرفت؟

برادرم همیشه می‌گفت تنها سلاح او عقایدش هستند. لقمان به خوبی می‌دانست که نظرات او از مرزهای لبنان عبور می‌کنند و به گوش جهانپایان می‌رسند و به همین دلیل کسانی که او آنها را به باد انتقاد می‌گرفت از او وحشت داشتند و بالاخره هم تصمیم به قتل او گرفتند. مواضع لقمان که انسان متفکری بود مانند آب زلال بودند و به همین جهت نیز شنیده می‌شدند. او فقط کسانی را که با او هم‌نظر بودند مخاطب قرار نمی‌داد بلکه روی سخن‌اش عمدتاً با کسانی بود که نظر متفاوت داشتند و می‌خواست آنها را با واقعیت‌های تلخ لبنان امروز آشنا سازد.

● لقمان سلیم به عنوان یکی از منتقدین سرسخت حزب‌الله شهرت داشت...

بله، لقمان معتقد بود که حزب‌الله سال‌هاست که درگیر بحران داخلی عمیقی است و ریزش در داخل این سازمان آغاز شده است. او می‌گفت مقابله با اسرائیل دیگر برای به حاشیه راندن این بحران کافی نیست و برای همین نیز حزب‌الله دامنه فعالیت‌هایش را در خارج از مرزهای لبنان گسترش داده بود تا شاید بتواند با بحران‌سازی در خارج از لبنان، بحران داخلی خود را برای مدتی به تعویق بیاورد.

● چرا شما خواهان کالبدشکافی جدیدی در یک بیمارستان خصوصی در بیروت شدید؟ به دنبال کدام حقیقت هستید که در کالبدشکافی اول مشخص نشده؟

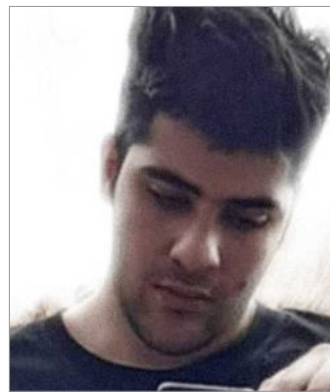
کالبدشکافی در بیمارستان صیدون (جنوب لبنان) ابهامات بسیاری داشت و ما می‌خواستیم بدانیم آیا قیل از شلیک به برادرم او را شکنجه هم کرده بودند یا نه. ما امروز در لبنان با نیروهایی مواجه هستیم که به دنبال بازسازی کشور نیستند، بلکه می‌خواهند این کشور را به کشتارگاه تبدیل کنند و همه را وادار به سکوت کنند. ولی حداقل در مورد خانواده ما کاملاً در اشتباه هستند، ما نه تنها سکوت نخواهیم کرد بلکه با صدای بلندتر صحبت خواهیم کرد، ولی نه به زبان آنها که زبان مرگ است.

● چرا خانواده شما خواهان تحقیقات بین‌المللی در مورد قتل لقمان شده؟ آیا به دستگاه قضایی لبنان اطمینان ندارید؟

من و مونیکا آمونیکا برگمن مستندساز و همسر آلمانی لقمان سلیم هیچ‌اعتمادی به دستگاه قضایی لبنان نداریم و مشخص نیست آنها در خدمت کدام گروه و حزب هستند. آنچه من می‌گویم یک حدس و گمان نیست. تا کنون هیچ‌کدام از تحقیقات دستگاه‌های امنیتی و قضایی لبنان واقعیت‌ها را بیان نکرده و یا اصلاً به نتیجه‌ای نرسیده است. آخرین آنها تحقیقات در مورد انفجار در بندر بیروت است. بعد نیست که لقمان را در پیامد افشاگری‌هایش در همین رابطه کشته باشند.

● لقمان سلیم در این رابطه چه افشاگری‌هایی کرده بود؟
لقمان در آخر یک مناظره تلویزیونی با شبکه «لحده» پای سوریه و روسیه را در انفجار بندر بیروت به میان کشیده و معتقد بود نیت‌ات امنیومی که باعث این انفجار شد با مشارکت روسیه به بیروت رسیده و در بندر انبار شده بود و قرار بود

مهرداد طالشی جوان ۲۱ ساله زیر شکنجه کشته شد



مهرداد طالشی جوان ۲۱ ساله تحت شکنجه مأموران کشته شد

● یک منبع آگاه گفته است، مهرداد طالشی در آگاهی شاپور تهران به قتل رسیده و آثار ضرب و جرح ربر روی سر و گردن او مشهود بوده است.

● «تا کنون از هویت و سرنوشت فردی که همراه وی بازداشت شده هیچ خبری در دست نیست و حتی در پرونده وی اسم نفر دوم را خط زده‌اند.»

و پس از یک ساعت به کلانتری ۱۱۵ منتقل شد. به گفته یک منبع نزدیک به خانواده طالشی، «ساعت ۱۰ شب همان روز مهرداد طالشی به آگاهی شاپور منتقل شده و همانجا زیر شکنجه به قتل رسیده بطوری که آثار ضرب و جرح بر روی سر و گردن وی کاملا مشهود بوده است.»

این منبع آگاه گفته، بازداشت مهرداد طالشی را به جرم «مشکوک به حمل مواد مخدر» عنوان کرده که «تا کنون از هویت و سرنوشت فردی که همراه وی بازداشت شده



هیچ خبری در دست نیست و حتی در پرونده وی اسم نفر دوم را خط زده‌اند.»

بازداشت این شهروند کُرد به اتهام مشکوک به حمل مواد مخدر در حالیهست که به گفته خانواده‌اش، وی هیچگونه سابقه کیفری و حتی استعمال مواد مخدر نداشته و ورزشکار بوده است.

به گفته‌ی این منبع آگاه، «ساعت ۸:۳۰ روز چهارشنبه ۱۵ بهمن از بیمارستان بهارلو با آقای خسرو طالشی پدر مهرداد تماس گرفته شده و گفته‌اند که فرزندت اینجاست و

گزارش ویژه؛ پذیرایی از برادر خوانده‌های از صفحه ۱۸

حزب‌الله و گروه‌های تروریستی و شبه‌نظامیان شیعه وابسته به سپاه انقلاب اسلامی است. همکاری با رژیم ایران از یکسو القاعده و طالبان را تقویت می‌کند و از سوی دیگر ایران را به پایتخت تروریسم بین‌المللی تبدیل کرده و بین گروه‌های شبه‌نظامی و تروریستی شیعه و سنی پل می‌زند. در لبنان، فشار غربی‌ها به ویژه فرانسه بر حزب‌الله و ضربات سنگین اسرائیل به این تشکیلات و همچنین اعتراضات مردم، موقعیت حسن نصرالله را در این کشور به خطر انداخته است. نصرالله و یارانش اکنون در داخل و خارج منزوی شده و محتاط عمل می‌کنند.

در عراق، گردان‌های حشدالشعبی نزدیک به علی سیستانی از بدنه آن جدا شده‌اند که ضربه سختی برای این تشکیلات به شمار می‌رود. نشانه‌های زیادی وجود دارد که حرف‌های اسماعیل قآنی جانشین قاسم سلیمانی به هیچ وجه به اندازه او در بین شبه‌نظامیان خریدار ندارد و آنها در بسیاری مواقع خودمختار عمل می‌کنند و با سرکشی منافع تهران را در نظر نمی‌گیرند.

در چنین وضعیتی و با توجه به سرنوشت نامعلوم برجام و فشارهای فرابرجام از سوی غرب، تقویت همکاری با طالبان و القاعده برای جمهوری اسلامی حیاتی است. تهران اگر قرار باشد در معامله با غربی‌ها برای رسیدن به «توافق اتمی جدید» حمایت از شبه‌نظامیان شیعه را کاهش دهد، می‌تواند با منابع حاصل از توافق جدید، القاعده و طالبان را تأمین کرده و مأموریت‌های نیابتی را به این گروه‌های سنی واگذار کند؛ به ویژه طالبان و القاعده به مراتب بیش از حزب‌الله و حشدالشعبی تجربه عملیات‌های تروریستی علیه آمریکا دارند.

این است که می‌بایست سفر طالبان به تهران را حاوی این پیام بایند و دولت او دانست که رژیم اسلامی در ایران توانایی بسیج گروه‌های غیرشیعی را نیز علیه آمریکا دارد؛ فراتر از این، تهران با این اقدام به دولت آمریکا و غرب که از «تروریسم هسته‌ای» نگرانند، می‌گوید فاصله القاعده و طالبان تا سلاح اتمی به اندازه‌ی «راده‌ی جمهوری اسلامی» است!

روزنامه کیهان تهران ۱۸ بهمن در سرمقاله خود نوشته است: «جمهوری اسلامی ایران توانمندی متمایزی دارد که چین و روسیه به عنوان دو ابرقدرت، فاقد آن هستند: قدرت بسیج‌کنندگی منحصر به فرد هر منطقه. هدف راهبردی آمریکا، انحلال این قدرت ویژه است.» آنچه کیهان تهران در مقابل چین و روسیه به آن می‌بالد، چیزی جز تروریسم و بسیج تروریست‌ها که تاریخچه خونبار جمهوری اسلامی با آن گره خورده است، نیست.

خلاصه اینکه، اگر جمهوری اسلامی در نتیجه‌ی معامله با غرب مجبور به متوقف کردن حمایت از شبه‌نظامیان شیعه شود، مأموریت‌های ضدآمریکایی خود را که ریشه‌های ایدئولوژیک دارد بطور نیابتی به طالبان و القاعده واگذار می‌کند. اگر هم توافقی صورت نگیرد، برای ستیز بیشتر و ضربه زدن به آمریکا «محور مقاومت» را با حضور این دو گروه تقویت می‌کند که منجر به تشدید و افزایش اقدامات بدخیم نیابتی در منطقه خواهد شد.

هشدار وزیر دفاع بریتانیا از صفحه ۳

پایگاه خبری «عرب نیوز» با انتشار بخش‌هایی از صحبت‌های والاس به نقل از متخصصان تسلیحات شیمیایی نوشت «درگیری در سوریه نشان داد که چگونه می‌توان این تسلیحات کشنده را به راحتی تولید کرد و به کار گرفت.»

همایش د برتون- گوردون فرمانده پیشین نیروهای ضد ترور شیمیایی و بیولوژیک ارتش بریتانیا به «عرب نیوز» می‌گوید «تهدیدات فزاینده‌ای از سوی گروه‌های تروریستی وجود دارد. وقتی به خاورمیانه و سوریه نگاه

سیاست‌های دولت بایند که به نظر می‌رسد بیشتر ادامه سیاست‌های دولت اوباما باشد، در افغانستان طالبان و القاعده را تحریک می‌کند و این احتمال که دوباره آنها خود را برای خرابکاری‌های بیشتر تقویت کنند زیاد است. ولی دولت بایند نیز این مسئله را پیش‌بینی کرده و برای همین با همکاری کنگره قصد دارند تصمیم ترامپ برای خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان را به تأخیر بیندازند.

رهبران طالبان نیز می‌دانند که با روی کار آمدن بایند عملیات نظامی و فشارهای بین‌المللی روی آنها تشدید می‌شود بنابراین بعد از القاعده بهترین گزینه برای شراکت را در جمهوری اسلامی و درواقع با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی می‌بینند.

تروریسم همیشه به کار نمی‌آید

بر اساس گزارش نهادهای امنیتی آمریکا در چند سال گذشته القاعده بخش عمده‌ای از منابع خود را از طریق حکومت سعودی تأمین می‌کرده است. اکنون که عربستان برای جدی گرفته شدن منافع‌اش در مذاکرات برجام به چراغ سبز واکنش از اروپا نیاز دارد باید حمایت خود را از سازمان‌های تروریستی متوقف کند و بیش از گذشته با نهادهای بین‌المللی برای مقابله با تأمین مالی تروریسم همکاری کند. در این شرایط تنگنای القاعده به ویژه از نظر مالی بیشتر می‌شود. به این ترتیب، در کنار طالبان، برای القاعده نیز جمهوری اسلامی در ایران بهشت برین است. باب گراهام سناتور پیشین دموکرات در کتاب خود با عنوان «مسائل امور امنیتی» اسناد و گزارش‌های قابل توجهی از افسی‌آی و سیا در مورد رابطه شماری از مقامات بلندپایه عربستان و خاندان حکومتی با اسامه بن‌لادن و اطرافیان او در کادر رهبری و پشتیبانی القاعده گردآوری کرده است.

در این میان، حرف‌های خامنه‌ای در مورد ارتباط طالبان و القاعده با آمریکا بی‌اعتبار است. او مثل همیشه یکی به نعل می‌زند و یکی به میخ. ریشه‌های ایدئولوژیک و فراتر از آن «آمریکاستیزی» آیت‌الله‌ها و رهبران القاعده و طالبان آنها را بطور طبیعی بهم پیوند می‌زند. دیدار خامنه‌ای با سميع الحق «پدر معنوی طالبان» در حاشیه اجلاس علما و بیداری اسلامی که اردیبهشت ۱۳۹۲ در تهران برگزار شد نیز مؤید این واقعیت است.

علی خامنه‌ای برای حفظ منافع جمهوری اسلامی- و نه ایران- تن به هر خفت و شرارتی می‌دهد. ظریف روز ۴ بهمن ۱۳۹۹ (۲۳ ژانویه ۲۰۲۱) در مصاحبه با روزنامه «اعتماد» اعتراف می‌کند «من نماینده حاکمیت هستم و باید از چیزهایی دفاع کنم که خودم هم به آنها باور ندارم... از برخی اقدام‌ها در صحنه بین‌المللی دفاع کردم که معتقد بودم این اقدام‌ها برای منافع ملی مفید نیست.» این اعتراف یک سند مهم در زمینه‌ی تناقض منافع نظام جمهوری اسلامی با منافع ملی ایران است. سفر طالبان به ایران و همه دیدارهای مقامات جمهوری اسلامی با آنان قطعاً با اجازه و چه بسا توصیه‌ی علی خامنه‌ای بوده است!

این واقعیتی است که با توجه به شرایط جمهوری اسلامی، دست القاعده و طالبان برای عملیات تروریستی برون‌مرزی بسیار بازتر از

از ۱۰ سال ثبت شده است. همچنین ۳۴۶ نوزاد متولد شده در بهار ۱۳۹۹ مادران کمتر از ۱۵ سال دارند و بیش از ۱۶ هزار نوزاد فرزند دختران ۱۵ تا ۱۹ ساله هستند. بیشترین کودک همسری‌ها در استان‌های زنجان، آذربایجان شرقی، سیستان و بلوچستان، مرکزی و اصفهان اتفاق می‌افتد. این آمار تکان‌دهنده در حالی حاکی از افزایش تعدد ازدواج‌های ثبت‌شده و قانونی کودکان است که معصومه ابتکار معاون امور زنان و خانواده ریاست جمهوری در جلسه روز ملی «سلامت زنان» در ۲۸ مهرماه ۹۹ گفته بود، کودک همسری در کشور «چندان بالا» نیست!

را هدف قرار دادند. روز ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ هدف بیگانگان در بهم زدن ثبات سیاسی ایران با اهداف دشمنان داخلی مشروطیت بر یکدیگر انطباق یافت و انقلاب اسلامی به پیروزی رسید. حالا ۴۲ سال است که دود آتش اسلامیسیم چشمان مردمی را که سادهدلانه به دنبال فریبکاران سیاسی راه افتادند می‌سوزاند.

عاقبت کار چهار ایدئولوژی

این ایدئولوژی‌ها سرشت کم و بیش متفاوتی دارند ولی سرنوشت آنها واحد است: ننگ و بدنامی!

کمونیسم از خانواده چپ برآمد کرد، گسترش جهانی یافت و اندکی پیش از هفتاد سال عمر کرد و در پایان از درون پاشید. پیکر رهبر و بنیانگذار آن ولادیمیر ایلیچ لنین پس از مرگ مومیایی شد و بدن مومیایی شده‌اش در تابوتی شیشه‌ای گذاشته شد و مومنان کمونیست تا چندی پیش می‌توانستند مستقیم ایدئولوگ حزب بلشویک و نابغه دیکتاتوری پرولتاریا را زیارت کنند.

دولت‌های فاشیست و نازی با جنگ بساطشان برچیده شد. موسولینی با گلوله به قتل رسید و هیتلر پس از قطعی شدن شکست در جنگ با شلیک گلوله خودکشی کرد و جسدش سوزانده شد. روح الله خمینی پس از آنکه جمع زیادی از وفاداران مشروطیت و حکومت قانون را بدون محاکمه در پشت بام محل اقامت‌اش تیرباران کرد، و آنگاه در جنگی ۸ ساله با عراق صدها هزار جوان ایران را به کشتن داد و یا معلول کرد، و پس از آنکه فرمان قتل هزاران زندانی ضد دولت اسلامی را صادر کرد و آنها را به قتل رساند، با آرامش کامل بر روی تخت بیمارستانی در شمال تهران جان سپرد و جنازه‌اش در جنوب تهران مدفون گردید و بر گور او گنبد و بارگاه عظیم ساخته شد تا گویای عظمت ایدئولوژی منفور او باشد.

اما چه قتل موسولینی با گلوله و چه خودکشی هیتلر و چه جسد مومیایی لنین و چه خمینی در قبر مجلل‌اش، همگی به قعر تاریخ و ننگ ابدی سرازیر شده‌اند.

در حالی که هیچ آمار روشنی از سوی مقامات مسئول در زمینه کودک همسری منتشر نمی‌شود، این مقام وزارت کشور می‌گوید: «ازدواج زیر ۱۵ سال هم ثبت رسمی می‌شوند و هم در بانک اطلاعات جمعیت کشور آمار آن ثبت می‌شود، اما چون شناسنامه دختران بعد از سن ۱۵ سالگی دارای صفحه ازدواج می‌شود بعد از ۱۵ سالگی ازدواج این دختران در شناسنامه ثبت می‌شود، منتها ازدواج زیر ۱۵ سال رسمی، قانونی، شرعی و ثبت شده تلقی می‌شود.»

بر مبنای گزارش مرکز آمار ایران، در بهار امسال بیش از ۷ هزار دختر بچه ۱۰ تا ۱۴ ساله و یک ازدواج دختر کمتر

علی رزم‌آرا نخست‌وزیران وقت از جمله اعمال تروریستی این اسلامگرایان افراطی است. بقایای این گروه با نام «موتلفه اسلامی» در سازماندهی شورش ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ خمینی نقش مهمی ایفا کرد. ترور حسنعلی منصور نخست‌وزیر در کارنامه تروریستی این گروه ثبت شده است.

«موتلفه اسلامی» در تأمین تدارکات عملی انقلاب ۱۳۵۷ نقش مهمی داشت و پس از انقلاب زندان‌های رژیم اسلامی زیر کنترل آنها قرار گرفت.

سازمان مجاهدین خلق نیز با ایدئولوژی اسلامی که باب سلیقه دانشجویان باشد در ۱۳۴۴ شکل گرفت، و اقدام به یک رشته ترور با عنوان مبارزه مسلحانه کرد. ایدئولوژی اسلامی این سازمان چه در پیش و چه در پس از انقلاب با ایدئولوژی بنیادگرایان حوزه‌ای متفاوت بود و این تفاوت به تقابل خونین آنها با رژیم انجامید. در ۱۳۴۹ سازمان تروریستی کمونیستی چریک‌های فدایی خلق نیز به وجود آمد و با یکسری ترور که به نام «خلق قهرمان

ایران» انجام شد راه را برای آزادی‌های سیاسی دشوارتر کرد. «نهضت آزادی» نیز با ایدئولوژی اسلامی و «جبهه ملی» سکولار و شبکه‌های مذهبی رنگارنگ از این ترورها که مجریان آن اغلب جوانانی ساده‌دل و ناآگاه بودند، استفاده سیاسی کردند تا به مسئولان نظام مشروطیت بقبولاند که کشور در بحران سیاسی عمیقی در حال غرق شدن است و گویا کمونیست‌ها در کمین‌اند که به زودی قدرت را به دست گیرند.

شاخک‌های شبکه‌های اسلامی تا درون دربار نیز نفوذ کرده بود. همه این جریان‌ها با اسم رمز مبارزه با دیکتاتوری شاه، اساس مشروطیت و براندازی نظام را نشانه رفته بودند. باز شدن فضای سیاسی در ۱۳۵۶ راه را برای رهبری خمینی رهبر معنوی گروه تروریستی موتلفه اسلامی و مرجع تقلید بنیادگرایان گشود. نهضت آزادی و جبهه ملی با شعار «جمهوری اسلامی ایجاد باید گردد» در تهران و خمینی با شعار «شاه باید برود» در پاریس، مشروطیت و حکومت قانون

شناسایی ۱۲۰ ثبت عقد کودک از صفحه ۱۱

رئیس سازمان اجتماعی کشور تصریح کرد: «به جهت رعایت اقتضات فرهنگی، اقلیمی و جغرافیایی در نقاط مختلف کشور ما در روستاها دخترانی داریم که در همین سنین ۱۳ سال هستند و آمادگی جسمانی برای ازدواج دارند، این افراد برای ازدواج به دادگاه مراجعه می‌کنند و قاضی بعد از اثبات وجود مستندات و شواهد حکم می‌دهد که این دختر ۱۳ ساله آمادگی ازدواج دارد، لذا به آن کودک همسری نمی‌گویند، چرا که کودک نمی‌تواند ازدواج کند.»

از صفحه ۱۵

آموزش معنا پیدا می‌کرد. آزادی بی‌قید و شرط احزاب سیاسی در سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۳۰ وجود داشت و کار چنان آزادی که از ضعف حاکمیت ملی و اشغال کشور برآمد کرده بود، جز هرج و مرج حاصلی به بار نیاورد. رواج ترور اسلامی از جمله موانع بزرگ استقرار دموکراسی در ایران بوده است که به آن اشاره می‌گردد.

گروه مهم‌ترین مانع استقرار دموکراسی سیاسی در ایران

هروگه اصلاح اجتماعی و سیاسی مستلزم ثبات سیاسی پایدار در جامعه است. ترور خطرناک‌ترین وسیله برای بر هم زدن ثبات سیاسی است. در سال‌های پس از جنگ دوم از این ابزار بطور موثر استفاده شد. در شرایط اشغال نظامی و پیامدهای آن نهاد سلطنت مهم‌ترین مانع حفظ ثبات به شمار می‌آمد. ترور شاه به معنی ترور قانون اساسی و بهم ریختن بنیادهای انقلاب مشروطیت بود. اسلامگرایان چنین تروری را سازمان دادند و به اجرا درآوردند.

ترور شاه در سال ۱۳۲۷ توسط ناصر فخرآرایی خبرنگار نشریه «پرچم اسلام» انجام شد. سید عبدالکریم فقهی شیرازی صاحب امتیاز این نشریه اسلامگرا درباره هدف از انتشار نشریه می‌نویسد: «مرام ما مبارزه با جهل و بی‌دینی است. و آرزوی ما این است که جهان را به زیر پرچم قرآن و اسلام زنده و جاوید ببینیم.»

ترور دیگر در ۱۳۴۴ به وسیله سربازی از گارد شاهنشاهی انجام شد. طراحان این ترور عده‌ای از مائوئیست‌های تحصیلکرده بودند که سابقه عضویت در کنگفدراسیون خارج از کشور داشتند. آنها هدف خود را از ترور شاه براندازی نظام مشروطیت از طریق جنگ چریکی اعلام کردند.

اما مهم‌ترین گروه تروریستی که در دهه بیست ایجاد شد «جمعیت فداییان اسلام» بود. این گروه بنیادگرا در ۱۳۲۴ به وجود آمد. رهبر آن نواب صفوی بود و پشتیبانان قدرتمندی درون روحانیت داشت. ترور مصلح بزرگ اجتماعی احمد کسروی، ترورهای عبدالحسین هژیر و

مهرداد طالشی جوان ۲۱ ساله اهل شهرستان دیواندره که توسط نیروهای امنیتی در تهران بازداشت شده بود، زیر شکنجه کشته شد.

بر مبنای اعلام وبسایت حقوق بشری «هنگاو»، مهرداد طالشی جوان ۲۱ ساله اهل شهرستان دیواندره عصر روز دوشنبه ۱۳ بهمن ۱۳۹۹ توسط مأموران امنیتی در مترو بازار تهران بازداشت و پس از شکنجه کشته شده است.

این جوان که همراه فرد دیگری بازداشت شده بود، به کلانتری ۱۱۳

ایدئولوژی‌های سه

او ازدواج دختران زیر ۱۳ سال در ایران را «با حکم دادگاه و اثبات آمادگی و بلوغ جسمی دختران» قابل اجرا خوانده و نتیجه گرفته است: «بنابر این ما چیزی به عنوان کودک همسری به معنایی که در ادبیات جهانی وجود دارد، در کشورمان نداریم یعنی در مسوق قانونی این کار انجام می‌شود به عنوان مثال اگر دختر ۱۳ ساله یا کمتر از ۱۳ سال دختر بود که قاضی حکم برای ازدواج نمی‌داد.» بر اساس این سخنان، اگر اقدامی غیرانسانی بر اساس شرع جنبه قانونی پیدا کرده باشد، مشکلی ندارد!

نظریه‌های انحرافی درباره قانون اساسی مشروطیت

وضع یک قانون اساسی دموکراتیک به تنهایی تضمینی برای استقرار دموکراسی نیست. قانون اساسی دموکراتیک چارچوب حقوقی، نهادهای سیاسی و اهداف را مطابق روند عمومی قانون اساسی گرای (کنستیتوشونالیسم) مشخص می‌کند. ایجاد نهادها و تحقق هدف‌های قانون اساسی به نیروهای اجتماعی، تمایلات آنها، شرایط بین‌المللی و بسیاری از عوامل دیگر وابسته است. به عبارت دیگر استقرار دموکراسی و اجرای دموکراتیک حقوق، یک روند است و نه یک واقعه آن!

تعدادی از نویسندگان و اهل سیاست به چنین روندی باور ندارند و دموکراسی را امری ناب می‌پندارند که گویا بایستی بلافاصله پس از انقلاب مشروطیت ظهور می‌کرد و عدم ظهور آن را دلیلی می‌گیرند به شکست انقلاب مشروطیت. درباره زمان شکست انقلاب مشروطیت بین این متفکران اتفاق نظر وجود ندارد. بعضی بلافاصله پس از انقلاب، برخی پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و بعضی نیز پس ۱۳۴۲ (به زعم آنان آغاز دیکتاتوری مطلق) مشروطیت ایران را عقیم و شکست‌خورده اعلام می‌کنند. بعضی دیگر نیز اساساً انقلاب مشروطیت را بازی پابهنگان و مردم آن دوران را نایب و ایران را شایسته دموکراسی و چنان قانون اساسی که آنها آنرا ترجمه ناشیانه‌ای از قانون‌های اساسی غرب معرفی می‌کنند، می‌دانند. در سال‌های پیش و پس از انقلاب اسلامی آثار زیادی با چنین دیدگاه‌هایی نوشته شده و روانه بازار گردیده است.

قانون اساسی گرای و استقرار دموکراسی به منزله یک روند تا ۱۳۵۷ در ایران جریان داشت. مشروطیت ایران هرگز شکست نخورد بلکه گام به گام با میان برداشتن موانع دموکراسی به سوی آن حرکت می‌کرد. مطابق این روند، آزادی کامل احزاب سیاسی در راستای ثبات سیاسی، رونق اقتصادی، توسعه حقوق اجتماعی و برابر حقوقی، رشد

پاسداران انقلاب اسلامی در دولت ترامپ در فهرست سازمان‌های تروریستی قرار گرفت و دولت بایدن که مشتاق بازگشت به توافق اتمی است هنوز از این اقدام انتقادی نکرده است. هم آنتونی بلینکن وزیر خارجه و هم جانت یلن وزیر خزانه‌داری آمریکا موافقاند که سپاه پاسداران بزرگترین تأمین کننده و حامی تروریسم در جهان است. اما در دولت ترامپ و بایدن - دست کم در مدت کمی که دولت بایدن قدرت را در دست دارد - به یک مسئله توجه نکردند و یا اگر توجه کردند آن را آشکار و اعلام نکرده‌اند: انجام برخی از عملیات‌های تروریستی علیه آمریکا و متحدانش نه اینکه از توانایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و شبه‌نظامیان شیعه و وابسته به حکومت اسلامی در ایران خارج باشد بلکه هزینه‌های انجام آن و پیامدهایش نمی‌ارزد! به این دلیل که اغلب سازمان‌ها و گروه‌های مسلح شیعه، از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گرفته تا حزب‌الله لبنان و حشدالشعبی عراق، در بدنه سیاسی کشورهای خود نفوذ زیادی دارند و اگر مستقیم وارد عملیات تروریستی شوند جایگاه آنان به شدت به خطر می‌افتد. بنابراین برای اقدامات خرابکارانه‌ی خود خطوط قرمزی دارند و در صورت لزوم آن را به اصطلاح «برون‌سپاری» می‌کنند و به دیگران محول می‌کنند تا بطور «نیابتی» برایشان انجام دهند. دهه گذشته بسیار ضعیف شده اما همچنان شبکه منطقه‌ای و بین‌المللی خود را حفظ کرده و حتی نشانه‌هایی از تقویت آن در بعضی کشورها مثل یمن و افغانستان و پاکستان دیده می‌شود. تجربه نشان داده است که علی‌خامنه‌ای و فرماندهان سپاه پاسداران در مورد مذاکرات اتمی و در واقع «جذب اتمی» چانه زده و معامله خواهند کرد بدون آنکه دست یافتن به آن را کنار بگذارند. اما در حال حاضر موشک‌ها و حمایت از شبه‌نظامیان منطقه برایشان مسئله «تاموسی» به شمار می‌رود. جمهوری اسلامی ایران در شرایطی قرار گرفته که هم به مذاکره نیاز دارد تا تحریم‌ها کاهش یابد و اقتصادش را سامان ببخشد و هم بتواند به برنامه‌های موشکی و حمایت از گروه‌های شبه‌نظامی ادامه دهد تا اگر لازم شد زهرش را به آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن بریزد. تجربه به آیت‌الله‌ها و سرداران سپاه پاسداران آموخته که عزم دموکرات‌های آمریکا برای مقابله با گروه‌های شبه‌نظامی اهل تسنن مثل طالبان و القاعده جزم‌تر است و انعطاف بیشتری نسبت به گروه‌های شبه‌نظامی شیعه دارند. استراتژی مقابله با سازمان‌های تروریستی در خاورمیانه در دوران باراک اوباما و دونالد ترامپ متفاوت بود. اوباما و معاونش بایدن که اکنون رئیس جمهوری آمریکا شده روی القاعده و طالبان تمرکز داشتند اما ترامپ و تیم او جان بولتون و مایک پمپئو و برایان هوک بر مقابله با سازمان‌ها و گروه‌های شیعه به ویژه سپاه پاسداران متمرکز بودند. برای همین است که در دولت ترامپ، سپاه پاسداران و حشدالشعبی هسته‌ای به دست تروریست‌ها بیفتد. بیشتر مقام‌های رسمی دولت آمریکا تأیید کرده بودند که القاعده احتمالاً در حال حاضر مهارت و ابزار لازم برای تولید یک سلاح اتمی را ندارد با این حال همین مقامات می‌گفتند در صورتی که این گروه بتواند افرادی با دسترسی به مهارت‌های مهندسی مربوط به تسلیحات اتمی را استخدام کند شرایط به صورت قابل توجهی تغییر خواهد کرد. مقام‌های واشنگتن هم در دولت ترامپ و هم در دولت بایدن معتقدند جمهوری اسلامی ایران بزرگترین حامی تروریسم در دنیاست. سپاه

گزارش ویژه! پذیرایی از برادر خوانده‌های تروریست با آب پرقال!

پیام سفر طالبان به تهران برای بایدن چیست؟



حضور هیات طالبان در وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران بهمن ۱۳۹۹

سیاسی طالبان، رهبران این گروه را در مبارزه با آمریکا مصمم دیدم. کسی که سیزده سال در گوانتانامو زیر شکنجه‌های آنان بوده، مبارزه با آمریکا در منطقه را کنار نگذاشته است. شمشانی مجذوب تروریستی شده که ۱۳ سال در گوانتانامو زندانی بوده اما دست از مبارزه با آمریکا برنداشته است! او کسی نیست جز عبدالحق وثیق عضو تیم مذاکره کننده طالبان که از ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۴ در گوانتانامو زندانی بوده است. علی‌خامنه‌ای ۱۲ شهریور ۱۳۹۳ در دیدار با شماری از اعضای مجلس خبرگان گفته بود «بنا بر قدرت‌های غربی و عوامل منطقه‌ای آنها [اعتراف می‌کنند که این جریان‌ها از اجزای القاعده و داعش و ... را اینها به راه انداخته‌اند؛ اگر هم اعتراف نکنند ما شواهد داریم، ما می‌دانیم.» هرچند طالبان از جمله به گفته ظریف در گفتگو با شبکه افغانستانی «طلوع»، در فهرست سازمان‌های تروریستی جمهوری اسلامی قرار دارد اما ایدئولوژی آنها در مورد این برای قاسم سلیمانی فرمانده پیشین سپاه قدس نیز خوشایند بود. سلیمانی از حامیان طالبان بود و این موضوع در صداوسیما جمهوری اسلامی نیز مطرح شده است. و اما در این روزها جمهوری اسلامی در چه شرایطی قرار گرفته که برای یک گروه جنایتکار که در فهرست سازمان‌های تروریستی قرارش داده فرس قرمز پهن می‌کند؟ این شراکت عربان با تبهکاران و به سیم آخر زدن در حمایت از تروریست‌ها با چه هدفی دنبال می‌شود؟

از برادران تروریست و شبه‌نظامی همیشه می‌توان استفاده کرد!

واقعیت این است که بقایای طالبان و القاعده رابطه تنگاتنگ دارند و جمهوری اسلامی با هر دو آنها، رهبران ارشد هر دو گروه در ایران ساکن‌اند. مایک پمپئو وزیر خارجه پیشین

نزدیک با طالبان تلاش می‌کند می‌کند و این در حالیکه که طی این دو دهه در اغلب اوقات هربار که گفته شد رژیم ایران و طالبان ارتباط دارند تهران آن را رد کرد. از اواسط دهه‌ی هشتاد خورشیدی گزارش‌های جسته و گریخته‌ای از ارتباط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نیروهای طالبان منتشر می‌شد تا اینکه ژنرال مک کریستال فرمانده ارشد ناتو در افغانستان در اردیبهشت ۱۳۸۹ (ماه مه ۲۰۱۰) در گزارشی رسمی اعلام کرد واحد قدس سپاه به طالبان کمک می‌کند.

روابط دوستانه

حالا به تازگی یک هیات طالبان به سرپرستی ملا عبدالغنی برادر معاون سیاسی و رئیس دفتر طالبان در قطر به دعوت رسمی جمهوری اسلامی هفتم بهمن ۱۳۹۹ به تهران سفر کرد. این دیدار در حالی انجام شد که کمی پیش از آن وزارت خارجه آمریکا طی گزارشی اعلام کرد گروه طالبان و سازمان القاعده در حال تشکیل یم شبکه نظامی برای ضربه زدن به آمریکا هستند.

در مورد این سفر دو اظهار نظر از سوی مقامات جمهوری اسلامی اهمیت دارد و آشکار می‌کند که تهران روابط خود با «برادرخوانده»ها را چگونه تنظیم می‌کند.

احمد نادری نماینده مجلس شورای اسلامی در مصاحبه با روزنامه «تهران تایمز» (وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی) با بیان اینکه «خیلی شک دارم که دیپلمات‌های ایران در مزارشرف را طالبان کشته باشد» در توجیه رابطه با طالبان گفته است «دشمن دشمن من، دوست من است!» علی شمشانی دبیر شورای عالی امنیت ملی جمهوری اسلامی نیز پس از دیدار با طالبان در توییته که به عربی و انگلیسی هم ترجمه شده بود گفت «در ملاقات امروز با هیئت

مزارشرف افغانستان حمله کردند و ۱۱ نفر و به روایتی ۹ نفر از دیپلمات‌های ایرانی را تیرباران کردند. محمود صارمی خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی «ایرنا» نیز در این حمله کشته شد. در تقویم جمهوری اسلامی ۱۷ مرداد «روز خبرنگار» است. تنها شاهد زنده‌ی این کشتار الله‌مدد شاهسون است که آن زمان عضو سرکنسولگری جمهوری اسلامی در مزارشرف بود. او در مرداد سال ۱۳۹۰ در مصاحبه‌ای گفت «من صبح زود به محل کار رفتم و پس از آنکه از زبان آقای محقق متوجه شدم که طالبان وارد شهر مزار شده‌اند، و شهر در حال سقوط است، از دوستان خواستم که کم کم آماده شوند... جلسه‌ای تشکیل دادیم که در صورت ورود طالبان، برخورد ما چگونه باشد و کارمندان قدیمی با توجه به تجربه خود بر این عقیده بودند که احتمالاً طالبان فقط آنان را تحت نظر گرفته و خواهند گفت که حق خروج از این مکان را ندارید... آپس از ورود نیروهای طالبان به داخل کنسولگری، با توجه به اینکه من تا حدودی زبان پشتون یاد داشتم، به یکی از افراد طالبان میوه تعارف کردیم اما با رفتار منفی آنان پاسخ داده شد که پس از این رفتار، شهید ناصری نیز اظهار نگرانی کرد.»

بر اساس گزارش سازمان دیده‌بان حقوق بشر طی دو هفته پس از ورود نیروهای طالبان در اوت ۱۹۹۸ به مزارشرف و سقوط این شهر بیش از دو هزار نفر از مردم هزاره که اغلب غیرنظامی بودند قتل عام شدند. چرا با وجود اینکه شهر مزارشرف در حال سقوط بود، دیپلمات‌های جمهوری اسلامی کنسولگری ترک نکردند؟ کارمندان کنسولگری بر مبنای کدام اعتماد منتظر ورود نیروهای طالبان به شهر ماندند؟! ۲۲ سال از آن رویداد گذشته اما جمهوری اسلامی برای داشتن روابط

تجربه به آیت‌الله‌ها و سرداران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی آموخته که عزم دموکرات‌های آمریکا برای مقابله با گروه‌های شبه‌نظامی اهل تسنن مثل طالبان و القاعده جزم‌تر است و انعطاف بیشتری نسبت به گروه‌های شبه‌نظامی شیعه دارند.

استراتژی مقابله با سازمان‌های تروریستی در خاورمیانه در دوران اوباما و ترامپ متفاوت بود. اوباما و معاونش بایدن که اکنون رئیس جمهوری ایالات متحده است روی القاعده و طالبان تمرکز داشتند اما ترامپ و تیم او جان بولتون و مایک پمپئو و برایان هوک بر مقابله با سازمان‌ها و گروه‌های شیعه متمرکز بودند.

با توجه به سرنوشت نامعلوم برجام و فشارهای فرا برجام از سوی غرب، تقویت همکاری با طالبان و القاعده برای جمهوری اسلامی حیاتی است. تهران اگر قرار باشد در معامله با غربی‌ها برای رسیدن به «توافق اتمی جدید» حمایت از شبه‌نظامیان شیعه را کاهش دهد، می‌تواند با منابع حاصل از توافق جدید، القاعده و طالبان را تأمین کرده و مأموریت‌های نیابتی را به این گروه‌های سنی واگذار کند!

می‌بایست سفر طالبان به تهران را حاوی این پیام برای بایدن و دولت او دانست که رژیم اسلامی در ایران توانایی بسیج گروه‌های غیرشیعی را نیز علیه آمریکا دارد! فراتر از این، تهران با این اقدام به دولت آمریکا و غرب که از «تروریسم هسته‌ای» نگرانند، می‌گوید فاصله القاعده و طالبان تا سلاح اتمی به اندازه‌ی «اراده‌ی جمهوری اسلامی» است!

حامد محمدی - اگر ریشه‌های مذهبی سبب می‌شود رابطه جمهوری اسلامی با گروه‌های تروریست و شبه‌نظامیان شیعه «برادری» باشد، رابطه رژیم ایران با گروه‌های تروریست سنی «برادرخواندگی» است. هرچند اختلافات مذهبی و فرقه‌ای میان شیعه و سنی در خاورمیانه از عوامل بنیادین درگیری و جنگ‌هاست اما به همان میزان احساسات «ضد آمریکایی» آنها را بهم پیوند می‌زند و در مواقع لزوم به یاری یکدیگر می‌شتابند.

روابط خویشی

در قطعه ۲۹ آرامستان بزرگ جنوب تهران گوری قرار دارد که حیدرعلی باقری یکی از دیپلمات‌های جمهوری اسلامی در آن دفن شده و روی سنگ سیاه آن نوشته «به دست عمال گروهک منحوس طالبان دعوت حق را لیبیک گفت.»

۱۷ مرداد ۱۳۷۷ برابر با (۸ اوت ۱۹۹۸) نیروهای طالبان به دفتر کنسولگری جمهوری اسلامی در